

**2**

اندیشه های اسلامی در پرتو کتاب وسنت

دنیای فرشتگان

تألیف:

**دکتر عمر سلیمان اشقر**

ترجمه:

**گروه فرهنگی انتشارات حرمین**

**این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:**  |  | book@aqeedeh.com |
| **سايت‌هاى مفيد** |
| www.nourtv.netwww.sadaislam.comwww.islamhouse.comwww.bidary.netwww.tabesh.netwww.farsi.sunnionline.uswww.sunni-news.net www.mohtadeen.comwww.ijtehadat.comwww.islam411.comwww.videofarsi.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.comwww.ahlesonnat.comwww.isl.org.ukwww.islamtape.comwww.blestfamily.comwww.islamworldnews.comwww.islamage.comwww.islamwebpedia.comwww.islampp.comwww.kalemeh.tv |

## فهرست موضوعات

[فهرست موضوعات 1](#_Toc341012108)

[مقدمه 3](#_Toc341012109)

[فصل اول: ویژگیها و توانایی های فرشتگان 5](#_Toc341012110)

[مبحث اول: ویژگیهای فيزيكي و مسايل مربوط به آن 5](#_Toc341012111)

[مبحث دوم: ویژگیهای اخلاقي فرشتگان 24](#_Toc341012112)

[مبحث سوم: قدرت و توانايي فرشتگان 25](#_Toc341012113)

[فصل دوّم: عبادت و بندگی فرشتگان 35](#_Toc341012114)

[نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان 35](#_Toc341012115)

[مقام و جايگاه فرشتگان 36](#_Toc341012116)

[نمونه‌هايي از عبادت فرشتگان 38](#_Toc341012117)

[فصل سوم: فرشــته و انســـان 45](#_Toc341012118)

[مبحث اول: فرشتگان و آدم 45](#_Toc341012119)

[مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم 48](#_Toc341012120)

[مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان 71](#_Toc341012121)

[آيا درود فرشتگان براي ما تاثيري دارد؟ 76](#_Toc341012122)

[وظيفه‌ي مؤمن در قبال فرشتگان 95](#_Toc341012123)

[مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان 99](#_Toc341012124)

[فصل چهارم: فرشتگان و ساير مخلوقات 109](#_Toc341012125)

[سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی 109](#_Toc341012126)

[فصل پنجم: مفاضله و برتري ميان فرشته و انسان 115](#_Toc341012127)

[اختلاف نظر در اين موضوع ديرينه است 115](#_Toc341012128)

[ديدگاه‌هاي مختلف در خصوص مساله مذكور 117](#_Toc341012129)

[سرچشمه‌ی اختلاف 117](#_Toc341012130)

[دلايل كساني كه معتقدند انسانهاي نیکوکار برتر از فرشتگان هستند 118](#_Toc341012131)

[دلايل كساني كه معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند 121](#_Toc341012132)

[تحقيق و بررسی 121](#_Toc341012133)

[فهرست منابع 123](#_Toc341012134)

## مقدمه

**إِنَّ الحَمْدَلِلّهِ نَحْمَدُه، و نَسْتَعِینُه، و نَسْتَغْفِرهُ، و نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورٍ أَنْفُسِنا، مَنْ یَهْدِهِ اللهُ فَلامُضِلَّ لَه، وَ مَن یُضْلِلْ فَلاهادِیَ لَه. وأَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إلاَّ اللهُ وأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّداً عَبْدُه و رَسُولُه.**

ايمان و اعتقاد به وجود فرشتگان، یکی از اصول اعتقادی اسلام است که ایمان بدون آن کامل نمی­گردد. و فرشتگان بخشی از جهان غیب­اند كه خداوند متعال ایمان آورندگان بدان را مورد ستایش و تمجید قرار داده است؛ زیرا ایمان به فرشتگان در واقع پذیرفتن خبر خداوند و پیام رسول خدا ص است.

قرآن و سنّت بطور مفصّل این موضوع را شرح داده، و زوایای مختلف آن را بیان کرده اند. هر کس قرآن و سنّت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش واضح خواهد بود، و هیچ و در این اعتقاد هیچ گنگی و ابهامی نخواهد یافت، و این مطالعه موجب ایمان عمیق و راسخ بودن این اعتقاد می­گردد؛ زیرا شناخت تفصیلی از شناخت مختصر و فهرست ­وار محکم­تر و استوار­تر است.

قرآن و سنّت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده اند که انسان بدون وحی نمی­تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان­تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، ولی این ناتوانی به مصلحت انسان است؛ زیرا اگر انسان همه ی صداهای اطرافش را می شنید، و همه ی موجودات را مشاهده می­کرد؛ نمی­توانست زندگی راحتی داشته باشد؛ برای مثال کافی است تصوّر كنيم که انسان به همه ی صداهايي كه از رادیو بخش می شود گوش فرا می دهد تا از حوادث و بلاهایی خبر شود که در انتظارش است. پس اگر فرشته هم از اخبار جهان باخبر شود دچار جنون و سرگشتگی می شود. کسی ­گمان نبرد که پرداختن به موضوع این اصل (فرشته) از علوم اساسی نیست؛ زیرا حقایقی که قرآن و سنّت در این راستا ارائه می دهند؛ تأثیر بسزایی در نفی خرافات و انحراف از مسیر عقل صحیح دارد؛ چرا که از قدیم مقوله­ی خدا بودن یا دختر خدا بودن فرشتگان، رایج بوده، و برخی از فیلسوفان هم بر این باور بوده اند که فرشتگان همان افلاک و گردونه اند که در فضا دیده می­شوند.

این حقایق که در قرآن و سنّت بیان شده اند، ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی بپردازند.

ارتباط ما با فرشتگان از لحاظ تكوين و بوجود آمدن، و مراقبت و نگهبانی بیانگر اهمیت و ارزش انسان است، و اندیشه­ی پوچگرایی و حقارت انسان را نفی می کند، و با درک این حقیقت انسان ارزش خود را می شناسد و تلاش می­کند نقش بزرگ خود را که موظّف به ادای آن است به اثبات برساند.

اگر پیامدها و آثار ارزشمند ایمان به فرشتگان را بررسی کنیم، و آیات و روایات پیرامون این موضوع را ذکر نمايیم، در این مقدمه نمی­گنجد و سخن به درازا مي‌كشد. بنابراین موضوع را به خواننده می سپارم تا مدت زمانی را با مطالعه و تلاوت آیات و احادیث درباره ی این موضوع سپری کند، و با تأمل در آنها خود آثار ناشی از باور به این اصل اعتقادی را لمس نماید.

**از خداوند متعال می خواهم که این کتاب را موجب سود و بهره مندی قرار دهد، و آن را خالصانه از بنده بپذیرد؛ زیرا تنها او برترین مولی و بهترین یاور است**

 **عمر سلیمان اشقر**

 **کویت:20/ذی القعده/1378 هـ /22/9/1987م.**

## فصل اول:ویژگیها و توانایی های فرشتگان

در این فصل تلاش ما بر این است که خصوصيات و ویژگیهای اخلاقی و سرشتی فرشتگان را در پرتو قرآن و احادیث صحیح بيان نموده، سپس به توانمندی آنها بپردازيم.

### مبحث اول: ویژگیهای فيزيكي و مسايل مربوط به آن

1- فرشتگان از چه ماده‎اي و در چه زماني آفريده شده‎اند؟

فرشتگان از نور آفريده شده‎اند، همانگونه که عايشه ل روایت کرده كه رسول اكرم ص فرمود: فرشتگان از نور، جن ها از آتش و آدم از چيزي كه براي شما بيان شده است، آفريده شده اند.[[1]](#footnote-1)

البته رسول خدا ص نوع نوري را كه فرشتگان از آن آفريده شده‎اند، بيان نكرده است. بنابراين ما نمی توانیم بیش از آنچه در این مورد بیان شده توضیح دهیم؛ چون این بحث مربوط به جهان غیب است.

 ولی آنچه از عكرمه روايت است مبني بر اينكه: «فرشتگان از نور عزّت، و ابليس از آتش عزت آفریده شده» و يا آنچه عبدالله بن عمرو روایت کرده است مبني بر اينكه: «خداوند فرشتگان را از نور بازو و سينه آفريده است!» استناد بدان صحيح نيست. اگر اين روايات از اين راويان عالم و دانشمند صحیح باشد، ‌باز هم آنها معصوم نيستند، و ممكن است منبع اين روايات اسرائيليات باشند.[[2]](#footnote-2)

اما آنچه شاه ولي الله دهلوي در (حجة الله البالغة) گفته مبنی بر اينكه «ملأ اعلي» یعنی ساکنان آسمان و عالم بالا به سه دسته تقسيم مي شوند:

**دسته‎ي اول**: آنهايي هستند كه خداوند می داند هر خوبی و نفعی به وجود آنها بستگی دارد، از این رو بعضي اجسام نوري مانند آتش موسی ÷ را آفريده، و نفوس كريمه‎اي را در آنها دميد.

**دسته‎ي دوم**: گروهي هستند كه بصورت هماهنگ با مزاج بخارهای لطيف از عناصر ی به وجود آمده­اند که داراي نفس پاك و والا هستند، و به شدت آلودگي­هاي حیوانی را از خود مي رانند.

**دسته‎ي سوم**: آنهايي هستد كه نفوس انساني دارند، و به ساکنان آسمان بسيار نزديك هستند، و همواره در حال انجام اعمالي هستند كه مفيد و موجب رستگاري مي باشند، به طوري كه پيوستن به آنها سودمند است و پرده هاي فيزيكي از اجسام اين گروه برداشته شده، به گونه ای كه اينان در مسير باشندگان آسمان حركت مي كنند و جزو آنها محسوب می شوند.[[3]](#footnote-3)

هيچ دليل درست و سند معتبري مبنی بر صحّت اين تقسيم­بندی با اين تفصيل وجود ندارد.

چه زمانی فرشتگان آفریده شده‎اند؟

ما نمی دانیم فرشتگان چه زماني آفريده شده اند؟ خداوند در اين باره هيچ گونه اطلاعي به ما نداده است. البته مي دانيم كه آنها جلوتر از آدم «ابو البشر» آفریده شده اند؛ زيرا خداوند به ما خبر داده كه جانشین قرار دادن آدم بر روی زمین را به فرشتگان اعلام نموده، و به اطلاع آنها رسانده است:

 ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭼ ]بقره:30[

 زماني كه پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمين جانشيني قرار می دهم.

منظور از خليفه، آدم است، و خداوند متعال وقتي آدم را آفريد به فرشتگان دستور داد تا او را سجده كنند، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﭼ ]حجر:29[

یعنی: آن گاه كه او را آراسته و پيراسته كردم و از روح متعلّق به خود در او دميدم. (براي بزرگداشت و احترامش) در برابر او به سجده افتيد.

2- فرشتگان از قدرتی بزرگ و هیئتی مهیب برخوردارند

خداوند در مورد فرشتگان مأمور آتش دوزخ می فرماید:

ﭽ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ ]تحریم:6[

یعنی: اي مؤمنان! خود و خانواده­ی خويش را از آتش دوزخي بر كنار داريد كه افروزينه ی آن انسانها و سنگهاست. فرشتگاني بر آن گمارده شده‌اند كه خشن و سختگير، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بديشان دستور داده است نافرماني نمي‌كنند، و همان چيزي را انجام مي‌دهند كه بدان مأمور شده‌اند.

ما در این باره تنها به ذکر احادیثی بسنده می کنیم که در مورد دو فرشته­ی گرامی بحث می­کنند.

درشت اندام بودن جبرئيل

امام احمد در مسند خود از عبدالله بن مسعود روایت کرده که رسول خدا ص جبرئیل را به شکل و صورت واقعی اش دید که دارای ششصد بال بود، که هر یک از بالهایش اُفُق آسمان را پوشانیده بود، و از بالش چیزهایی با رنگهای مختلف از قبیل یاقوت و مروارید می افتاد. ابن کثیر گفته: سند این حدیث جیّد است.[[4]](#footnote-4)

و در صحیح مسلم روایت شده که رسول خدا ص درباره ی با جبرئیل فرمود: «رَأَيْتُهُ مُنْهَبِطًا مِنَ السَّمَاءِ سَادًّا عِظَمُ خَلْقِهِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الأَرْضِ»یعنی: او را ديدم درحالی از آسمان فرود مي آيد، كه بزرگي جسمش فاصله­ي ميان زمين و آسمان را پر كرده بود.[[5]](#footnote-5)

همچنين خداوند متعال در توصیف جبرئیل فرمود:

ﭽ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﭼ ]تکویر:19-20[

یعنی: اين قرآن، كلام (خدا و توسّط) فرستاده بزرگواري (جبرئيل نام براي محمّد پيغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در اداي مأموريّت خود توانا و) نيرومند است، و نزد خداوندِ صاحبِ عرش داراي منزلت و مكانت والایي است.

در آیه‎ی فوق منظور از «رسول کریم» جبرئیل امین است.

درشت اندام بودن حاملان عرش خداوند

حضرت جابر نقل مي كند كه رسول خدا ص فرمود: «به من اجازه داده شده تا درباره­ي یکی از فرشتگانی كه از حاملان عرش است؛ سخن بگويم. فاصله­ي میان نرمه­ي گوش تا شانه‎اش به اندازه ی مسافت هفتصد سال راه است».[[6]](#footnote-6)

ابن ابي حاتم حديث مذكور را نقل كرده و درباره­ي فاصله­ي ميان نرمه ی گوش و شانه­ي حاملان عرش گفته: «تخفق الطير» يعني: پرندگان از پرواز در اين فاصله درمانده مي شوند. (محقق مشكاة المصابيح) سندش را صحيح گفته است.[[7]](#footnote-7)

طبراني در معجم اوسط با سند صحيح از انس نقل كرده كه: رسول خدا ص فرمود: به من اجازه داده شد تا در مورد فرشته‎اي از حاملان عرش سخن بگويم؛ دو پایش در پايين‎ترين قسمت زمين و عرش بر روي شاخش قرار دارد، و فاصله ی ميان نرمه ی گوش و شانه­اش به اندازه ای مسافت هفتصد سال راه است كه پرنده نيز از پيمودن آن ناتوان و درمانده است، اين فرشته، خدا را تسبیح کرده و مي‎گويد: «پروردگارا هر جا كه باشي! پاک و منزه هستي».[[8]](#footnote-8)

3- مهم‌ترین ويژگيهاي فيزيكي فرشتگان

1- بال هاي فرشتگان

بر اساس آیه های قرآن فرشتگان داراي بال هستند، بعضي دو بال برخي سه يا چهار بال و برخی بیش از چهار بال دارند:

ﭽ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﭼ ]فاطر:1[

یعنی: ستايش خداوندي را سزاست كه آفريننده ی آسمانها و زمين است، و فرشتگان را با بالهاي دوتا دوتا، و سه‌تا سه‌تا، و چهارتا چهارتایي كه دارند، مأموران (قدرتمند اجراي فرمان خود در زمينه‌هاي مختلف تكويني و تشريعي) كرد. او هر چه بخواهد بر آفرينش (فرشتگان و مردمان و ساير موجودات جهان) مي‌افزايد. زیرا كه خدا بر هر چيزي تواناست.

و در احاديثي، رسول خدا ص به ما خبر داده كه حضرت جبرئيل (علیه السلام) ششصد بال دارد. که در مباحث گذشته کاملاً بيان گرديد.

2- جمال و زيبايي فرشتگان

خداوند متعال فرشتگان را زيبا آفريده است. چنانكه درباره ي جبرئيل فرموده:

ﭽ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭼ ]نجم:5-6[

یعنی: (جبرئيل، فرشته) بس نيرومند آن را بدو آموخته است. همان كسي كه داراي خرد استوار و انديشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگي خود و با بالهایي كه كرانه‌هاي آسمان را پر كرده بود) راست ايستاد.

ابن عباس در تفسير «ﭪ ﭫ» مي نويسد: «يعني داری سیما و صورت زيباست». قتاده مي­گويد: «داراي قامتي بلند و زيباست». بعضي « ﭪ ﭫ » را به قدرت و توانايي تفسير كرده اند، ميان اين دو تفسير هیچ منافات و تضادی وجود ندارد؛ زيرا جبرئیل هم تواناست و هم زيبا.

فرشتگان در میان مردم نيز به فرشتگان حُسن و جمال معروف اند، همانطور كه شیاطین به قُبح، زشتی و بد شكلي معروف هستند، از این رو انسان زيباروی را به فرشتگان تشبيه مي كنند، و هنگامی که زنان مصر جمال و زیبایی يوسف را مشاهده كردند گفتند:

ﭽ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭼ ]يوسف:31[

ماشاءالله! اين آدميزاد نيست، بلكه فرشته ی بزرگواري است.

3- آيا فرشتگان در شكل و صورت شبیه با انسانها هستند؟

امام مسلم در صحيح و ترمذي در سنن خود از جابر نقل كرده اند كه رسول خدا ص فرمود: در شب معراج تمام پيامبران به من نشان داده شدند، موسي نه بسيار چاق و نه لاغر بلکه ميانه اندام بود[[9]](#footnote-9). گويی از مردان قبيله ي شنوئه بود، و عيسي بن مريم را دیدم که بسیار شبیه عروه بن مسعود بود، و ابراهیم را دیدم که بسیار شبیه من بود، و جبرئیل را دیدم که شبیه دحيه كلبي بود. و در بعضي روايات آمده که: شبیه با دحيه بن خليفه بود.

ولي آيا اين مشابهت ميان جبرئيل و دحيه كلبي به شكل اصلي جبرئیل بود، يا زماني كه خود را به شکل انسان در مي­آورد؟! قول دوم راجح است؛ زيرا در روايات بعدی خواهد آمد که جبرئیل اغلب اوقات به صورت دحيه كلبي نزد رسول خدا ص ظاهر می­شد.

4- تفاوت فرشتگان در جسم و مقام و مرتبه

فرشتگان در جسم و مرتبه با هم برابر نيستند. بعضي دو بال دارند، برخي سه بال، بعضي چهار و بعضي بيشتر، چنانكه جبرئیل (علیه السلام) ششصد بال دارد. و نزد پروردگار دارای مقامهای متفاوت و معلومی هستند، همانگونه که خداوند متعال
می فرماید: ﭽ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﭼ ]صافّات:164[

یعنی: هر يك از ما مقام مشخّص و جايگاه جداگانه‌اي داريم.

 و درباره ي جبرئیل فرموده است: ﭽ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﭼ ]تكوير:19-21[

یعنی: اين قرآن، كلام (خدا و توسّط) فرستاده ی بزرگواري (بنام جبرئيل براي محمّد پيغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در اداي مأموريّت خود توانا و) نيرومند است، و نزد خداوندِ صاحبِ عرش داراي منزلت و مكانت والایي است. او در آنجا (كه ملكوت اعلي و عالم فرشتگان است) فرمانروا، و (در كار ابلاغِ وحي و پيام الهي) امين و درستكار است.) يعني جبرئیل نزد پروردگار جايگاه و منزلت والايي دارد.

بهترين فرشتگان کسانی هستند كه در جنگ بدر حضور داشتند. رفاعه بن رافع روايت می کند: كه جبرئیل نزد رسول خدا ص آمد و گفت: براي كساني كه در غزوه­ي بدر حاضر بودند، چه جايگاهي در ميان خود قايل هستيد؟ رسول خدا ص فرمود: آنان از بهترين مسلمانان هستند. جبرئیل گفت: همچنين فرشتگاني كه در غزوه ي بدر حضور داشتند، از بهترين فرشتگان محسوب مي شوند.[[10]](#footnote-10)

5- فرشتگان نر و ماده نیستند

از جمله عوامل گمراهي بعضی از انسانها هنگام پرداختن به موضوع عالم غيب اين است كه جهان غيب را با مقياس و معيارهاي بشری دنيا می سنجند. از این رو بعضي از آنان تعجب مي كنند كه چگونه جبرئیل در مدت چند ثانيه بعد از مطرح شدن سؤالي كه نیاز بود از طرف خداوند جواب داده شود، بر محمد ص نازل مي شد؟ و حضور جبرئیل را در مدت كوتاه و با سرعت خارق العاده و باور نكردني تلقي مي كنند و مي گويند: چگونه چنين چيزي ممكن است، در حالی که نور (با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه) نياز به ميليونها سال نوري دارد تا به برخي از سيارگان نزديك ما در آسمان برسد؟!

اين انسان مسكين نمي داند كه او مانند پشه اي است كه مي خواهد سرعت هواپيما را با معيار خاص خود بسنجد. اگر اين انسان خوب مي­انديشید، قطعاً مي­دانست كه معیارهای جهان فرشتگان كاملاً متفاوت با معيار ما انسانهاست.

مشركين عرب هم در اين عرصه ها به بيراهه رفتند؛ زیرا فرشتگان را از جنس زنان می­پنداشتند، و اين پندارشان كه خالي از واقعيت بود با خرافاتي واهی، در هم آميخت، بدينگونه كه فرشتگان را دختران خدا مي­پنداشتند!

قرآن در هر دو پندار با آنان به جدل و بحث پرداخته، و ثابت كرد كه مشركين براي اثبات موضع خود در قبال فرشتگان، دليل صحيحي ندارند، و اين ادعاي آنان هیچگونه اعتبار و ارزشی ندارد. بسی جای تعجب است كه آنها دختران را به خدا نسبت مي­دادند در حالی كه خود از داشتن دختر اظهار نفرت و ناخرسندی می کردند، و هرگاه بشارت تولد دختري به آنان داده مي­شد، از فرط پريشاني، رنگ چهره­شان تيره مي شد، و غمگين مي شدند، و به جهت احساس سر­افكندگي و خجالت خود را از مردم پنهان مي كردند؛ زيرا داشتن دختر را براي خود مايه ي عار و ننگ مي دانستند؛ حتي اين حماقت گاهی به مرحله ای می رسید که دختر نوزاد را زنده در گور مي كردند، و با اين وجود داشتن چنین فرزندی را به خدا نسبت می دادند و پندارشان بر این بود كه فرشتگان دختر خدا هستند. آري، خرافات بدينگونه گسترش پيدا كرد، و در ذهن و انديشه­ي كساني كه از نور الهي بهره اي نداشتند، ريشه دوانيد.

به آيه هاي زير توجه کنید كه چگونه اين خرافات را به تصوير كشيد. و با اهل خرافات به جدل مي پردازد و می­فرماید: ﭽﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭼ ]صافّات:149-156[

يعني: از آنان (كه ساكن مكّه بوده و به دنبال خرافات راه افتاده و معتقدند كه فرشتگان دختران خدايند) بپرس كه آيا دختران از آنِ پروردگار تو باشند و پسران از آنِ خودشان؟ (آيا اين عادلانه است‌؟) يا اين كه (وقتي كه) ما فرشتگان را به صورت ماده مي‌آفريديم، ايشان ناظر (بر خلقت فرشتگان) بوده‌اند؟ هان! آنان تنها از روي دروغها و تهمتهاي به هم بافته خود مي‌گويند: خداوند فرزند زاده است! قطعاً ايشان دروغگويند. ‏آيا خداوند دختران را بر پسران ترجيح داده است چه چيزتان شده است، چگونه داوري مي‌كنيد؟ آيا يادآور نمي‌گرديد. ‏يا اين كه شما دليل روشن و روشنگري (در اين زمينه) داريد؟ ‏

خداوند اين ادعايشان را گواهی قرار داده که آنان را در مورد صحت و سُقم آن محاسبه مي­كند؛ زيرا بزرگترين گناه دروغ پردازي و افترا نسبت خداوند است.
می فرماید:

 ﭽ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛﯜ ﯝﭼ [[11]](#footnote-11) ]زخرف:19[

یعنی: آنان فرشتگان را كه بندگان خداي مهربانند، مؤنّث بشمار مي‌آورند (و دختران خدا قلمداد مي‌نمايند!). آيا ايشان به هنگام آفرينش فرشتگان حضور داشته‌اند و خِلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟! اظهارنظر و گواهي ايشان (بر اين عقيده بي‌اساس، در نامه‌هاي اعمالشان) ثبت و ضبط مي‌شود و (در روز قيامت، از سوي خدا) بازخواست مي‌گردند.

6- فرشتگان نمي‌خورند و نمي‌آشامند

در مباحث گذشته يادآور شديم كه فرشتگان نر و ماده (مذكر و مؤنث) نیستند به خوردنيها و نوشيدنيهای انسان نيازي ندارند. و خداوند به ما خبر داد كه فرشتگان به شكل انسان نزد حضرت ابراهيم ص رفتند. ابراهيم براي آنان غذا آورد، امّا آنان دستشان را بسوي غذا دراز نكردند. ابراهيم هراسي از آنان به دل راه داد، آنگاه آنان از حقيقت پرده برداشتند و گفتند: و ما فرشته ایم آنگاه بيم و حيرت حضرت ابراهيم برطرف گرديد. قرآن اين جريان را چنين بازگو نموده و مي فرمايد:

ﭽ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﭼ]ذاریات:24-28[

يعني: آيا خبر مهمانهاي بزرگوار ابراهيم به تو رسيده است‌؟ در آن زماني كه بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برايم) مردمان ناآشنا و ناشناسي هستيد. ‏ به دنبال آن، پنهاني به سوي خانواده ی خود رفت، و گوساله فربه‌اي را (كه بريان كرده بودند، براي ايشان) آورد. و آن را نزديك ايشان گذارد. (ولي با تعجب ديد دست به سوي غذا نمي‌برند و از آن چيزي نمي‌خورند!) گفت: آيا نمي‌خوريد؟! (هنگامي كه ديد دست به سوي غذا نمي‌برند) در دل از ايشان احساس ترس و وحشت كرد. گفتند:نترس! سپس او را به تولد پسري دانا و آگاه مژده دادند.

در آيه اي ديگر همين جريان چنين بازگو شده است:

 ﭽ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﭼ ]هود:70[

يعني: هنگامي كه ديد آنان دست به سوي آن دراز نمي‌كنند (و لب به غذا نمي‌زنند، پيش خود فكر كرد كه دوست نيستند و سر جنگ دارند، اين است كه نمي‌خواهند غذا بخورند) از این رو از ايشان رميد و بدشان ديد و هراسي از آنان به دل راه داد. گفتند: نترس. ما (فرشتگان خدائيم و) به سوي قوم لوط روانه شده‌ايم.

علامه سيوطي به نقل از امام رازي مي­گوید: همه­ی علما بر این اتفاق نظر دارند كه فرشتگان نمي­خورند، و نمي آشامند و ازدواج نمي­كنند.[[12]](#footnote-12)

7- فرشتگان ملول و خسته نمي شوند

فرشتگان به عبادت و اطاعت و اجراي اوامر خداوند متعال مشغول هستند، بدون اينكه خسته يا ملول گردند مانند انسانها خسته و درمانده نمي شوند؛ خداوند در وصف فرشتگان می فرماید:

ﭽ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﭼ ]انبياء:20[

يعني: شب و روز (دائماً به تعظيم و تمجيد خدا مشغولند و پيوسته) سرگرم تسبيح و تقديس اند و سستي به خود راه نمي‌دهند.

و «ﯔ ﯕ » يعني سست و تضعيف نمي شوند. در آيه ي ديگر آمده است:

ﭽ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﭼ ]فصلت:38[

يعني: اگر (مشركان) خود را بزرگتر از آن ديدند (كه به عبادت و پرستش پروردگار بپردازند، باك مدار. چرا كه) آنان كه در پيشگاه پروردگارت منزلت و مكانت دارند (كه فرشتگان مقرّبند) شب و روز به تسبيح و تقديس او سرگرمند و به هيچ وجه ايشان (از اين كار) خسته و درمانده نمي‌گردند.

عرب مي گويد: «سئم الشّيء» يعني آن را ملول كرد.

سيوطي از جمله­ي «ﯔ ﯕ » به نقل از امام فخر رازي چنین استدلال مي كند كه فرشتگان نمی خوابند.

8- محل سكونت فرشتگان

منزل و محل سكونت فرشتگان در آسمانهاست، همانگونه که خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭼ ]شوري:5[

يعني: آسمانها (با همه ی عظمتي كه دارند) نزديك است (در برابر جلال و عظمت او كرنش‌كنان) از بالا درهم بشكافند. و فرشتگان (با همه ی قدرتي كه دارند همیشه) به تسبيح و تقديس پروردگارشان مشغولند.

خداوند فرشتگان را نزد خود قرار داده است، همانگونه که می فرماید:

 ﭽ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﭼ ]فصلت:38[

يعني: اگر (مشركان) خود را بزرگتر از آن ديدند (كه به عبادت و پرستش پروردگار بپردازند، باك مدار. چرا كه) آنان كه در پيشگاه پروردگارت منزلت و مكانت دارند (كه فرشتگان مقرّبند) شب و روز به تسبيح و تقديس او سرگرمند و به هيچ وجه ايشان (از اين كار) خسته و درمانده نمي‌گردند.

فرشتگان به فرمان خداوند و براي انجام كارها و وظایف مهمي كه مربوط به آنان است بر زمين فرود مي آيند:

ﭽ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊﰋ ﭼ ]مريم:64[

يعني: ما (فرشتگان، بندگان جان و دل بر كف يزدان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمي‌آیيم.

و در شبهای ويژه اي مانند شب قدر به كثرت فرود مي­آيند:

 ﭽ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭼ ]قدر:3-4[

یعنی: شب قدر شبي است كه از هزار ماه بهتر است. فرشتگان و جبرئيل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پياپي (به كره ی زمين و به سوي پرستشگران و عبادت كنندگان شب زنده‌دار) مي‌آيند براي هرگونه كاري (كه بدان يزدان سبحان دستور داده باشد)

9- تعداد فرشتگان

تعداد فرشتگان بسيار زياد است و آمار دقيق آنان را جز خداوندی که آنها را آفریده كسي دیگر نمي­داند، همانگونه كه مي فرمايد:

ﭽ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢﯣﭼ ]مدثر:31[

يعني: لشكرهاي پروردگارت را جز او كسي نمي‌داند.

اگر مي­خواهي تعداد فرشتگان را بدانی، به سخن حضرت جبرئیل درباره ي بيت المعمور گوش فرا ده آنگاه كه رسول خدا ص از وي در اين باره پرسید، جبرئیل گفت: «روزانه هفتاد هزار فرشته وارد آن مي شوند و براي بار دوم هرگز بسوي آن بر
نمي گردند».[[13]](#footnote-13)

از عبدالله روايت است كه رسول خدا ص فرمود:

«يُؤْتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زِمَامٍ مَعَ كُلِّ زِمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَجُرُّونَهَا».[[14]](#footnote-14)

يعني: روز قيامت جهنّم آورده مي شود كه هفتاد هزار زمام (مهار) دارد، و هر زمام را هفتاد هزار فرشته گرفته و مي كشند.

بنابر اين در روز قیامت (49) ميليون فرشته دوزخ را كشيده و مي آورند.

اگر آیات و روایات وارده درباره ي فرشتگان مراقب اعمال انسانها را با دقّت مورد مطالعه قرار دهي، گستردگی شمار و تعداد آنها را درک خواهي كرد، فرشته اي بر جنين، و دو فرشته براي ثبت اعمال هر انسان گمارده شده اند، فرشتگاني نيز به منظور حراست و پاسداري او، و يك فرشته براي هدايت و راهنمایی او همراه مي باشند.

10- نامهاي فرشتگان

هر كدام از فرشتگان نام مخصوصي دارند و ما جز نام تعداد اندكي از آنها را
نمي دانيم. نام بعضي از فرشتگان در آیات ذیل آمده است:

1-2- جبرئیل و ميكاييل

خداوند مي فرمايد:

 ﭽ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﭼ ]بقره:97-98[

يعني: بگو: كسي كه دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن خداست) زيرا كه او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل كرده است (نه اين كه خودسرانه دست به چنين امري زده باشد). قرآني كه كتابهاي آسماني پيشين را تصديق مي‌كند، و هدايت و بشارت براي مؤمنان است. كسي كه دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئيل و ميكائيل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن كافران است.

و جبرئیل همان روح الامين است كه در آيه اي ديگر بدين نام از وي ياد شده است كه فرمود:

ﭽ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﭼ ]شعراء:193-194[

يعني: جبرئيل آن را فرو آورده است. ‏ بر قلب تو، تا از زمره ی بيم دهندگان باشي. ‏

و نيز منظور از روح همان جبرئیل است، و جبرئیل همان روح است كه خداوند او را بسوي مريم فرستاده است، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﭼ ]مريم:17[

يعني: ما جبرئيل (فرشته) خويش را به سوي او فرستاديم و جبرئيل در شكل انسان كامل خوش قيافه‌اي بر مريم ظاهر شد.

3- اسرافيل

يكي ديگر از فرشتگان اسرافيل است كه ماموريت دميدن در صور را بر عهده دارد. جبرئیل، ميكائيل و اسرافيل همان فرشتگاني هستند كه رسول خدا ص در دعاي خود هنگام شروع نماز شب يادي از آنها به ميان آورده و فرمود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِى لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِى مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

يعني: پروردگارا! اي رب جبرئیل، ميكائيل و اسرافيل! اي آفریدگار آسمانها و زمين! اي آگاه بر پيدا و پنهان! تو ميان بندگانت در مسايل مورد اختلافشان قضاوت مي كني. به اجازه و فرمان خود در مسايل مورد اختلاف مرا به حق هدايت بفرما! بدون شک تو هر كس را كه بخواهي به راه راست راهنمايي مي كني.

4- مالك

يكي از فرشتگان، مالك نام دارد كه نگهبان دوزخ است، همانگونه که خداوند متعال در این باره می­فرماید:

ﭽ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭼ]زخرف:77[

یعنی: آنان فرياد مي‌زنند: اي مالك! پروردگارت ما را بميراند و نابودمان گرداند (تا بيش از اين رنج نبريم و از اين عذاب دردناك آسوده شويم. او بديشان) مي‌گويد: شما (اينجا) مي‌مانيد (و مرگ و مير و نيستي و نابودي در كار نيست).

5- رضوان

مفسّر معروف علامه ابن كثير رحمه الله مي گويد: مدير و مسئول بهشت فرشته اي به نام رضوان است، و در بعضي احاديث نام رضوان بطور صريح آمده است.[[15]](#footnote-15)

6-7- منكر و نكير

 منكر و نكير هم از جمله فرشته هایی هستند که رسول خدا ص از آنها ياد كرده است و در روايات مربوط به سوال و جواب در قبر؛ نامشان مشهور است.

8-9- هاروت و ماروت

از جمله فرشتگان دو فرشته ای هستند که هاروت و ماروت نام دارند، و خداوند با همين نام آنان را در قرآن ياد كرده، آنجا كه فرمود:

ﭽ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﭼ ]بقره:102[

يعني: سليمان هرگز (دست به سحر نيالوده و) كفر نورزيده است، و بلكه (اين) شياطين صفتان گناه‌پيشه، كفر ورزيده‌اند. (زيرا چنين سخناني را به هم بافته و به پيغمبر خدا سليمان افتراء بسته و به جاي دستورات آسماني، به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجا مانده) آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گرديده بود مي‌آموزند. (دو فرشته‌اي كه طريق سحركردن را براي آشنایي به طرز ابطال آن به مردم ياد مي‌دادند) و به هيچ كس چيزي نمي‌آموختند، مگر اين كه پيشاپيش بدو مي‌گفتند: ما وسيله آزمايش هستيم كافر نشو.

از سياق آيه چنين بر مي آيد كه خداوند در فاصله زماني دو پيامبر؛ هاروت و ماروت را جهت امتحان مردم فرستاده بود. پيرامون اين دو فرشته در كُتُب تفسير و تاريخ، افسانه پردازي هاي زيادي شده كه هيچ كدام از آنها در قرآن و حديث به اثبات نرسیده است. بنابراين بايد درباره­ي اين دو فرشته به همان اندازه بسنده کرد كه از آيه ي قرآن ثابت مي شود.

10- عزرائيل

در برخي از آثار؛ از فرشته­ي مأمور قبض ارواح انسانها به عزرائيل یاد شده است، البته اين نام در قرآن و احاديث صحيح ذكر نشده است.[[16]](#footnote-16)

11-12- رقيب و عتيد

برخي از علما با استدلال به این آیه معتقدند كه نام برخی فرشتگان رقيب و عتيد است؛ که می­فرماید:

 ﭽ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭼ ]ق:17-18[

يعني: بدانگاه كه دو فرشته‌اي كه در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دريافت مي‌دارند. انسان هيچ سخني را بر زبان نمي‌راند مگر اين كه فرشته‌اي، مراقب و آماده (براي دريافت و نگارش) آن سخن است.

ولي اين دیدگاه صحیح نیست، زيرا رقيب و عتيد صفت دو فرشته اي هستند كه اعمال انسان ها را ثبت مي كنند، و به معناي دو فرشته ای هستند كه همواره با انسان همراهند، و با حضور خود، ناظر بر اعمال آنانند، و لحظه اي از انسان غايب نمي شوند. از این رو منظور اين نيست كه اسم دو فرشته رقيب و عتيد است.

11- آیا فرشتگان مرگ و میر دارند؟

فرشتگان هم مانند انسان ها و جن ها مي ميرند، اين مطلب با صراحت در قرآن مجيد آمده است، آنجا که می­فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭼ]زمر:68[

یعنی: در صور دميده خواهد شد و تمام كساني كه در آسمانها و زمين هستند مي‌ميرند مگر كساني كه خدا بخواهد (آنان را تا زمان ديگري زنده بدارد). سپس بار ديگر در آن دميده مي‌شود، به ناگاه همگي (جان مي‌گيرند و) بپا مي‌خيزند و مي‌نگرند.

آيه‎ي فوق شامل فرشتگان نيز هست؛ چون فرشتگان در آسمان ها هستند. ابن كثير در تفسير اين آيه مي فرمايد: اين دمیدن دوّم همان صعق است، كه با دميدن آن، همه ی موجودات زنده­ی زمين و آسمانها مي ميرند، مگر آنهايي كه اراده ی خداوند بر اين باشد كه نميرند.

 اين مطلب در حديث مشهور «صور» به صراحت آمده است. سپس همه ی افراد باقيمانده می میرند تا جايي كه آخرين موجود زنده اي كه مي ميرد «ملک الموت» است، سپس خداوند زنده و قيّوم، تنها زنده باقي مي ماند، ذاتی كه از ازل هم زنده بوده و تا ابد باقي است. و آنگاه خداوند سه بار مي فرمايد: ﭽ ﯸ ﯹ ﯺﯻ ﭼ يعني: امروز پادشاهی و حكومت، از آن كيست‌؟ خودش جواب مي دهد: ﭽ ﯼ ﯽ ﯾﭼ يعني: فرمانروايي از آنِ خداي يكتا و قهّار است.

یکی دیگر از دلايلي كه بیانگر مرگ فرشتگان است اين آيه است: ﭽ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮛﭼ ]قصص:88[

یعنی: همه چيز جز ذات او فنا و نابود مي‌شود.

آيا پيش از دميدن صور فرشته ای مي ميرد؟ اين مطلب را ما نمی دانیم و بحث پيرامون آن از دايره­ي توان ما خارج است؛ زيرا هيچ نصّي در اين موضوع وارد نشده كه بیانگر اثبات یا نفی آن باشد.

### مبحث دوم: ویژگیهای اخلاقي فرشتگان

فرشتگان بزرگوار و نيكمنش و نيكوكردارند

 خداوند فرشتگان را نيكمنش و گرامي توصيف نموده است، آنجا كه مي­فرمايد:

ﭽ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﭼ]عبس:15-16[

يعني: (قرآن) با دست نويسندگاني (نگارش يافته‌ است) كه بزرگوار و نيكمنش و نيكوكردارند.

منظور از «ﮋ » فرشته است؛ ‌زيرا آنان پيام­آوران خداوند بسوي پیامبران الهي هستند. امام بخاري می گوید: «سفرة» يعني: فرشتگان كه مفردش «سافر» است، «سَفَرتُ» يعني: رابطه میان آنان را اصلاح کردم. فرشتگان وقتي وحي الهي را كاملاً به پيامبران مي رسانند همانند سفيراني هستند كه ميان مردم صلح و آشتي برقرار مي كنند. و خداوند آنها را به ارجمند و نيكوكار توصيف كرده و فرموده: ﭽ ﮍ ﮎ ﭼ يعني: بزرگوار، نيكمنش و نيكوكردارند، و نيز رفتار و اعمال آنان شايسته، پاكيزه و كامل است، از اين رو عالم دین، و حامل قرآن بايد نیک کردار و پسندیده گفتار باشد.

حضرت ام­المؤمنين عایشه ب روایت می کند كه رسول خدا ص فرمود:

«**الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذِي** یقرأه **وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ**»[[17]](#footnote-17)

يعني: كسي كه قرآن را تلاوت مي كند، و در تلاوت مهارت دارد همراه با فرشتگان بزرگوار و نيكمنش است، و شخصي كه قرآن را تلاوت مي كند ولي چون در آن مهارت ندارد متحمل زحمت و مشقت می­گردد دو اجر دارد.

1- حيای فرشتگان

از جمله ویژگیهای اخلاقي فرشتگان كه رسول خدا ص بیان فرموده، شرم و حياست. عايشه ب روايت كرده كه: رسول خدا ص در اتاق عايشه دراز كشيده بود و ساق پايش برهنه بود، در آن موقع ابوبكر آمد و اجازه ي ورود خواست. به او اجازه داد و با وي سخن گفت. بعد عمر آمد و اجازه­ي ورود خواست. به او نيز اجازه داد و با وي سخن گفت. بعد عثمان اجازه­ی ورود خواست. رسول خدا ص برخاست و نشست و لباسهايش را مرتّب كرد، سپس عثمان وارد خانه شد و با ایشان سخن گفت، بعد بیرون رفت. وقتي عثمان از خانه بيرون رفت، عايشه عرض كرد: ابوبكر وارد خانه شد شما به او توجه خاصي نكردي، عمر نيز وارد شد همانگونه با او برخورد کردی، ولي وقتي عثمان داخل شد نشستي و لباسهايت را مرتب كردي؟ رسول خدا ص فرمود: «**أَلاَ أَسْتَحْيِى مِنْ رَجُلٍ تَسْتَحْيِى مِنْهُ الْمَلاَئِكَةُ**» یعنی: آيا من شرم نكنم از كسي كه فرشتگان از وي شرم مي كنند؟.[[18]](#footnote-18)

### مبحث سوم: قدرت و توانايي فرشتگان

1- قدرت تغییر شكل

خداوند این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده که مي توانند خود را به شكلهاي گوناگون در آورند. خداوند جبرئیل را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد، آنجا که می­فرماید:

ﭽ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﭼ ]مريم:16-19[

یعنی: (اي پيغمبر!) در كتاب (آسماني قرآن، اندكي) از مريم سخن بگو، آن هنگام كه در ناحيه شرقي (بيت‌المقدّس براي فراغت عبادت) از خانواده‌اش كناره گرفت. و پرده‌اي ميان خود و ايشان افكند (تا خلوتكده‌اش از هر نظر براي عبادت آماده باشد، در اين هنگام) ما جبريل (فرشته) خويش را به سوي او فرستاديم و جبريل در شكل انسان كامل خوش قيافه‌اي بر مريم ظاهر شد. (مريم لرزان و هراسان) گفت: من از (سوء قصد) تو، به خداي مهربان پناه مي‌برم. اگر پرهيزگار هستي (بترس كه من به خدا پناه برده و او كس بيكسان است). (جبرئيل) گفت: (مترس كه من يكي از فرشتگان يزدانم و) پروردگارت مرا فرستاده است تا (سبب شوم و) به تو پسر پاكيزه‌اي (از نظر خلق و خوي و جسم و جان) ببخشم.

علاوه بر اين، فرشتگان بصورت انسان نزد حضرت ابراهيم آمدند، و متوجه نشد كه آنها فرشته هستند تا اينكه خودشان از حقيقت پرده برداشتد. و آيه هاي زیادی درباره اين مطلب در مباحث گذشته بيان گرديد.

همچنین فرشتگان بصورت جوانان زيباروی نزد حضرت لوط آمدند و لوط از ورود آنان ناراحت شد و از سوی قوم خود براي آنان احساس خطر كرد؛ زيرا قوم او مردماني بدکردار بودند و هميشه دنبال بزهکاری و فساد اخلاقي بودند، و غريزه جنسي خود را بجاي زنان از مردان ارضاء مي كردند، همانگونه که قرآن مي فرمايد:

ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﭼ ]هود:77[

یعنی: هنگامي كه فرستادگان ما (به صورت جواناني) پيش لوط درآمدند، لوط از آمدن آنان بسيار ناراحت گرديد و دانست كه قدرت دفاع از ايشان (در برابر قوم تباهكار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسيار سخت و دردناكي است.

ابن كثير مي گويد: «فرشته ها جهت آزمون و امتحان به صورت جواناني زيباروی خود را به آنها نشان دادند تا بر قوم لوط اتمام حجت شود، سپس ايشان را گرفتار كرد و كيفر داد بسان كيفر دادن خدایي چيره، پيروز و قدرتمند.[[19]](#footnote-19)

جبرئیل با شكوه و ویژگیهای متفاوتي نزد رسول خدا ص مي­آمد. گاهي به شکل دحيه بن خليفه كلبي مي آمد (دحيه از صحابه و مردي بسيار زيباروی بود) و گاهي هم به شکل يك مرد بادیه­نشین خود را نشان می داد، که بسياري از صحابه او را مي ديدند.

در صحيح بخاري و مسلم آمده که: عمر روايت می کند: روزي در محضر رسول خدا ص بوديم، مردي با لباس بسيار سفيد و موهاي خيلي سياه كه آثار سفر بر او ديده نمي­شد، و هيچ كس از حاضران او را نمي شناخت، آمد و نزديك رسول خدا ص نشست و دو زانوي خود را با زانوهاي ایشان وصل كرد و دو دستش را بر رانهايش گذاشت و گفت: «اي محمّد! درباره­ی اسلام برايم بگو..... و نيز از ايمان، احسان، قيامت و نشانه هاي آن سؤال كرد».[[20]](#footnote-20)

پس از رفتن اين مرد رسول خدا ص فرمود: او جبرئیل بود، آمده بود تا به صحابه دین را بیاموزاند.

همچنین عايشه ب رسول خدا ص را ديد كه دستش را بر روي اسب دحيه­ي كلبي گذاشته بود و با او سخن مي گفت. وقتي عايشه در اين باره از ایشان پرسید، فرمود: او جبرئیل بود و به شما سلام رساند.[[21]](#footnote-21)

رسول خدا ص درباره­ی شخصي كه نود و نُه نفر را کشته بود فرمود: «وقتي اين شخص توبه­كنان هجرت كرد، در وسط راه مرگ به سراغش آمد، فرشته­ی عذاب و فرشته­ی رحمت در مورد او اختلاف پیدا كردند، و براي حل اختلاف فرشته اي را به عنوان داور مقرر كردند كه به صورت انسان نزد آنان آمده بود. رسول خدا ص
مي­فرمايد: «**فَأَتَاهُمْ مَلَكٌ فِى صُورَةِ آدَمِىٍّ فَجَعَلُوهُ بَيْنَهُمْ فَقَالَ قِيسُوا مَا بَيْنَ الأَرْضَيْنِ فَإِلَى أَيِّهِمَا كَانَ أَدْنَى فَهُوَ لَهُ**».

يعني فرشته اي بصورت انسان نزد آن دو آمد و گفت: مسافت ميان مقصد و مبدأ راهش را اندازه بگيريد، به هر كدام از اين دو (مبدأ و مقصد) نزديك تر بود، جزو همان محسوب می شود. (آن دو فرشته به فرمان خداوند او را داور قرار داده بودند).

بنابراین خداوند آن دو فرشته را به شکل انسان براي داوري نزد آنها فرستاده بود. اين داستان در صحيح مسلم در باب توبه به طور مفصل ذکر شده است.

در قصّه ی سه نفر بني اسرائيلي كه یکی دارای بیماری جذام و دیگری کچل و سوّمی نابینا بود، آمده است كه فرشته برای امتحان آنها بصورت انسان نزد آنان رفت، که داستان آن ذکر خواهد آمد.

بسياري از علما پيرامون نحوه­ی تغییر شكل فرشتگان نظریاتی عقلی مطرح كرده اند، و سخنان بسيار نامطلوبي گفته اند، ولي طرح اين نظریه ها در اين مباحث غيبي کمترین سودي به آنان نرسانیده است. خداوند پیرامون قدرت تغییر شكل و چگونگي آنان به ما خبر داده، و باید روش رسول خدا ص و اصحاب بزرگوار براي اين علما الگو مي بود که از مطرح كردن چنین مسائلی توقف می كردند. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به كتاب «الحبائك في أخبار الملائك» تألیف علامه سیوطی مراجعه شود.[[22]](#footnote-22)

2- سرعت فوق العاده

 بالاترین سرعتي كه انسان بدان آشناست، سرعت نور است. سرعت نور 300 هزارکیلومتر در ثانيه است. ولي سرعت فرشتگان بيش از اين است که با معيار و مقياس هاي بشري قابل سنجش نيست. گاهی سؤال کننده­ای نزد رسول خدا ص می­آمد، ولی هنوز از مطرح كردن سؤال خود فارغ نشده بود كه جبرئیل پاسخ را از جانب خداي بلند مرتبه مي آورد.

امروزه اگر بتوانند فضاپیمایی بسازند که سرعتش برابر با سرعت نور باشد، ميلياردها سال نوري طول مي كشد تا به يكي از ستارگان موجود در آفاق دوردست اين جهان پهناور و گسترده برسد.

3- علم فرشتگان

فرشتگان از علم و آگاهی فراوانی برخوردارند كه خداوند به آنان آموخته است، امّا مانند انسان قدرت شناخت اشياء را ندارند، همانگونه که خداوند متعال می­فرماید:

ﭽ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﭼ ]بقره:31-32[

يعني: سپس به آدم نامهاي (اشياء و خواصّ و اسرار چيزهایي را كه نوع انسان از لحاظ پيشرفت مادي و معنوي آمادگي فراگيري آنها را داشت، به دل او الهام كرد و بدو) همه را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست مي‌گویيد (و خود را براي امر جانشيني از انسان بايسته‌تر مي‌بينيد) اسامي (و خواصّ و اسرار) اينها را برشماريد. فرشتگان گفتند: منزّهي تو، ما چيزي جز آنچه به ما آموخته‌اي نمي‌دانيم (و توانایي جانشيني را در زمين و استعداد اشتغال به امور مادي را نداريم و معترفيم كه آدم موجودي شايسته‌تر از ماست و) تو دانا و حكيمي.

انسان با استفاده از قدرت یادگیری در مورد شناخت اشياء، و كشف قوانين حاكم بر جهان هستي ممتاز است، ولي فرشتگان بصورت ارتباط مستقيم از خداوند اين چيزها را مي دانند. البته آنچه را كه خداوند به فرشتگان آموخته، بيش از معلومات انسانهاست، و از جمله علومي كه به فرشتگان داده شده، علم نوشتن و كتابت است، همانگونه که می فرماید:

 ﭽ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﭼ ]انفطار:10-12[

بدون شك نگاهباناني بر شما گمارده شده‌اند. مي‌دانند هركاري را كه مي‌كنيد.

توضيح بيشتر در اين باره در بحث فرشته و انسان خواهد آمد.

گفتگوی ساكنان آسمان

فرشتگان درباره­ي آنچه از وحي پروردگار براي آنان پنهان باشد به بحث و مناظره می­پردازند. در سنن ترمذي و مسند امام احمد از ابن عباس م روايت شده که رسول خدا ص فرمود: «در شب گذشته خداوند را به زيبا ترين صورت در خواب ديدم، از من پرسيد: اي محمد! مي­داني كه ساكنان آسمان (فرشتگان) در مورد چه چیزی خصومت مي­كنند؟ عرض كردم: خير، سپس خداوند متعال دست خود را ميان دو شانه­ام گذاشت تا اثر سردي و برودت را در سينه­ ­ام احساس كردم، سپس علم تمام آنچه را كه در آسمانها و زمين است آموختم. سپس فرمود: اي محمّد! مي داني كه فرشتگان در چه چيزهایي خصومت مي كنند؟ عرض كردم: آري، درباره­ي مقام، منزلت و انواع كفاره.[[23]](#footnote-23)

 كفارتها عبارت اند از: درنگ کردن در مساجد بعد از نماز، پياده روي براي شركت در نماز جماعت و كامل كردن وضو در شرايط نامساعد. افشاي سلام، غذا دادن و نماز شب هنگامی كه مردم مشغول خواب هستند موجب رفع درجات است.

 خداوند فرمود: راست گفتی، هر كس چنين كند، ‌زندگي خوبي خواهد داشت، و مانند روز تولّدش از گناهان پاك مي شود.

خداوند فرمود: اي محمّد! هر گاه نماز به­جا آوردی اين دعا را بخوان:

«**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي** و تتوب علیّ **وَإِذَا أَرَدْتَ** بعبادک **فِتْنَةَ** فاقبضنی إلیک غیر **مَفْتُونٍ**».

يعني پروردگارا! انجام كارهاي نیک و ترك كارهاي بد، دوستي با مساكين و اينكه مرا مورد مغفرت و رحمت قرار دهي و توبه ام را بپذيري، را از تو خواهانم. پروردگارا! هر گاه اراده كردي بندگانت را مورد امتحان و آزمايش قرار دهي، روحم رابدون امتحان و آزمايش بسوي خود قبض كن.

ابن كثير در مورد اين حديث مي گوید: «این حدیث مشهور درباره ی خواب رسول خدا ص است، و هر كس آن را مربوط به حالت بیداری بداند اشتباه کرده است. اين حديث در كتب سنن از طرق متعدد وارد شده است، و امام ترمذي آن را از طريق جهضم بن عبدالله يمامي روايت كرده است. و حسن آن را صحيح دانسته و گفته: منظور آن ستیز و جدالی نیست که در اين آیه است:

ﭽ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﭼ ]ص:69-70[

یعنی: (بگو:) من از ملأ اعلي (و فرشتگان عالم بالا) هنگامي كه (درباره ی آفرينش آدم) گفتگو مي‌كردند، خبر ندارم. به من هم وحي نمي‌شود مگر بدان خاطر كه (پيغمبر خدايم و) بيم دهنده (مردمان از عذاب يزدان و) بيانگر (اوامر و نواهي الهي) مي‌باشم.

گفتگوی مذكور در اين حديث رسول خدا ص را آيه هاي بعدي قرآن تفسير نموده اند كه در خصوص آدم و خود داري ابليس از سجده كردن آدم و بحث و جدال ابليس با پروردگار نسبت به برتري او بر آدم است.

4- در تمام كارهاي خود منظم هستند

فرشتگان در عبادت بسيار منظم هستند، از این رو رسول خدا ص ما را به پیروی از آنان تشويق كرده و مي­فرمايد:

«**أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهِا؟ قَالُوا وَكَيْفَ** یصفّون **عِنْدَ رَبِّهِمْ؟ قَالَ: «** یکملون **الصَّفَّ الْأَوَّلَ** و فالأوّل **يَتَرَاصُّونَ فِي الصَّفِّ»**[[24]](#footnote-24)

يعني: آيا مانند فرشتگان كه نزد پروردگارشان به صف مي ايستند صف نمی بندید؟ پرسیده شد: اي پيامبر خدا! فرشتگان چگونه صف مي بندند؟ فرمود: صف ها را كامل مي كنند و تا صف اوّل تكمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی دهند، و استوار و با وقار مي­ايستند. (اين حدیث را جماعتی جز بخاری روایت کرده اند).

«خداوند متعال این فضیلت و امتیاز را تنها به ما امّت اسلام داده که صف های ما مانند صف های فرشتگان است». (این حدیث در صحیح مسلم است).

همچنین در روز قیامت فرشته ها با صف های منظّم می آیند، همانگونه که می­فرماید: ﭽ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﭼ ]فجر:22[

 یعنی: و پروردگارت بيايد و فرشتگان صف صف حاضر آيند.

همچنین در روز قیامت در صف هایی منظّم در پیشگاه خداوند متعال می ایستند:

ﭽ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﭼ ]نبأ:38[

یعنی: در آن روزي كه جبرئيل و فرشتگان به صف مي‌ايستند، و هيچ كدام زبان به سخن نمي‌گشايند، مگر كسي كه خداوند مهربان بدو اجازه دهد و او نيز سخن راست و درست بگويد.

دقّت فرشته ها در اجرای دقیق فرامین خداوند متعال بسی جای تأمّل و ملاحظه است. در صحيح مسلم و مسند احمد از انس نقل شده است كه رسول خدا ص فرمود: «در روز قيامت من به درب بهشت مي آيم و درب را مي­زنم. خازن (مأمور بهشت)
مي گويد: چه كسي هستي؟ در جواب مي­گويم: من محمّد هستم، خازن مي گويد: آري، به من دستور داده شده تا پيش از ورود تو درب بهشت را براي هيچ كسي باز نكنم ».[[25]](#footnote-25)

ما مي­توانيم به دقت عمل و وظيفه شناسي آنان در پرتو حديث معراج بنگریم آنگاه که جبرئیل براي ورود به آسمان­ها درخواست اجازه مي­كرد، و درب هيچ آسماني بدون اجازه و بازپرسی باز نمي شد.

5- عصمت فرشتگان

علامه سيوطي به نقل از قاضي عياض مي گوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند بر اينكه فرشتگان مؤمن و فاضل اند، و اينكه فرشتگان پیام­آور در عصمت با پیامبران برابرند، يعني همانگونه كه پیامبران معصوم اند، آنان نيز در رسالت و تبليغ احكام معصوم اند. و فرشتگان در حق پيامبران و ابلاغ فرامين خدا به آنان مانند پيامبران نسبت به امّت ها هستند.

البته درباره­ي عصمت فرشتگاني كه مرسل نيستند، اختلاف نظر وجود دارد. گروهي با استناد به این آیه تمام آنان را معصوم مي دانند:

ﭽ... ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ ]تحریم:6[

یعنی: فرشتگاني بر آن گمارده شده‌اند كه خشن و سختگير، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بديشان دستور داده است نافرماني نمي‌كنند، و همان چيزي را انجام مي‌دهند كه بدان مأمور شده‌اند.

برخی بر اين باورند كه عصمت در تمام امور، ويژه­ي فرشتگان مرسل و مقربان است، و به قصّه­ی هاروت و ماروت و ابليس استدلال مي كنند. اما در حقیقت همگي فرشتگان معصوم­اند و از تمام اعمال و رفتاري كه موجب پايين آوردن منزلت آنان از جايگاه رفيع شود منزه و پاك هستند.

گروه اوّل كه تمام فرشتگان را معصوم مي دانند، ‌داستان هاروت و ماروت را چنين پاسخ مي­دهند كه درباره ی اين داستان هيچ روایتی از رسول خدا ص نقل نشده است، و جريان نافرماني شيطان نمي تواند دليل باشد؛ چون شيطان از جن است و از زمره­ی فرشتگان نيست.

صفوي ارموی اين موضوع را مطرح نموده و به نقل از سيوطي مي گويد: فرشتگان به دلایل زير معصوم اند:

1- خداوند در وصف آنان مي فرمايد: ﭽ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ.

 ]انبیاء:27[

اين دو آيه شامل اموری است که انجام داده شوند و ترك اموری که نباید انجام داده شوند؛ زيرا نهي در واقع امر به ترك است و آيه پیرامون مدح آمده است و مدح در صورتي تحقق مي يابد كه انجام دادن مامور و ترك امور نهی شده انجام گيرد.

2- ]انبياء:20[

اين آيه بيانگر مبالغه در عبادت است و اشتغال کاملاً مشغول بودن در عبادت نشاني عصمت است.

3- فرشتگان پیام آوران خداوند هستند. خداوند مي فرمايد: ]فاطر:1[

و پیامبرانی معصوم هستند؛ زیرا خداوند در مورد آنان می فرماید:

 ]انعام:124[

اين بيانگر تعظیم کامل آنان است.

## فصل دوّم:عبادت و بندگی فرشتگان

### نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان

فرشتگان بر اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال سرشته شده‎اند، و قدرت نافرمانی ندارند:

ﭽ... ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ ]تحریم:6[

یعنی: فرشتگاني بر آن گمارده شده‌اند كه خشن و سختگير، زورمند و توانا هستند. از خداوند در آنچه بديشان دستور داده است نافرماني نمي‌كنند، و همان چيزي را انجام مي‌دهند كه بدان مأمور شده‌اند.

از این رو ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری و است، و چون شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی شوند.

شاید این نکته موجب شده که عده ای از علما بگویند: فرشتگان مانند انسانها مؤظف به انجام تکالیف نیستند. امّا اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، صحیح نیست؛ زیرا آنها مؤظف به عبادت و اطاعت از فرمان خدا هستند:

 ﭽ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﭼ ]نحل:50[

یعنی: فرشتگان از پروردگار خود كه بر آنان حاكم است مي‌ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود (به خوبي و بدون چون و چرا) انجام مي‌دهند.

در این آیه بیان شده که آنها از پروردگار می ترسند، و ترس نوعی تکلیف شرعی است، بلکه بالاترین نوع بندگی ترس و هراس است. همانگونه که خداوند متعال فرموده: ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﭼ ]انبیاء:28[

یعنی: هميشه از خوف (مقام كبريایي) خدا ترسان و هراسانند.

ممكن است برخي علما به همين دليل آنان را غير مكلف بدانند و معتقد باشند كه فرشتگان مشمول هيچگونه مژده يا وعيدی نيستند.[[26]](#footnote-26)

### مقام و جايگاه فرشتگان

بهترين ويژگي فرشتگان بندگی خداوند است، امّا آنان بندگانی گرامي و نیک منش هستند. در مباحث گذشته اشاره نمودیم كه اعتقاد مشركان مبني بر اينكه فرشتگان دختران خداوند هستند، عقيده اي باطل و مردود است و هیچ دليلي بر صحت آن وجود ندارد، و خداوند كساني را كه چنين عقيده اي دارند تكذیب كرده است، در آیه های گوناگون قرآن، ماهيّت و منزلت فرشتگان را بيان نموده و مي فرمايد:

ﭽﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﭼ ]انبياء:26-29[

یعنی: (برخي از كفّار عرب) مي‌گويند: خداوند رحمان فرزنداني (براي خود، به نام فرشتگان) برگزيده است (چرا كه فرشتگان دختران خدايند!). يزدان سبحان پاك و منزّه (از اين گونه نقصها و عيبها) است. (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلكه بندگان گرامي و محترمي هستند. آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار يزدانند كه هرگز) در سخن گفتن بر او پيشي نمي‌گيرند، و تنها به فرمان او كار مي‌كنند. خداوند اعمال گذشته و حال و آينده ايشان را مي‌داند (و از دنيا و آخرت و از وجود و پيش از وجود و بعد از وجودشان آگاه است) و آنان هرگز براي كسي شفاعت نمي‌كنند مگر براي آن كسي كه (بدانند) خدا از او خشنود است و (اجازه ی شفاعت او را داده است. به خاطر همين معرفت و آگاهي) هميشه از خوف (مقام كبريایي) خدا ترسان و هراسانند. هركس از ايشان (كه فرشتگان و مأموران اجرای فرمان يزدانند، به فرض) بگويد: غير از خدا من هم معبودي هستم، سزاي وي را دوزخ مي‌گردانيم. سزاي ظالمان (ديگري را هم كه با ادّعای ربوبيّت و شرك به خويشتن ستم كنند) همين خواهد داد.

فرشتگان بندگاني هستند که تمام صفات بندگی در آنها وجود دارد، و همواره آماده­ي خدمت­اند، و امر و نهي خدا را بدون چون و چرا اجراء میکنند. علم خداوند آنها را احاطه کرده و نمی­توانند از دستورات موکوله و رهنمودهاي القا شده به آنان تجاوز کنند، از اينكه مبادا از حد و مزر خود تجاوز كنند و مورد انتقام و مجازات خداوند قرار گیرند بیم و هراس دارند.

از جمله نشاني هاي بندگي كامل آنان اين است كه هرگز بر خدا پيشي نگرفته، و در پیشگاه خداوند پيشنهادي را مطرح نمي كنند، و به دستورهای او اعتراض و ايرادي ندارند، بلكه همه را پذيرفته و با شتاب تمام آن را اجرا می­کنند، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

ﭽ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭼ ]انبیاء:27[

یعنی: (فرشتگان بندگان گرامي و محترمي هستند) که در سخن گفتن بر او پيشي نمي‌گيرند، و تنها به فرمان او كار مي‌كنند.

فرشتگان فقط آنچه را كه به آنها امر شود، انجام مي­دهند و به فرمان خداوند به حركت در مي آيند، و در حد و مرز فرمان او توقف مي كنند. در صحيح بخاري از عبدالله بن عباس م روايت است که: رسول خدا ص از جبرئیل پرسید: آيا بيش از اين به ديدار ما نمی­آیی؟ در جواب این آيه نازل شد:

ﭽ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﭼ ]مريم:64[

 یعنی: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمي‌آیيم (و به كره ی زمين گام نمي‌گذاريم). از آن اوست آنچه پيش روي ما و آنچه پشت سرِ ما و آنچه ميان اين دو است و پروردگارت فراموشكار نبوده (و نيست).

### نمونه‌هايي از عبادت فرشتگان

فرشتگان بندگان عبادت­گذار و مؤظف به اطاعت از خداوند هستند. عبادت و تكاليف را براحتي و آسانی انجام مي دهند. اينك به بیان برخي از عبادات های آنان كه خداوند، يا رسول گرامي ص آن را براي ما بيان كرده اند، می پردازیم.

1- تسبيح

فرشتگان به ياد و ذكر خداوند مشغولند و بزرگترین ذكر آنان تسبيح است. فرشتگان حامل عرش خداوند، پروردگار را به تسبيح و پاكي ياد مي كنند، آنجا که مي­فرمايد:

 ﭽﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﭼ ]غافر:7[

يعني: آنان كه بردارندگان عرش خدايند و آنان كه گرداگرد آنند به سپاس و ستايش پروردگارشان سرگرمند.

همانگونه که ساير فرشتگان به تسبیح او مشغول اند:

ﭽ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭼ ]شوري:5[

یعنی: فرشتگان (با همه ی قدرتي كه دارند دائماً) به تسبيح و تقديس پروردگارشان مشغولند.

 تسبيح فرشتگان خداوند متعال همیشگی و پیوسته است و هرگز قطع نمي شود، نه در شب و نه در روز، همانگونه که مي­فرمايد:

ﭽ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﭼ ]انبياء:20[

يعني: شب و روز (دائماً به تعظيم و تمجيد خدا مشغولند و پيوسته) سرگرم تسبيح و تقديس اند و سستي به خود راه نمي‌دهند.

و به دليل كثرت تسبيح در حقیقت تسبيح گويان واقعي فقط آنان هستند، و براي آنان مایه‎ی افتخار و مباهات است:

ﭽ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﭼ صافّات ]165-166[

یعنی: و ما جملگي (براي اطاعت يزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ايستاده‌ايم. و ما جملگي، به تسبيح و تقديس خدا مشغوليم.

کثرت تسبيح آنان تنها بدین دلیل است که تسبيح بهترين ذكر است. ابوذر روايت می کند كه: از رسول خدا ص پرسیده شد: بهترين ذکر کدام است؟ فرمود: «ذكري كه خداوند آن را براي فرشتگان، يا براي بندگانش برگزيده است، يعني: سبحان الله و بحمده».[[27]](#footnote-27)

2- منظّم به صف ایستادن

حديثي كه رسول خدا ص اصحابش را براي صف بستن در نماز به پيروي از فرشتگان تشويق مي­كرد، قبلاً گذشت كه فرمود: «أَلاَ تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلاَئِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا». يعني: آيا مانند فرشتگان كه نزد پروردگارشان به صف مي ايستند صف نمی بندید؟

وقتي از نحوه­ي صف بستن فرشتگان سؤال شد، رسول خدا ص فرمود:«یکملون **الصَّفَّ الْأَوَّلَ** فالأوّل **يَتَرَاصُّونَ فِي الصَّفِّ**»[[28]](#footnote-28)

يعني: صف ها را كامل مي كنند و تا صف اول تكمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی دهند و استوار و با وقار مي­ايستند.

و در قرآن درباره­ي فرشتگان آمده است: ﭽ ﮐ ﮑ ﮒ ﭼ یعنی: و ما جملگي (براي اطاعت يزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ايستاده‌ايم.

فرشتگان مي ايستند و ركوع و سجده مي كنند. در کتاب مشكل الآثار امام طحاوي، و معجم الكبير طبراني از حكيم بن حزام چنين روايت شده است: روزی رسول خدا ص در جمع ياران و اصحاب خود نشسته بود، از آنان پرسيد: آيا آنچه را كه من مي­شنوم، شما هم مي شنويد؟ صحابه عرض كردند: ما چيزي نمي شنويم. رسول خدا ص فرمود: من ناله و آه آسمان را مي شنوم و جاي ملامت نيست كه آسمان چنين مي كند؛ زيرا به اندازه ی یک وجب از آسمان خالي نيست، بلكه در هر نقطه از آن فرشته اي در حال سجده يا ايستاده در حال عبادت است.[[29]](#footnote-29)

3- حج فرشتگان

 در آسمان هفتم فرشتگان كعبه اي دارند كه در آنجا مراسم حج خود را بجا
می آورند. اين كعبه «بيت المعمور» نام دارد و در سوره­ی « طور» خداوند بدان سوگند ياد كرده و مي­فرمايد: ﭽ ﮧ ﮨ ﭼ ]طور:4[

ابن كثير در تفسير اين آيه مي گويد: رسول خدا ص در مورد سفر معراج بعد از عبور از آسمان هفتم، فرمود: «من از آنجا به بيت المعمور برده شدم که روزانه هفتاد هزار فرشته بر آن وارد شده و تا پايان عمر براي بار دوّم بدان جا وارد نمي شوند»[[30]](#footnote-30) يعني اين فرشتگان در بيت المعمور عبادت مي كنند و مانند اهل زمين كعبه­ي خود را طواف
مي كنند؛ بيت المعمور كعبه­ي ساكنان آسمان هفتم است. از این رو رسول خدا ص حضرت ابراهيم خليل را آنجا دید که به ديوار بیت المعور تكيه زده و نشسته بود؛ زيرا او بنيانگذار كعبه­ي زمين است، و پاداش از نوع و جنس عمل است.

ابن كثير درباره­ي مکان بيت المعمور مي گوید: «بيت المعمور در مقابل و موازات كعبه قرار دارد، و اگر بيفتد روي كعبه­ مي افتد، و یادآور شده كه در هر آسماني خانه اي وجود دارد كه ساكنان آسمان در آن عبادت مي كنند، و خانه اي كه در آسمان دنياست «بيت العزّة» نام دارد.

این روايت که ابن كثير میگوید: بيت المعمور در موازات كعبه قرار دارد را حضرت علي روايت کرده است. ابن جرير از طريق خالد بن عرعره نقل كرده و مي گويد: شخصي از حضرت علي پرسید: بیت المعمور چيست؟ حضرت علی فرمود: «بيت في السّماء يقال له الضراح بحيال الکعبة من فوقها، حرمته في السّماء كحرمة هذا في الأرض یصلّی فیه کلّ یوم سبعون ألف ملك و لا يعودون اليه أبداً »[[31]](#footnote-31)

 يعني: خانه اي در آسمان به نام ضراح وجود دارد كه در موازات خانه­ي كعبه قرار دارد احترام آن در آسمان مانند احترام خانه­ي كعبه در زمين است. هر روز هفتاد هزار فرشته آن را زيارت مي كنند، و تا پايان عمر فرشتگاني كه يك بار وارد آن شدند ديگر نوبت زيارت به آنها نمي رسد.

شيخ ناصر الدين آلباني جز عرعره دیگر رجال اين سند را ثقه دانسته است، و در رابطه با عرعره مي گويد: او مستور الحال است.... آلبانی یادآور شده که روایت صحیح مرسل شاهد اين روايت است و مي­گوید: قتاده مي گويد: براي ما نقل شده كه روزي رسول خدا ص از اصحاب پرسيد: «آيا مي دانيد بيت المعمور چيست؟ صحابه عرض كردند: خدا و رسولش بهتر مي دانند. فرمود: بيت المعمور مسجدي در آسمان است كه كعبه زير آن قرار دارد، بگونه اي كه اگر بيفتد بر روی كعبه مي افتد...».

سپس محقّق (آلبانی) گفت: «خلاصه اينكه جمله­ي «حيال الكعبة» با توجه به كثرت طُرُق حديث ثابت است و صحت آن از لحاظ اصول علم حديث مورد تاييد است».

4- بیم و هراس فرشتگان از خداوند

از آن جایی كه شناخت فرشتگان نسبت به پروردگار در حد بالایی است، تعظيم و خشيت و هراس آنان در حق او نيز زياد است، همانگونه که خداوند در باره­ي فرشتگان مي­فرمايد: ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﭼ ]انبیاء:28[

 یعنی: هميشه از خوف (مقام كبريائي) خدا ترسان و هراسانند. شدّت ترس و هراس فرشتگان از پروردگار را نواس بن سمعان اینگونه روایت می­کند که رسول خدا ص فرمود:

«إذا اراد الله أن یوحی بالأمر تکلّم بالوحی أخذت السّموات منه رجفة أو قال رعدة شدیدة خوفاً من الله **تعالى، فإذا سمع بذلك أهل السموات صعقوا وخروا لله سجدًا، فيكون أول من يرفع رأسه جبريل، فيكلمه الله من وحيه بما أراد، ثم يمر جبريل على الملائكة كلما مر بسماء سأله ملائكتها ماذا قال ربنا يا جبريل؟ فيقول جبريل: قال الحق وهو العلي الكبير، قال فيقولون كلهم مثل ما قال جبريل، فينتهي جبريل بالوحي حيث أمره الله ».[[32]](#footnote-32)**

یعنی: وقتی که خداوند متعال اراده­ی وحی و سروش کند، آسمانها از بیم و هیبت او به شدت تکان می خورند، وقتی که ساکنان آسمان متوجه این لرزش شدند، بیهوش
می شوند، و برای خدا به سجده می روند، و نخستین کسی که سرش را بلند می کند جبرئیل است، و خدا با وحی خود با او سخن می­گوید.... » [[33]](#footnote-33)

و در معجم أوسط طبرانی با اسناد حسن از جابر روایت شده که رسول خدا ص فرمود: «**مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي بِالْمَلأَ الأَعْلَى وَجِبْرِيلُ كَالْحلِسِ البَّالِى مِنْ خَشْيَةِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ**».[[34]](#footnote-34)

یعنی: در شب معراج بر ساکنان آسمان عبور کردم، جبرئیل را دیدم که از هیبت و ترس خدا همچون گلیم فرسوده شده بود.

## فصل سوم:فرشــته و انســـان

### مبحث اول: فرشتگان و آدم

1- سؤال فرشتگان از فلسفه­ی آفرينش آدم

وقتي خداوند متعال اراده­ی آفرینش آدم را كرد، هدف خود را به فرشتگان اعلام كرد. فرشتگان پرسیدند: فلسفه و حكمت آفرينش آدم چیست؟ زيرا آنان مي دانستند كه در میان آدميان خون ريزي، فساد، كفر و عصيان خواهد بود، از این رو خداوند بلند مرتبه به آنان خبر داد كه آفرينش آدم حكمت هايي دارد كه شما از آن خبر نداريد. خداوند چنین بیان فرموده:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭼ ]بقره:30[

یعنی: زماني (را يادآوري كن) كه پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمين جانشينی می آفرينم (تا به آباداني زمين بپردازد و آن زيبانگاري و نوآوري را كه براي زمين معيّن داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان است. فرشتگان دريافتند كه انسان بنا به انگيزه‌هاي سرشتي زميني‌اش فساد و تباهي برپا مي‌دارد. از این رو جهت فهمیدن نه به عنوان اعتراض، از خداوند پرسيدند: حكمت برتري دادن انسان بر ايشان براي امر جانشيني چيست و) گفتند: آيا در زمين كسي را به وجود مي‌آوري كه فساد و تباهي مي‌كند و خونها خواهد ريخت، و حال آن كه ما (پيوسته) به حمد و ستايش و طاعت و عبادت تو مشغوليم؟ گفت: من حقائقي را مي‌دانم كه شما نمي‌دانيد.

2- سجده و کرنش فرشتگان براي آدم

وقتي آفرينش آدم به پایان رسيد، خداوند به فرشتگان دستور داد تا وي را سجده كنند، آنجا که فرمود:

ﭽ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﭼ ]ص:71-72[

یعنی: وقتي (اين گفتگو در ملأ اَعلي و عالَم بالا درگرفت) كه پروردگارت به فرشتگان گفت: من انساني را از گِل مي‌آفرينم. هنگامي كه آن را سر و سامان دادم و آراسته و پيراسته كردم، و از جان متعلّق به خود در او دميدم، در برابرش سجده (بزرگداشت و درود) ببريد.

همه ی فرشتگان فرمان خدا را پذیرفتند و سجده بردند، جز ابلیس که مانند فرشتگان مأمور به سجده بود، و سجده نکرد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

ﭽ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﭼ ]ص:73 -74[

یعنی: پس همه ی فرشتگان جملگي سجده بردند، ‏ جز ابليس كه تكبّر ورزيد، و از كافران گرديد. ‏

3- جواب دادن فرشتگان به آدم

از ابوهريره روايت است كه رسول خدا ص فرمود: «خداوند آدم را به صورت خود (صورتی که خود برگزید) آفرید، که طول قد او شصت ذراع بود، سپس خداوند خطاب به آدم فرمود: برو و به اين چند فرشته (گروهي از فرشتگان آنجا نشسته بودند) سلام برسان و بنگر چگونه سلامت را پاسخ مي دهند، همين سلام و جواب، سلام تو و فرزندان تو خواهد بود. آدم رفت و گفت: السلام عليكم، فرشتگان در جواب گفتند: « السّلام عليك و رحمة الله». لفظ و رحمة الله را افزودند.[[35]](#footnote-35)

4 - فرشتگان آدم را بعد از وفاتش غسل دادند

وقتي آدم وفات کرد، فرزندانش نمي­دانستند با او چكار كنند، آنگاه فرشتگان آنان را تعليم دادند. در مستدرك حاكم، و معجم طبراني به سند صحيح از ابیّ س روایت شده که: رسول خدا ص فرمود: «لمّا توفّی آدم غسلته الملائکة بالماء وتراً، و ألحدوا له، و قالوا هذه سنّة آدم فی ولده ».[[36]](#footnote-36)

يعني: وقتي آدم وفات نمود، فرشتگان او را با تعداد فرد (سه یا پنج بار) غسل دادند و در قبر برايش لحد ساختند و گفتند: اين سنّت و شيوه ي آدم است درمیان فرزندانش.

از روايات صحيح ثابت است كه فرشتگان يكي از شهیدان امت محمد ص «حنظله بن ابي عامر» كه در غزوه­ي اُحُد به شهادت رسیده بود غسل دادند. رسول خدا ص درباره ی او فرمود: «إنّ صاحبَكم تغسله الملائكة»: همانا فرشتگان رفيق شما را غسل مي دهند. صحابه از همسر حنظله سؤال كردند، گفت: وقتي صداي ندا دهنده ی جهاد را شنيد بلافاصله از خانه بيرون رفت و در جهاد شركت كرد، در حالي كه جُنب بود و هنوز غسل جنابت را انجام نداده بود. رسول خدا ص فرمود: «لذلک غسلته الملائکة»: (بدلیل این که جنب بود فرشتگان او را غسل دادند ).[[37]](#footnote-37)

ابن عساكر با سند صحيح آورده كه قبيله­ي اوس افتخار مي كردند كه فردي كه فرشتگان او را غسل دادند، از میان آنها بود.

### مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم

میان فرشتگان با انسان ها پيوند محكمي برقرار است، بطوری که از زمان به دنيا آمدن فرزندان آدم فرشتگان با او همراه هستند، و وظیفه دارند بعد از وارد شدن انسان به عرصه ی زندگی از او محافظت کنند. همچنین برای انسان از جانب خدا سروش آسمانی به ارمغان می آورند، و مراقب اعمال و ساير اوضاع و احوال انسان هستند، و هنگام فرا­ر سیدن مرگ روحش را قبض مي كنند. این موضوع را با تفاصیل بیشتر توضیح خواهیم داد.

نقش فرشتگان در پيدايش انسانها

ابوذر روایت می کند: از رسول خداص شنيدم، فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِى بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِى ذَلِكَ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِى ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤْمَرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ بِكَتْبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِىٌّ أَوْ سَعِيدٌ»[[38]](#footnote-38)

 یعنی: وقتي چهل روز از نطفه در شكم مادر بگذرد، خداوند فرشته اي را نزد او
مي­فرستد، سپس فرشته صورت، چشم، گوش، پوست، گوشت و استخوان او را مي­سازد، آنگاه از پروردگار مي­پرسد: خدایا! مرد است يا زن؟ خداوند آنچه را كه بخواهد حكم مي­كند و فرشته آن را مي­نويسد».

همچنین از ابن مسعود روايت است كه گفت: پیامبر راستگو و به راستگویی تأیید شده فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِى بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِى ذَلِكَ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِى ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤْمَرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ بِكَتْبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِىٌّ أَوْ سَعِيدٌ»[[39]](#footnote-39)

یعنی: نطفه­­ی جنین هر یک از شما مدّت چهل روز در رحم مادر جمع می شود، سپس تا چهل روز دیگر به پاره گوشتی تبدیل می شود. آنگاه خداوند فرشته ای را
می­فرستند، و روح را در او می­دمد، و او را به چهار چیز دستور می دهد: به ثبت و نوشتن عمل، روزی، مرگ و شقاوت یا سعادت او.

همچنین انس روایت می کند که رسول خدا ص فرمود: خداوند فرشته اي را مأمور رحم زن باردار مي كند، پس از استقرار نطفه فرشته مي گويد: پروردگارا! نطفه است، پروردگارا! لخته خونی است، پروردگارا! قطعه گوشتی است. وقتي كه خداوند متعال اراده نمود آن نطفه را بيافريند، عرض مي­كند: پروردگارا! مرد است يا زن؟ بد بخت است يا سعادتمند؟ روزی او چيست؟ عمرش چقدر است؟ همه اينها را زماني كه انسان در رحم مادر است فرشته مي نويسد.[[40]](#footnote-40)

حراست و پاسداری فرشتگان از انسان

خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﭼ ]رعد:10-11[

یعنی: كسي از شما كه سخن را پنهان مي‌دارد، و كسي كه سخن را آشكار مي‌سازد، و آن كه در روز (به دنبال كار خود) روان مي‌گردد، (براي خدا بي‌تفاوت و) يكسان مي‌باشند. انسان داراي فرشتگاني است كه به (نوبت عوض مي‌شوند و) پياپي از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب ديگر، او را مي‌پايند و) به فرمان خدا از او مراقبت مي‌نمايند.

مفسّر قرآن عبدالله بن عباس مي­گويد: منظور از «ﮡ» همان فرشتگان مأمور خداوند هستند كه خداوند آنان را گماشته تا انسان را از هر طرف حفاظت كنند، و هرگاه تقدير الهي براي مرگ او فرا رسید، او را رها مي کند.

مجاهد مي گويد: «هيچ بنده اي نيست كه فرشته اي بر او گماشته نشده باشد که انسان را در خواب و بيداري از آسیب انسانها و جن هاي شرور و سایر گزندگان و درندگان حفاظت مي كند. در دوران حفاظت هر چيزي نزد انسان بيايد، فرشته آن را عقب مي راند جز چيزي كه خداوند خواسته باشد، و آنگاه انسان مورد اصابت قرار مي گيرد.

شخصی خطاب به علي بن ابي طالب گفت: چند تن از قبيله­ي مُراد در صدد كشتن تو هستند. حضرت علي در جواب اظهار داشت: با هر انساني دو فرشته همراه است، و او را از هر ضرر و گزندي كه در تقدير او نيست حفاظت مي كنند. هرگاه تقدير خداوند فرا رسد، او را رها مي­کنند، همانا اجل قلعه­ي استواری است. (يعني تا مرگ فرا نرسد انسان در قلعه­ي محكم اجل قرار دارد و چيزي نمي­تواند به او آسیب برساند).[[41]](#footnote-41)

منظور از «مُعَقَّبَات» در سوره ی «رعد»، همان است كه در آيه 61 سوره انعام بدان اشاره شده است:

ﭽ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭼ ]انعام:61[

یعنی: خداوند بر بندگان خود كاملاً چيره است. او مراقباني (از فرشتگان را براي حسابرسي و نگارش اعمال شما) بر شما مي‌فرستد و مي‌گمارد (و آنان به كار خود با دقّت تمام تا دم مرگِ يكايك شما، مشغول مي‌گردند) و چون مرگ يكي از شما فرا رسيد، فرستادگان ما (از ميان فرشتگان ديگر به سراغ او مي‌آيند و) جان او را مي‌گيرند، و (فرشتگان گروه اوّل و فرشتگان گروه دوم هيچ كدام در مأموريّت خود) كوتاهي نمي‌كنند.

بنابراين محافظان انسان او را تا زمان مرگ محافظت می کنند.

فرشتگان سفيران الهي به سوي پيامبران‎اند

خداوند بلند مرتبه به ما یادآور شده كه وظیفه­ی مهم جبرئیل آن است که در این آیه بیان شده است:

ﭽ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﭼ ]بقره:97[

یعنی: بگو: كسي كه دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن خداست) زيرا كه او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل كرده است (نه اين كه خودسرانه دست به چنين امري زده باشد). قرآني كه كتابهاي آسماني پيشين را تصديق مي‌كند، و هدايت و بشارت براي مؤمنان است.

همچنین مي­فرمايد:

 ﭽ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﭼ ]بقره:193- 194[

یعنی: ‏ جبرئيل آن را فرو آورده است بر قلب تو، تا از زمره ی بيم دهندگان باشي. ‏

گاهی بندرت فرشته ای دیگر غیر از جبرئیل برای رسول خدا ص وحی می آورد. در صحيح مسلم از ابن عباس روايت است، در حالي كه جبرئيل نزد رسول خدا ص نشسته بود، زمزمه­ي صدايي را بالاي سرش شنيد، سرش را بلند كرد و گفت: اين دري از آسمان است كه امروز باز شد و تاکنون باز نشده است. آنگاه فرشته اي از آن فرود آمد، و فرمود: اين فرشته اي است که به زمين فرود آمده است، و تاكنون هرگز فرود نيامده است. فرشته به رسول خدا ص سلام كرد و گفت: بشارت دو نور و روشني را براي تو تبريك مي­گويم. و هيچ پيامبري قبل از تو موفق به دريافت اين دو نور نشده است. يكي سوره­ي­ فاتحه، و دوم آيه هاي آخر سوره­ي بقره، هر حرفي را كه بخواني دعایت با آن قبول خواهد شد.[[42]](#footnote-42)

در تاريخ ابن عساكر از حذيفه س روايت است كه رسول خدا ص فرمود: فرشته اي آمد و سلام كرد. اين فرشته قبلاً نيامده بود، به من بشارت داد كه حسن و حسين سردار جوانان بهشت، و فاطمه سردار بانوان بهشت است. [[43]](#footnote-43)

همچنین حذيفه روايت می کند كه: رسول خدا ص فرمود: آيا چيزي كه چند لحظه قبل در اُفُق آسمان نمودار شد را ديديد؟ عرض كردم: آري، گفت: او فرشته اي بود، كه پيش از امشب هرگز به طرف زمين فرود نيامده است. از پروردگارش اجازه خواسته بود تا به من سلام گويد، و به من بشارت دهد كه حسن و حسين سردار جوانان بهشت هستند، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.[[44]](#footnote-44)

و در المسند و سنن ترمذی با سند صحیح از ابی بن کعب س روایت شده است که رسول خداص فرمود: «إِنَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَام أَتَيَانِي، فَقَعَدَ جِبْرِيلُ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي، فَقَالَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام: اقْرَأْ الْقُرْآنَ عَلَى حَرْفٍ، قَالَ مِيكَائِيلُ: اسْتَزِدْهُ، اسْتَزِدْهُ، حَتَّى بَلَغَ سَبْعَةَ أَحْرُفٍ، فَكُلُّ حَرْفٍ شَافٍ كَافٍ»[[45]](#footnote-45)

یعنی: جبرئیل و میکائیل نزد من آمدند، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ من نشستند. جبرئیل گفت: ای محمّد! قرآن را با یک حرف (لهجه) بخوان. میکائیل گفت: درخواست افزایش کن. گفت: با سه لهجه بخوان، گفتم: برایم زیاد کن. تا هفت لهجه، گفت: با هفت لهجه قرائت کن، همه کافی و شافی هستند.

1- هر كس كه فرشته ای نزد او بيايد پيامبر نيست

هر شخصی كه فرشته ای نزد او بيايد، پیامبر محسوب نمي شود، و اين دیدگاه که فرشته تنها نزد پیامبران رفته توهمي بيش نيست. خداوند متعال جبرئیل را نزد مريم علیها السلام فرستاد، همانطور كه او را (جبرئیل) نزد مادر اسماعيل فرستاد كه آب و غذایش تمام شده بود. و نیز بسياري از صحابه، جبرئیل را بصورت يك مرد باديه نشين ديده اند.

همچنین خداوند فرشته اي را نزد مردي فرستاد كه به خاطر رضای خدا به زيارت برادر ديني اش رفت، و فرشته او را بشارت داد كه خداوند، بخاطر محبت او با برادر ديني خود، او را دوست دارد.

2- چگونه وحي بر رسول خدا ص نازل می شد؟

حضرت عايشه ب چنین روایت می کند: حارث بن هشام از رسول خدا ص پرسید: چگونه وحي بر تو نازل می­شد؟

رسول خدا ص فرمود:

«**أَحْيَانًا يَأْتِينِي مِثْلَ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ فَيُفْصَمُ عَنِّي وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ مَا قَالَ وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِي الْمَلَكُ رَجُلًا فَيُكَلِّمُنِي فَأَعِي مَا يَقُولُ»[[46]](#footnote-46)**

يعني: گاهي مانند صداي زنگ بود که آن را دریافت می کردم، و اين نوع سروش بسيار برايم مشكل است، و بيهوش مي شوم، و بعد از اینکه به هوش می­آیم و وحي خاتمه مي يابد، من آن را فراگرفته ام. گاهی فرشته بصورت يك انسان نزد من مي آيد، با من سخن می گوید و آنچه را كه به من مي گويد، بخاطر مي سپارم.

بنابر اين جبرئیل به صورت فرشته مي آمد و در حالت فرشته بودن با او ارتباط برقرار می کرد، و اين نوع وحي بر رسول خدا ص بسيار سخت مي بود.

حالت دوم اين بود كه جبرئيل بصورت یک انسان نزد رسول خدا ص مي آمد، و اين وحي نسبت به نوع اول آسان­تر بود. رسول خدا ص جبرئیل را در شكل و صورت اصلي دو بار رؤيت كرده است:

سه سال بعد از بعثت. جابر می گوید: پیامبر ص فرمود: روزی در حال راه رفتن صدایی به گوشم رسید، سرم را بلند کردم، دیدم همان فرشته­ای بود كه در غار حراء نزد من آمده بود، و بر روي كرسي­اي در ميان زمين و آسمان قرار داشت، از دیدن آن صحنه دچار ترس و بیم شدم. به خانه برگشتم و گفتم: روي من چادر يا لحافي بيندازيد.[[47]](#footnote-47)

دوم: زماني كه جبرئیل رسول خدا ص را به سوي آسمانها برد، و در «سوره­ي نجم» به اين دو مرتبه اشاره شده، آنجا كه مي­فرمايد:

 ﭽ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﭼ ]نجم:5-17[

يعني: (جبرئيل، فرشته) بس نيرومند آن را بدو آموخته است. همان كسي كه داراي خرد استوار و انديشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگي خود و با بالهایي كه كرانه‌هاي آسمان را پر كرده بود) راست ايستاد. در حالي كه او در جهت بلند (آسمان روبروي بيننده) قرار داشت. سپس (جبرئيل) پایين آمد و سر در نشيب گذاشت. ‏تا آنكه فاصله او (و محمد) به اندازه ی دو كمان يا كمتر گرديد. پس جبرئيل به بنده خدا (محمد) وحي كرد آنچه مي‌بايست وحي كند. ‏ دل (محمد) تكذيب نكرد چيزي را كه او (با چشم سر) ديده بود. آيا با او درباره چيزي كه ديده است، ستيز مي‌كنيد؟ ‏او كه بار ديگر (در شب معراج) وي را ديده است. ‏نزد سدرة المنتهي. بهشت كه منزل (و مأواي متقيان) است در كنار آن است. در آن هنگام، چيزهایي سدره را فرا گرفته بود كه باید فرا می گرفت. چشم (محمد در ديدن خود به چپ و راست) منحرف نشد و به خطا نرفت، و سركشي نكرد.

3- وظيفه جبرئیل تنها رساندن وحي نبود.

مأموريت جبرئیل تنها رساندن وحي از جانب خداوند متعال نبود؛ زیرا هر سال در همه ی شبهای ماه رمضان، نزد رسول خدا ص مي آمد و قرآن را به ایشان درس مي داد و تكرار مي كرد.

ابن عباس م می گوید: پیامبر ص سخي­ترین مردم بود، و سخاوتش در ماه مبارك رمضان زماني كه جبرئیل نزد او مي آمد به اوج مي رسيد، و جبرئیل در هر شب رمضان به ملاقاتش مي­آمد و قرآن را به او ياد مي داد، پس پیامبر ص از باد سخي­تر بود.(يعني: سخاوت و بخشش او مانند باد به همه مي رسيد).[[48]](#footnote-48)

4- امامت جبرئیل براي رسول خدا ص

جبرئیل به خاطر آموختن نماز به رسول خدا ص آنگونه كه خداوند می­خواست، برای ایشان امامت نماز كرده است. ابن مسعود روايت می کند که: رسول خدا ص فرمود: «جبرئیل فرود آمد و برای من امامت كرد و همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم ،... » با انگشتانش پنج مرتبه را حساب کرد.[[49]](#footnote-49)

ابن عباس روايت می کند که: پیامبر خدا ص فرمود: «جبرئیل نزد مسجد الحرام كنار خانه ی كعبه دو مرتبه برایم امامت كرد. موقع زوال آفتاب براي نماز ظهر جلو رفت، و هنگامی كه سايه ی هر چيز دو برابر آن شد براي نماز عصر ایستاد، و موقع غروب آنگاه که روزه­دار افطار می کند نماز مغرب را امامت نمود، و زمانی كه شفق آسمان ناپدید شد نماز عشاء را امامت كرد، و موقع طلوع صبح براي نماز جلو ایستاد، سپس هوا روشن شد.

روز بعد نماز ظهر را هنگامی به جای آورد که سايه­ی هر چيز يك برابر شده بود، و نماز عصر را زماني بر پا داشت كه سايه­ی هر چيز دو برابر شده بود، و نماز مغرب را موقع افطار و نماز عشاء را بعد از يك سوم شب، و نماز فجر را زماني كه هوا روشن شد به جای آورد، سپس به من نگاه کرد و فرمود: اي محمد! اين وقت نماز پيامبران گذشته است، و وقت نماز بین اين دو وقت است».[[50]](#footnote-50)

نه تنها نماز و اوقات نمازها را به صورت عملی به او آموزش داد، بلکه روش وضو را هم به او آموخت. در مستدرک حاکم از زید بن حارثه س روایت است که: رسول خدا ص فرمود: «جبرئیل در ابتدای دوران نازل شدن وحی نزد من آمد و وضو و نماز را به من آموزش داد،...»

5- دعا خواندن جبرئیل بر رسول خداص

ابو سعيد خدري س روايت می کند: جبرئیل نزد رسول خدا ص آمد و عرض كرد: اي محمد! آیا بيمار شده‎اي؟ فرمود: آري. جبرئیل گفت: «بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَىْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ و الله يَشفِيك»[[51]](#footnote-51)

يعني به نام خداوند از هر چيز موذي تو را پناه می دهم، از بدي هر موجود زنده، و از چشم هر حسودی، خداوند تو را شفا دهد، بنام خدا تو را پناه می دهم، خدا شفایت دهد.

6- همراه شدن با رسول خدا ص

از كارهاي ديگر جبرئیل اين بود كه در غزوه­ي بدر و خندق همراه رسول خدا ص با کفار جنگيده است. همچنین در سفر اسراء و معراج او را همراهي كرده است.

 7- تحريك انگیزه های نیکی در دل بندگان

خداوند متعال همراه هر انسانی یک فرشته و یک جن قرار داده. از ابن مسعود س روایت شده که رسول خدا ص فرمود:

«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الْجِنِّ». قَالُوا وَإِيَّاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: وَإِيَّاىَ إِلاَّ أَنَّ اللَّهَ أَعَانَنِى عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ فَلاَ يَأْمُرُنِى إِلاَّ بِخَيْرٍ»[[52]](#footnote-52)

یعنی: در میان شما کسی وجود ندارد که یک همدم از جن، و یکی از فرشته همراه با او نباشد. عرض کردند: ای رسول خدا! آیا همراه شما هم وجود دارد؟ فرمود: «آری، ولی خداوند مرا یاری کرده، و او تسلیم شده، پس جز به نیکی مرا فرمان نمی دهد.

شاید این فرشته ای همدم غیر از فرشته ای باشد که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان است، بلکه خداوند او را برای هدایت و ارشاد و تحریک انگیزه های نیک ما انسان همراه نموده است.

فرشته و جنی که با انسان هستند بر انسان تأثیر می گذارند، جنّی به بدی فرمان می­دهد، و دیگری او را به انجام خیر و نیکی تشویق و ترغیب می نماید. از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا ص فرمود:

«**إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَّةً بِابْنِ آدَمَ وَلِلْمَلَكِ لَمَّةً فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فَإِيعَادٌ بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبٌ بِالْحَقِّ وَأَمَّا لَمَّةُ الْمَلَكِ فَإِيعَادٌ بِالْخَيْرِ وَتَصْدِيقٌ بِالْحَقِّ فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنْ اللَّهِ فَلْيَحْمَدْ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ الْأُخْرَى فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ قَرَأَ**: ﭽﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﭼ]بقره:268[

یعنی: هر یک از شيطان و فرشته با انسانها پيوندي دارد. پيوند و ارتباط شيطان با آدم اين است كه او را بدی وعده داده و وي را به تكذيب حقیقت وادار مي كند و رابطه ی فرشته با آدم اين است كه او (انسان) را وعده­ي نيكي مي­دهد، و براي پذيرفتن حق آماده­اش مي­كند. هر كس توفيق پذيرفتن حقیقت را يافت، بداند كه از طرف خداوند است، و بايد خدا را سپاس گويد، و هر كس جز اين را يافت، از شيطان مطرود به خدا پناه برد. آنگاه رسول خدا ص اين آيه را تلاوت كرد كه مي فرمايد: اهريمن شما را (به هنگام انفاق مي‌ترساند و) وعده تهيدستي مي‌دهد و شما را به انجام گناه دستور مي‌دهد، ولي خداوند به شما وعده آمرزش خويش و فزوني (نعمت) مي‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسيع (و از همه چيز) آگاه است.

ابن کثیر پس از بیان این حدیث گفته: «ترمذی و نسایی این حدیث را در کتاب التفسیر سنن خود از هناد بن سری روایت کرده اند، و ترمذی گفت: این حدیث حسن و غریب است، و حدیث ابی الأحوص یعنی: سلام بن سلیم است...».

به حدیث بعدی توجه کن تا با نحوه­ي رقابت جن و فرشته ا­ی که همراه انسان هستند در كشاندن انسان بسوي خود، آشنا شوی. حافظ ابو موسی از حدیث ابو زبير، و او از جابر نقل كرده و مي گويد: رسول خدا ص فرمود: هر گاه انسان براي خواب به رختخواب برود، يك فرشته و يك شيطان شتابان به نزد او روند. فرشته مي گويد: سرانجام روز تو به نیکی باشد و شيطان مي گويد: سرانجام روز تو بد باشد. اگر اين انسان لحظات قبل از خواب را به ياد و ذكر خدا سپري كند تا اينكه خواب بر او غلبه كند و چشم هايش بسته شوند، فرشته شيطان را از آنجا مي راند، و در طول شب او را محفاظت مي كند.

هرگاه انسان بيدار شد، يك فرشته و يك شيطان شتابان نزد او مي روند. فرشته مي­گويد: روز خود را به خير و نیکی آغاز كن، و شيطان مي گويد: روزت را با بدي و گناه آغاز كن. اگر انسان بعد از بيدار شدن این دعا بخواند:

«الحمد الله الذي أحيا نفسي بعد ما أماتها و لم يمتها منامها، الحمد لله الذی یمسک التی قضی علیها الموت، و یرسل الأخری إلی أجل مسمّی،. ..الخ» فرشته شيطان را مي راند و در طول روز او را حفاظت مي كند.

يعني: خداوند را سپاس مي گويم كه مرا بعد از مردن (خواب) زنده كرد، و در خواب نمیراند. خداوند را سپاس كه آن کس را كه اجلش فرا رسيده، و آن كه اجلش فرا نرسيده را تا وقت اجل مهلت مي دهد. سپس خدا را سپاس می گویم كه زمين و آسمان را نگه داشته، اگر زمين و آسمان از جاي خود حركت كنند، جز خداوند هيچ كس آنها را نمي تواند نگاه دارد. خدا را سپاس بخاطر اينكه آسمان را از افتادن بر روی زمين نگاه مي دارد.

آنگاه فرشته شیطان را طرد می کند، و از آن انسان محافظت می کند.[[53]](#footnote-53)

اين روايات ما را به انجام كارهاي نیک كه موجب اصلاح دل، و نزديك شدن به فرشته مي­شوند تشويق مي­كنند؛ زیرا نزديك شدن به فرشتگان فواید زيادي را به ارمغان دارد، همانگونه که در حديث آمده است: «رسول خدا ص با سخاوت­ترین انسان بود، و در رمضان و موقع دیدار جبرئیل بیش از هر وقت سخاوتمند بود...» بیان­گر تأثير ديدار رسول خدا ص با جبرئیل است که در ماه رمضان به منظور تعليم قرآن نزد ایشان می آمد.

8- ثبت اعمال نيك و بد انسانها

فرشتگان موظف به حفظ اعمال نيك و بد انسانها هستند. در این آيه بدان اشاره شده است:

ﭽ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﭼ ]انفطار:10-12[

یعنی: ‏بدون شكّ نگاهباناني بر شما گمارده شده‌اند. نگهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند. ‏

خداوند بر هر انساني دو فرشته­ي حاضر را گماشته است. که هرگز از انسان جدا نمي شوند، و ناظر بر رفتار و اعمال انسان هستند، همانگونه که می فرماید:

 ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭼ ]ق:16-18[

یعنی: ما انسان را آفريده‌ايم و مي‌دانيم كه در خاطرش چه مي‌گذرد و چه انديشه‌اي در سر دارد، و ما از شاهرگ گردن بدو نزديكتريم. بدانگاه كه دو فرشته‌اي كه در سمت راست و چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دريافت مي‌دارند. انسان هيچ سخني را بر زبان نمي‌راند مگر اين كه فرشته‌اي، مراقب و آماده (براي دريافت و نگارش) آن سخن است.

واژه­ی « ﭨ» به معني به کمین نشسته، و« ﭰ ﭱ » یعني مراقب و آماده براي انجام وظيفه، و حتی نوشتن يك كلمه را رها نمي کنند.

به ظاهر چنين معلوم می شود كه فرشتگان گماشته شده بر انسان، هر سخن و رفتار آدمی را می نويسند و هيچ چيزي را رها نمي نمایند. خداوند مي فرمايد: «ﭪ ﭫ ﭬ» هر سخني كه از زبان بيرون بيايد.

بنابر این، انسان روز قيامت پرونده­ي خود را مي بيند كه حاوي هر عملي است كه از او صادر شده است. كفّار وقتي پرونده ی اعمال خود را مي بينند مي گویند:

ﭽ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﭼ ]کهف:49[

واي بر ما! اين چه كتابي است كه هيچ عمل كوچك و بزرگي را رها نكرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزيده است. و بدين وسيله) آنچه را كه كرده‌اند حاضر و آماده مي‌بينند. و پروردگار تو به كسي ظلم نمي‌كند.

بلال بن حارث مزنی روایت می کند که: رسول خدا ص فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنَّهَا تَبْلُغُ مَا بَلَغَتْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ سَخَطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ»[[54]](#footnote-54)

 یعنی: گاهی انسان یک کلمه را به خاطر رضای خدا بر زبان می آورد، و هرگز تصوّر نمی­کند به چه مقام و جایگاهی نایل می­گردد، ولی این کلمه موجب می ­شود که خداوند رضایت و خشنودی خود را تا روز ملاقات و دیدار برایش بنویسد، و گاهی یک کلمه را در ناخشنودی خدا بر زبان می آورد، گمان نمی­کند به چنین فرجام بدی برسد، خدا ناخشنودی و خشم خود را تا روز ملاقات برایش می نویسد.

علقمه (یکی از راویان) می گوید: حدیث بلال موجب شد که از گفتن چندین سخن خودداری کنم.

از ابوهريره روايت شده است که: رسول خدا ص فرمود: انسان سخني می گوید که مورد رضايت پروردگار است، ولی به آن اهميت نمي دهد و ارزشي براي آن قائل نمي­شود. اما خداوند بر اثر همين سخن، رتبه­ي او را مي افزايد، و انسان سخني كه مورد ناخشنودي پروردگار است، مي گويد و به گناه بودن آن توجه ندارد، يعني آن را گناه تلقي نمي كند، اما همين سخن او را به قعر دوزخ مي اندازد.[[55]](#footnote-55)

ابن كثير در تفسيرش آورده که: از حسن بصري پس از تلاوت آيه:

ﭽ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭼ اظهار داشت: اي فرزند آدم، نامه اعمالي براي تو مشخص شده است، دو فرشته گرامي بر تو گماشته شده است. يكي در سمت راست تو و ديگري در سمت چپ قرار دارد. آنكه در سمت راست قرار دارد، اعمال نيك را ثبت مي كند، و فرشته­ي سمت چپ مراقب اعمال بد است. هر چه مي­خواهي بكن، کم یا زياد، وقتي بميري اين پرونده جمع مي گردد و در گردن تو آويخته شده و در قبر همراه توست تا وقتي كه روز قيامت از قبر بيرون بيايي. خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﭼ ]اسراء: 13-14[

يعني: ما اعمال هر كسي را (همچون گردن‌بند) به گردنش آويخته‌ايم (و او را گروگان كردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ايم) و در روز قيامت كتابي را (كه كارنامه اعمال او است) براي وي بيرون مي‌آوريم كه گشوده به (دست) او مي‌رسد. (در آن روز بدو گفته مي‌شود:) كتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت يا شقاوت خويش را بدان ). كافي است كه خودت امروز حسابگر خويشتن باشي.

حسن بصري رحمه الله گفت: بخدا سوگند، كسي كه تو را مورد محاسبه قرار مي­دهد عدالت پیشه است.

ابن كثير می گوید: ابن عباس در مورد تفسير ﭽ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭼ اظهار داشته: هر آنچه را كه انسان بر زبان آورد و بگويد، فرشته مي نويسد حتي اين كه مي گوید: (خوردم، نوشيدم، رفتم، آمدم، ديدم و...) را نيز مي نويسد. و روزهاي پنجشنبه گفتار و کردار انسان توسط فرشته به پیشگاه خداوند عرضه مي­گردد. آنچه از نیکی و بدی وجود دارد ثبت و بقيه انداخته مي­شوند، و آيه­ي زير به همين نكته اشاره دارد كه مي فرماید:

ﭽ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﭼ ]رعد:39[

یعنی: خداوند هرچه را كه بخواهد از ميان برمي‌دارد، و هرچه را برجاي مي‌دارد و (جايگزين مي‌سازد. و همه اينها) در علم خدا ثابت و مقرّر است.

ابن كثير نقل كرده كه: امام احمد هنگام بيماري آه و ناله بر زبان مي آورد. بعد از طریق طاووس باخبر شد كه فرشته همه سخنان، حتّي فرياد و ناله را نيز مي نويسد، آنگاه تا لحظه­ي مرگ فريادي بر زبان نیاورد. رحمت واسع خدا بر او باد.

9- فرشته­ي راست نيكي‌ها، و فرشته­ي چپ بدي‌ها را مي نويسد

در معجم طبراني كبير با سند حسن از ابواُمامه روايت است كه رسول خدا ص فرمود: فرشته­ي سمت چپ شش ساعت قلم را از نوشتن اعمال انسان خطاكار باز مي دارد، اگر انسان خطاكار در اين مدت پشيمان شده و از خداوند آمرزش طلب کرد، فرشته آنها را مي­اندازد، و در غير اين صورت يك بدي در نامه­ي اعمال او مي نويسد.

**آيا فرشتگان اعمال دلها را نيز مي نويسند؟**

شارح عقيده­­ی طحاويه با استدلال به آیه­ی ﭽ ﮆ ﮇ ﮈ ﭼ مي­گويد: فرشتگان اعمال قلب­ها را نيز مي نويسند، و آيه شامل افعال ظاهر و باطن است.

همچنین به حديث صحیحی استدلال كرده كه رسول خدا ص فرمود: خداوند مي­فرمايد: هرگاه بنده­ي من قصد انجام كار بدي كرد، اگر آن را انجام داد يك بدي برايش ثبت كنيد، و اگر قصد انجام عمل نيكي كرد،(تنها به قصد انجام آن) يك نيكي برايش بنويسيد، اگر آن را عملي كرد، ده برابر آن را برايش بنويسيد.[[56]](#footnote-56)

در حديثي ديگر ابوهريره چنين روایت می کند: رسول خدا ص فرمود: فرشته مي گويد: پروردگارا! اين بنده­ي توست. قصد انجام عمل بد را دارد. (خداوند بهتر
مي داند و نيازي به گفتن فرشته ندارد). خداوند مي فرمايد: او را مهلت بدهيد، اگر اراده اش را عملي كرد، يك بدي برایش بنويسيد و اگر آن را ترك نمود، نيكي برايش بنويسيد؛ زيرا آن را بخاطر خشنودي من رها کرده است.[[57]](#footnote-57)

يك اشكال و جواب آن

آيا علم فرشتگان نسبت به اراده و نيت انسان با اين گفتار خداوند در تضاد نیست؟

 ﭽ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭼ ]غافر:19[

يعني: خداوند از دزدانه نگاه كردن چشمها و از رازي كه سينه‌ها در خود پنهان مي‌دارند، آگاه است.

پاسخ: خير، زيرا اين از ويژگيهاي علم خداوند نيست، و اسرار پنهان در دلها اگر چه از انسانها پنهان و پوشيده هستند، هيچ كس نمي داند كه در سينه­ي برادرش چه نيتي نهفته است. ولي اين امر بیانگر اين نيست كه از فرشتگان نيز نهفته باشد.

حتي بعضي مي گويند: فرشتگان از بعضي اسرار نهفته در دلها خبر دارند كه همان اراده و قصد است، البته، در مورد بقيه­ي­ امور همچون عقاید، ‌دليلي بر اينكه فرشتگان آن را بدانند وجود ندارد.

10- دعوت كردن بندگان بسوی انجام اعمال نيكو

ابوهريره روايت می کند كه: رسول خدا ص فرمود: هر روز كه انسانها صبح
مي كنند، دو فرشته از آسمان فرود مي آيند، يكي مي گويد: «**اللهمّ أعطِ مُنْفقًا خلفًا، وأعط مُمْسكًا تَلَفًا**» يعني: پروردگارا! هر كس براي خشنودي تو انفاق كند، در عوض به او بده، و ديگري مي گويد: پروردگارا! هر كس از انفاق در راه تو خودداري كند، مالش را ضايع بگردان.[[58]](#footnote-58)

ابن حجر در شرح این حدیث روایت دیگری از ابو درداء را نقل کرده که در آن آمده است:

«ما من يوم طلعت شمسه إلا وكل بجنبتيها ملكان يناديان نداء يسمعه خلق الله كلهم إلا الثقلين: يا أيها الناس هلموا إلى ربكم إن ما قلّ وكفى خير مما كثر وألهى، ولا آبت شمسه إلا وكل بجنبتيها ملكان يناديان نداء يسمعه خلق الله كلهم غير الثقلين: اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط ممسكاً تلفاً».

یعنی: هر روز که خورشید طلوع می کند، دو فرشته فریاد سر می دهند: ای مردم! بسوی پروردگارتان بشتابید، روزی اندک و مقدار کافی از اموال زیاد بهتر است، و هنگام غروب آفتاب دوباره آن دو فرشته ندا می دهند، و این صدا را جز انسان و جن همه ی مخلوقات می شنوند، سپس می­گویند: خدایا! هر كس براي خشنودي تو انفاق كند، در عوض به او بده و.... تا آخر حدیث قبل.

11- آزمایش انسان

خداوند بعضي از فرشتگان را براي آزمايش بندگانش مي­فرستد. ابوهريره روايت می کند كه: رسول خدا ص فرمود: خداوند مي خواست سه نفر از بني اسرائيل را که یکی بیماری پیسی داشت و دیگری، کچل بود و سومی نابینا، مورد آزمایش قرار دهد. از این رو فرشته اي بسوي آنان فرستاد. فرشته نزد فرد پیسی آمد و گفت: محبوب ترین چيز نزد تو چیست؟ گفت: رنگ زيبا، و پوست زيبا، زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر او کشید، و بیماری بر طرف شد. و رنگ و پوستی زيبا به او داده شد.

آنگاه فرشته پرسيد: چه مالي را بيشتر دوست داري؟ گفت: شتر. پس به او شتر آبستنی داده شد. و گفت: خداوند آن را برایت با بركت بگرداند.

سپس فرشته نزد کچل آمد و گفت: محبوب ترین چيز نزد تو چیست؟ گفت: موي زيبا تا این حالتم برطرف شود؛ زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر سرش كشيد، در نتیجه بيماريش برطرف گرديد و موي بسيار زيبا به او داده شد، باز فرشته از او سؤال كرد: چه مالي را بهتر دوست داري؟ گفت: گاو، گاوي آبستن به او داده شد و فرشته برايش دعاي بركت كرد كه خداوند اين گاو را برايش مبارك گرداند.

بعد نزد نفر سوم آمد كه نابينا بود. از او پرسید: چه چيزي را بهتر دوست داري؟ گفت: اين را كه خداوند بينايي مرا برگرداند و مردم را با چشم خود ببينم. فرشته دستش را بر روي چشمانش كشيد و خداوند بينايي­اش را برگرداند. سؤال كرد: چه مالي را بهتر مي پسندي؟ گفت: گوسفند، گوسفندي كه آبستن بود به او داده شد و برايش دعاي بركت کرد.

اين گاو، شتر و گوسفند زاد و ولد كردند، هر كدام داراي گله­ي بزرگي از گاو، گوسفند و شتر شدند.

فرشته در شكل و صورت انسان مبتلا به بيماري برص نزد نفر اول آمد و گفت: انسان ناتواني هستم و در این سفر تمام اموال و متاع را از دست داده ام، امروز جز خداوند چیزی ندارم. تو را به همان خدايي كه صورت و رنگ زيبا و مال به تو داده، به حال زار من رحم كن، و شتري را به من بده كه مرا به مقصد برساند. آن مرد گفت: مصرفم زياد است. فرشته گفت: مثل اينكه تو را مي­شناسم، آيا تو جذام داری نبودی كه مردم از تو نفرت مي­كردند؟ تو فقير نبودي كه خداوند به تو مال داده است؟ آن مرد گفت: خير، كسي اين مال را به من نداده است، اين مال به صورت ارث از اجدادم به من رسيده است. فرشته گفت: اگر دروغ مي گوئي، خداوند تو را به حالت اوّل برگرداند.

سپس با قيافه و شكل انسان نزد مرد کچل رفت. و آنچه را كه به مرد اوّل گفته بود با او در میان گذاشت، و همان پاسخ مرد اوّل را از او هم دریافت کرد. فرشته گفت: اگر دروغ مي­گوئي، خداوند تو را به حالت اوّل برگرداند.

در پايان نزد نابينا رفت و گفت: انسان مسافري هستم و در راه سفر گرفتار و بی بضاعت مانده­ام و نمی توانم به محل سكونتم برگردم. تو را خدايي كه بينايي را به تو برگرداند يك گوسفند به من بده. گفت: از اين گله گوسفند هر اندازه كه لازم داري بردار، و به خدا سوگند اگر تمام گوسفندان را برداري، مانع تو نخواهم شد. فرشته گفت: مال خودت مباركت باد. خداوند خواست شما را امتحان كند، بي ترديد خداوند از تو خشنود است و از دو رفيق ديگر تو ناخشنود و خشمگین است.[[59]](#footnote-59)

12- گرفتن ارواح انسان موقع فرا رسيدن اجل

خداوند بعضي از فرشتگان را براي قبض ارواح بندگان برگزیده است.

مي­فرمايد:

ﭽ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﭼ ]سجده:11[

بگو: فرشته ی مرگ كه بر شما گماشته شده است، به سراغتان مي‌آيد و جان شما را مي‌گيرد، سپس به سوي پروردگارتان بازگردانده مي‌شويد.

فرشتگانی که جان انسانها را می گیرند بيش از يك فرشته هستند:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ]انعام:60-61[

یعنی: خداوند است كه در شب شما را مي‌ميراند و در روز شما را برمي انگيزاند و او مي‌داند كه در روز (كه زمان عمده جنب و جوش و تلاش و كوشش است) چه مي‌كنيد و چه فراچنگ مي‌آوريد (و اين مرگ و زندگيِ خواب و بيداري، پيوسته ادامه دارد) تا مهلت معيّن (زندگي هركس با فرا رسيدن مرگ او) فرا رسد. سپس (در روز رستاخيز همگان) به سوي خدا برمي‌گرديد و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنيا) مي‌كرديد باخبر مي‌گرداند.

خداوند بر بندگان خود كاملاً چيره است. او مراقباني (از فرشتگان را براي حسابرسي و نگارش اعمال شما) بر شما مي‌فرستد و مي‌گمارد (و آنان به كار خود با دقّت تمام تا دم مرگِ يكايك شما، مشغول مي‌گردند)، و چون مرگ يكي از شما فرا رسيد، فرستادگان ما (از ميان فرشتگان ديگر به سراغ او مي‌آيند و) جان او را مي‌گيرند، و (فرشتگان گروه اوّل و فرشتگان گروه دوم هيچ كدام در مأموريّت خود) كوتاهي نمي‌كنند.

فرشتگان ارواح كفار و مشركين را به سختی و خشونت می گیرند، و هيچگونه نرمش و مهرباني نسبت به آنها از خود نشان نمي دهند،

 قرآن می فرماید:

ﭽ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﭼ]انعام:93[

یعنی: اگر ستمكاران را ببيني در آن هنگام كه در سختی های مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهاي خود را (به سوي آنان) دراز كرده‌اند خويشتن را برهانيد. اين زمان به سبب دروغهایي كه بر خدا مي‌بستيد و از (پذيرش) آيات او سرپيچي مي‌كرديد، عذاب خواركننده‌اي مي‌بينيد.

و مي فرمايد:

 ﭽ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﭼ ]انفال:50[

یعنی: اگر ببيني (اي پيغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابي را كه به كافران دست مي‌دهد) بدان گاه كه فرشتگان جان كافران را مي‌گيرند و سر و صورت و پشت و روي آنان را (از هر سو) مي‌زنند و (بديشان مي‌گويند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشيد.

و فرمود:

 ﭽﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﭼ ]محمّد:27[

یعنی: حال آنان چگونه خواهد بود بدان هنگام كه فرشتگان مأمور قبض ارواح به سراغشان مي‌آيند و چهره‌ها و پشتها (و ساير اندامهاي) ايشان را به زير ضربه های خود مي‌گيرند؟! امّا ارواح مؤمنان را با مهربانی می گیرند.

13- مژده به مؤمنان هنگام مرگ

وقتي مرگ مؤمن فرا رسيد، فرشتگان مي آيند، و به او مژده مي دهند و مایه ی استواری و ثبات او مي­شوند، خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭼ ]فصلت:30-31[

یعنی كساني كه مي‌گويند: پروردگار ما تنها خداست، و سپس (بر اين گفته خود كه اقرار به وحدانيّت است‌ مي‌ايستند، و آن را با انجام قوانين شريعت عملاً نشان مي‌دهند، و بر اين راستاي خداپرستي تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار مي‌مانند، (در هنگام آخرين لحظات زندگي) فرشتگان به پيش ايشان مي‌آيند (و بدانان مژده مي‌دهند) كه نترسيد و غمگين نباشيد و شما را بشارت باد به بهشتي كه (توسّط پيغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده مي‌شد.

 (و فرشتگان بديشان خبر مي‌دهند كه) ما ياران و ياوران شما در زندگي دنيا و در آخرت هستيم، و در آخرت براي شما هرچه آرزو كنيد هست، و هرچه بخواهيد برايتان فراهم است.

 همچنین فرشتگان به کفّار مژده ی دوزخ و خشم خداوند جبّار را می دهند و به آنها می گویند: ﭽ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﭼ ]انعام:93[

یعنی در آن هنگام كه در سختی های مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهاي خود را (به سوي آنان) دراز كرده‌اند (و بر بناگوششان تپانچه و بر پشتشان تازيانه مي‌زنند و بديشان مي‌گويند: اگر مي‌توانيد از اين عذاب الهي) خويشتن را برهانيد.

14- ارتباط فرشتگان با بندگان در قبر و محشر

در مبحث ايمان به روز قيامت ـ انشاءالله ـ خواهيد ديد كه بعد از مرگ فرشتگان با انسانها چه ارتباطي دارند، و در قبر چگونه فرشته هاي منكر و نكير از او می پرسند. بعضي از فرشتگان انسانها را در قبر خوشحال مي كنند، و برخی ديگر مجرمان و كافران را عذاب مي­دهند. فرشتگان علاوه بر انجام اموري كه بيان گرديد، روز قيامت از مسلمانان استقبال مي كنند. اسرافيل در صور مي دمد و انسانها را براي حساب در محشر جمع مي­كند. اهل دوزخ را به دوزخ، و اهل بهشت را به بهشت سوق مي دهند، و در دوزخ اهل دوزخ را عذاب مي دهند و در بهشت به ساکنان آن سلام مي گويند.

### ­­­­مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان

نقش فرشتگان در قبال مؤمنان

در مبحث گذشته از نقش فرشتگان در ارتباط با تمام فرزندان آدم، از قبیل مؤمن و كافر و وظايف فرشتگان مانند: شكل دادن نطفه، حراست و مراقبت از بندگان، رساندن وحي، نوشتن و ثبت اعمال و قبض ارواح، سخن گفتیم که شامل كافر و مؤمن بود.

علاوه بر اين، فرشتگان نقش های گوناگونی در ارتباط با مؤمنان و كافران دارند. در اینجا نقش آنان را نسبت هر دو گروه مؤمن و كافر مورد بحث و بررسي قرار مي دهيم.

1- محبت و دوست داشتن مؤمنان

ابوهريره می گوید: رسول خدا ص فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا نَادَى جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبَّهُ فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ فَيُنَادِي جِبْرِيلُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّوهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ».[[60]](#footnote-60)

یعنی: هرگاه خداوند بنده اي را دوست داشته باشد، به جبرئيل مي­فرمايد: خداوند فلان بنده را دوست دارد تو نيز اي جبرئيل! او را دوست بدار. جبرئيل نيز او را دوست می دارد و در ميان تمام اهل آسمان صدا مي زند: خداوند فلاني را دوست دارد، شما نيز او را دوست بداريد. آنگاه اهل آسمان نيز با وي محبت خواهند كرد و بعد مقبوليت و محبت او در دل اهل زمين انداخته مي شود.

2- راهنمايي مؤمن

امام ترمذی و ابن ماجه روایت کرده اند که رسول خدا ص فرمود: «**من سأل القضاء واستعان عليه وُكِلَ إليه، ومن لم يسأله ولم يستعن عليه أنزل اللّه عليه مَلَكا يسدده**». یعنی: هرکس درخواست مقام قضاوت کند، به خود واگذار مي شود، و هر کس ناچار به پذیرش آن مقام شود، خداوند متعال فرشته ای را بر او فرود می­آورد و او را به مسیر درست راهنمایی می کند.

اما در مورد چگونگی این راهنمایی خداوند متعال داناترست.

و در همین رابطه ابوهريره می گوید: رسول خدا ص فرمود: حضرت سلیمان گفت: امشب با صد نفر از همسرانم همبستر می شوم، و از هر خانمي جواني متولد
مي شود و با دشمنان خداوند جهاد مي كند. فرشته به او گفت: بگو: «إن شاءالله» اما سلیمان از روی فراموشي «إن شاء الله» نگفت. عمل مقاربت را انجام داد و تنها از يك خانم بچه­ي ناقصي متولد شد. رسول خدا ص فرمود: اگر حضرت سليمان «ان شاء الله» مي­گفت: سوگندش شكسته نمي شد و آرزويش بهتر برآورده مي شد.[[61]](#footnote-61)

آري، فرشته پيام آور خدا حضرت سليمان را به راه درست و بهتر راهنمايي كرد.

همچنین حسان بن ثابت می گوید: رسول خدا ص براي حسان دعا كرد و فرمود: پروردگارا! حسان را بوسيله جبرئيل (روح القدس) نیرومند و قوی بگردان.[[62]](#footnote-62)

3- درود و دعا براي مؤمن

خداوند به ما خبر داده است كه فرشتگان به رسول خدا ص درود مي گويند:

 ﭽ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﭼ ]احزاب:56[

 يعني: خداوند و فرشتگانش بر پيغمبر درود مي‌فرستند، اي مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستيد و چنان كه بايد سلام بگویيد.

همچنین برای مؤمنان دعا می­کنند و درود می فرستند:

ﭽ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﭼ ]احزاب:43[

یعنی: ‏ او كسي است كه به شما عنايت و مرحمت مي‌كند، و فرشتگانش براي شما تقاضاي بخشش و آمرزش مي‌نمايند، تا يزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعاي فرشتگان) شما را از تاريكيهاي (كفر و گمراهی) بيرون آورد و به نور (ايمان و هدايت) برساند. چرا كه او پيوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است. ‏

امام بخاری به نقل از ابوالعالیه می گوید: «درود از جانب خداوند ستایش بنده است نزد فرشتگان»، برخی گفته اند: درود از جانب خدا رحمت است، و برخی دیگر گفته اند: هیچ تضادی بین این دو دیدگاه نیست. امّا درود فرشتگان دعا و طلب عفو و مغفرت برای انسانهاست، که تفصیل آن جلوتر خواهد آمد.

چند نمونه از کارهایی كه فرشتگان براي صاحبانش دعا می کنند

1- آموزنده­ی عمل نيك به مردم

ابوامامه روايت مي كند که رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگان او، و اهل آسمانها و زمين و حتي مورچه ها در لانه هاي خود، و ماهي ها در دریا بر کسی که خیر و نیکی را به مردم یاد می­دهند درود مي فرستند(دعاي مغفرت مي كنند).[[63]](#footnote-63)

2- کسانی که برای نماز به مساجد می روند

ابوهريره می گوید: رسول خدا ص فرمود: تا زمانی كه شما در نماز هستيد و منتظر نماز جماعت می باشید، فرشتگان براي شما درود مي­فرستند و دعاي مغفرت
مي كنند و مي گويند: خدايا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده.[[64]](#footnote-64)

 3- كساني كه در صف اول نماز مي خوانند

براء بن عازب می گوید: كه رسول خدا ص فرمود: خداوند و فرشتگان او براي كساني كه در صف اول نماز هستند درود مي فرستند.[[65]](#footnote-65)

در سنن نسایي بجاي صف اوّل صف مقدم آمده است.

4- کسانی که بعد از نماز در محل نماز می مانند

ابوداود در سنن خود، و نسائی با سند صحیح از ابوهریره س روایت کرده که رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان برای هر کدام از شما درود می فرستند و دعای مغفرت
می کنند تا وقتی که در محل نماز می مانید، و تا زمانی که وضویش باطل نشود یا از آنجا برنخیزد». [[66]](#footnote-66)

 5- براي كساني كه فاصله­ي ميان صف نماز را پر مي­كنند

عايشه ب می گوید: رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگانش براي كساني كه صفهای نماز جماعت را به هم وصل مي­كنند درود می فرستند، و هرکس روزنه ای را پر كند، خداوند مقام و منزلت او را يك درجه بالا مي برد».[[67]](#footnote-67)

 6- براي كساني كه سحرخیزند

عبدالله بن عمر م روايت كرده­ كه رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگانش براي سحر خيزان درود مي فرستند».[[68]](#footnote-68)

7- براي كساني كه بر پيامبر ص درود مي فرستند

عامر بن ربيعه روايت مي كند كه رسول خدا ص فرمود: «هر مؤمني كه براي من درود بفرستد، تا زمانی كه در حال فرستادن درود است، فرشتگان بر او درود مي فرستند (يعني دعاي مغفرت مي كنند) بنده اختيار دارد، زياد درود بخواند يا كم».[[69]](#footnote-69)

8- براي كساني كه به عیادت و احوالپرسی بيماران می روند

علي بن ابي طالب نقل مي كند كه رسول خدا ص فرمود: «هر مسلماني كه در وقت روز بيماري را احوالپرسی کند، خداوند در طول آن روز هفتاد هزار فرشته را برای درود فرستادن بر او بر می­گزیند، و اگر شب به عیادت بیمار برود آن شب تا صبح برایش درود می فرستند و دعا می کنند».[[70]](#footnote-70)

و در روايت ابوداود و حاکم آمده است: «هر مردی شامگاه بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته همراه با او بیرون شده و تا صبح برایش طلب مغفرت می کنند، و کسی که صبحگاه به عیادت بیمار برود، تا شب هفتاد هزار فرشته با او خارج می شوند و برایش طلب مغفرت می کنند».

### آيا درود فرشتگان براي ما تاثيري دارد؟

خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏﰐ ﭼ ]احزاب:43[

یعنی: او كسي است كه به شما عنايت و مرحمت مي‌كند، و فرشتگانش براي شما تقاضاي بخشش و آمرزش مي‌نمايند، تا يزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعاي فرشتگان) شما را از تاريكيهاي (كفر و گمراهی) بيرون آورد و به نور (ايمان و هدايت) برساند.

مفهوم آيه بیانگر این مطلب است که ذکر ما از جانب خداوند متعال در میان ساکنان آسمان، و دعاي فرشتگان براي مؤمنان، و طلب بخشش و مغفرت از خدا برای ایشان، نقش بسيار ارزنده و مثبتي در هدايت و نجات مؤمنان از تاریكي هاي كفر و شرك و گناه و نافرماني دارد. و موجب می­شود كه راه درست را تشخیص دهیم، و بر حسب مراد و خواسته­ی خدا عمل کنیم و به آن نور و روشنی نائل گردیم كه کردار و گفتار ما را در مسیر درست هدایت می­کند.

9- آمين گفتن براي دعای مؤمنان

فرشتگان بر دعای مؤمنان آمين مي­گويند و اين امر بيشتر موجب اجابت دعا
مي گردد. ابودرداء س می­گوید: رسول خدا ص فرمود: «**دعاء المرء المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه ملك یؤمن علی دعائه، کلما دعا لأخيه بخير قال: آمين ولك بمثله**» یعنی: دعای غایبانه مسلمان در حق برادر مسلمانش قبول می شود. فرشته همراه مؤمن است، هرگاه مؤمن براي برادر مسلمانش غایبانه دعا كند، فرشته مي گويد: آمين و براي تو نيز چنين شود.[[71]](#footnote-71)

وقتي كه دعاي فرشته آمین گوينده، موجب اجابت دعاي مؤمن است، مسلمان نباید برای خود دعای بد کند. سلمه ب روايت می کند كه رسول خدا ص فرمود: «عليه خود دعاي بد نكنيد، و همواره در حق خود دعای نیک كنيد؛ زيرا فرشتگان بر دعاهاي شما آمين مي گويند».[[72]](#footnote-72)

10 – در خواست بخشش براي مؤمنان

خداوند متعال ما را باخبر نموده كه فرشتگان براي اهل زمين درخواست عفو و بخشش مي كنند، آنجا که می فرماید:

ﭽﭬﭭﭮﭯﭰﭱﭲﭳﭴﭵﭷﭸ ﭹﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﭼ ]شوري:5[

یعنی: آسمانها (با همه عظمتي كه دارند) نزديك است (در برابر شکوه و عظمت او كرنش‌كنان) از بالا درهم بشكافند. و فرشتگان (با همه قدرتي كه دارند دائماً) به تسبيح و تقديس پروردگارشان مشغول و براي كساني كه در زمين هستند درخواست آمرزش مي‌كنند. هان! (اي انسانِ غافل از اطاعت آسمانها و افلاك و عبادت فرشتگان پاك! بدان كه) يزدان آمرزگار و مهربان است.

در سوره ی غافر بيان نموده كه حاملان عرش خداوند، و فرشتگان اطراف عرش، پروردگارشان را به پاكي ياد مي­كنند، و خاضعانه براي مؤمنان توبه كننده دعاي مفغرت مي كنند و از خداوند مي خواهند تا مؤمنان را از دوزخ نجات دهد، و آنان را وارد بهشت كند و از ارتكاب گناه و معاصي باز دارد، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭼ ]غافر:7-9[

یعنی: آنان كه بردارندگان عرش خدايند و آنان كه گرداگرد آنند به سپاس و ستايش پروردگارشان سرگرمند و بدو ايمان دارند و براي مؤمنان طلب آمرزش مي‌كنند (و مي‌گويند:) پروردگارا! مهرباني و دانش تو همه چيز را فرا گرفته است، پس در گذر از كساني كه (از گناهان دست مي‌كشند و به طاعات و عباداتت مي‌پردازند، و از راههاي انحرافي دوري مي‌گزينند و به راستاي راهت) برمي‌گردند و راه تو را در پيش مي‌گيرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما. ‏

پروردگارا! آنان را به باغهاي هميشه ماندگار بهشتي وارد گردان كه بديشان (توسّط پيغمبران) وعده داده‌اي، همراه با پدران خوب و همسران شايسته و فرزندان بايسته ايشان. قطعاً تو (بر هر چيزي) چيره و توانا و (در هر كاري) داراي فلسفه و حكمت هستي. و آنان را از بديها نگاهدار، و تو هر كه را در آن روز از كيفر بديها نگاهداري، واقعاً بدو رحم كرده‌اي (و مورد الطاف خود قرار داده‌اي) و آن قطعاً رستگاري بزرگ و نيلِ به مقصود سترگي است.

11- حضور در مجالس علم و ذكر و زير بال گرفتن آنان

ابوهريره روايت می کند كه رسول خدا ص فرمود:

«**إنَّ للهِ تَعَالَى مَلائِكَةً يَطُوفُونَ في الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أهْلَ الذِّكْرِ، فإذا وَجَدُوا قَوْمَاً يَذْكُرُونَ اللهَ - عز وجل -، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ، فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِم إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا ،...**»[[73]](#footnote-73) یعنی: همانا خداوند فرشتگاني دارد كه در حال گردش هستند، و كساني را پيدا
مي كنند كه مشغول ذكر خداوند هستند. هرگاه آنها را یافتند، همديگر را صدا مي كنند: بياييد بسوي هدفتان. آنگاه فرشتگان در جمع ذاكران مي آيند و تا آسمان دنيا آنان را زير بال خود می­گیرند.

ابوهريره می گوید: كه رسول خدا ص فرمود: هر گاه چند نفر در يكي از خانه هاي خدا مشغول تدریس، تعلیم و یادگیری کتاب خدا باشند، آرامش بر آنان نازل مي شود، و رحمت الهي آنان را احاطه مي­كند، و فرشتگان اطرافشان را فرا مي­گيرند و خداوند نزد ساكنان آسمان از آنها ياد مي­كند.[[74]](#footnote-74)

از ابودرداء روایت شده كه رسول ‎خدا ص فرمود: «همانا فرشتگان بال خود را براي طالبان علم، فرش مي كنند.[[75]](#footnote-75) يعني فرشتگان در برابر كساني در راه دین علم آموزی
مي كنند بسيار فروتن هستند.

بنابراین اعمال نیک - همانطور كه مي­بینید - فرشتگان را به ما و ما را به آنان نزديك مي­كنند. و اگر بندگان همواره در حالت روحي و معنوي والایی قرار داشته باشند، به درجه ای از کمال می­رسند که فرشتگان را مشاهده و با آنها مصافحه كنند. همانگونه که از حنظله اسیدی س روایت کرده که رسول خدا ص فرمود: «اگر شما وقتی که از نزد من بیرون می شوید بر همین حالت باقی بمانید، قطعاً در راههای مدینه با فرشتگان ملاقات و مصافحه می­کنید».[[76]](#footnote-76)

ابوهریره می گوید: رسول خدا ص فرمود: «اگر شما همواره در حالتي بمانيد كه نزد من هستيد، با دستهایتان با فرشتگان مصافحه خواهید کرد، و شما را در منازلتان ملاقات می­کنند، و چنانچه مرتکب گناه نشوید، خداوند بجای شما قومی را می آورد که گناه کنند تا از آنها در گذرد»[[77]](#footnote-77).

12- ثبت نام كساني كه در نماز جمعه شركت مي كنند

این دسته از فرشتگان بعضي از اعمال بندگان را ثبت مي كنند و نام کسانی را كه در مراسم نماز جمعه حاضر مي شوند به ترتيب زمان ورود ثبت می­کنند. از ابوهريره روايت است که رسول خدا ص فرمود: «روز جمعه فرشتگانی، بر در ورودی هر یک از مساجد قرار دارند، و به ترتیب نام افرادی را که وارد مسجد می شوند ثبت می کنند، هرگاه امام براي خواندن خطبه نشست، پرونده ها را جمع مي كنند و براي شنيدن خطبه مي نشينند».[[78]](#footnote-78)

همچنین سخنان نیک از بندگان را ثبت مي­کنند. رفاعه بن رافع زرقی می گوید: روزي پشت سر رسول خدا ص نماز مي خوانديم، وقتي از ركوع بلند شد و «سمع الله لمن حمده» گفت، مردي پشت سر او گفت: «ربّنا و لك الحمد، حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه» وقتي رسول خدا ص نماز را تمام كرد، فرمود: چه كسي اين كلمات را گفت. آن مرد گفت: ای رسول خدا! من بودم. فرمود: «حدود سي و اندی فرشته را ديدم كه براي نوشتن اين كلمه مبادرت مي كردند و از همديگر سبقت مي گرفتند». پس فرشتگان نويسنده علاوه از دو فرشته اي هستند كه اعمال نيك و بد انسانها را مي نويسند؛ زيرا تعدادشان، سي و اندي ذكر شده است.

13- فرشتگان به نوبت ميان انسانها مي آيند

اين فرشتگان كه در راه ها و معابر عمومی گشت مي زنند، و دنبال یافتن مجالس ذكر هستند و در گردهمایی ها حضور پيدا مي كنند، به نوبت نزد ما مي آيند، گروهی
مي آيند و عده اي ديگر مي روند. و در نماز صبح و عصر با هم جمع مي شوند.

 از ابوهريره روايت است که رسول خدا ص فرمود: «خداوند فرشتگاني دارد كه پی در پی در ميان شما رفت و آمد مي كنند، گروهي مأمور شب، و برخی مأمور روز هستند، و در نماز عصر و صبح با هم جمع مي شوند. سپس آنهايي كه شب را با شما سپری کردند، بسوي پروردگار برمی­گردند، و خداوند حالت بندگان را از آنان جویا
می شود؟ جواب مي دهند: در حال نماز آنان را رها كرديم و وقتي برگشتيم آنان را در حالت نماز يافتيم».[[79]](#footnote-79)

ممكن است اينها همان فرشته­هايي باشند كه اعمال بندگان را نزد پروردگار مي برند. از ابي موسي اشعري س می گوید: كه رسول خدا ص پنج نكته را براي ما بازگو كرد و فرمود: خداوند نمي خوابد و خواب شايسته اش نيست. ميزان اعمال را بالا مي برد و پايين نمي­آورد. فرشتگان اعمال شب را قبل از رسيدن روز، و اعمال روز را پيش از فرا رسيدن شب نزد خداوند مي برند.[[80]](#footnote-80)

از این رو خداوند منزلت نماز صبح را بسيار بزرگ توصيف نموده؛ زيرا فرشتگان در آن حضور می یابند، همانگونه که مي­فرمايد:

ﭽ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ]اسراء:78[

یعنی: نماز را چنان كه بايد بخوان به هنگام زوال آفتاب (از نصف‌ النهار، كه آغاز نماز ظهر است و امتداد آن وقت نماز عصر را نيز دربر­مي‌گيرد) تا تاريكي شب، و نماز صبح را بخوان، بي‌گمان نماز صبح (توسّط فرشتگان شب و فرشتگان روز) بازديد مي‌گردد.

14- فرشتگان وقت قرآن خواندن مؤمن نزد او فرود مي آيند

برخی از فرشتگان موقع تلاوت قرآن از آسمان فرود مي­آيند. از ابوسعید خدری روایت است که در یکی از شبها که اُسید بن حضیر در خوابگاه گوسفندان و دام هاي خود قرآن تلاوت می ­كرد؛ اسبش به حركت درآمد. اسيد مي گويد: مي ترسيدم كه پسرم يحيي را لگدمال كند. از خانه بيرون رفتم و خود را به اسبم رساندم. بالاي سرم چيزي را دیدم که شبیه ابر بود و چیزی شبیه چراغ در آن آويزان بود، که هرگز نديده بودم. فردا خدمت رسول خدا ص رفتم و حادثه را به عرض ایشان رساندم. فرمود: «ای اباحضیر! همانگونه بخوان».

می گوید: شب بعد هم قرآن خواندم، سپس اسبم به چرخش و حرکت درآمد، باز هم عرض کردم، و رسول خدا ص همان پاسخ را داد و فرمود: ای اباحضیر! بخوان، سپس خواندم و اسبم همچنان به هیجان افتاد. آنگاه منصرف شدم، چون بیم آن داشتم که پسرم یحیی که به مکان اسب نزدیک بود در زیر پای اسب لگدمال شود، دوباره چیزی شبیه ابر دیدم که چیزهایی همچون چراغ در آن وجود داشت و در فضا آویخته بود که هرگز ندیده ام، رسول خدا ص فرمود: «تِلْكَ الْمَلاَئِكَةُ كَانَتْ تَسْتَمِعُ لَكَ وَلَوْ قَرَأْتَ لأَصْبَحَتْ يَرَاهَا النَّاسُ مَا تَسْتَتِرُ مِنْهُمْ». یعنی: آنها فرشته هایی بودند که به قرآن خواندن تو گوش فرا می­دادند، اگر به خواندن قرآن ادامه میدادی تا صبح گوش فرا می دادند و مردم آنها را می دیدند که اکنون پنهان هستند.[[81]](#footnote-81)

و در صحيح مسلم از براء بن عازب روايت است: شخصي سوره­ی كهف را تلاوت مي كرد، در خانه او حيواني بود كه شروع به حركت كرد و دست و پا مي­زد. معلوم شد كه چيزي مانند مه يا ابر خانه را پوشانيده. آن شخص جريان را به عرض رسول خدا ص رسانيد. ایشان فرمود: اي فلان بخوان آنچه كه صورت گرفت، سكينه و آرامش بود كه موقع تلاوت قرآن، نازل مي­شد.[[82]](#footnote-82)

15- سلام امّت را به پيامبر ص مي رسانند

عبدالله بن مسعود نقل مي­كند كه رسول خدا ص فرمود: «إِنَّ للهِ مَلائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلامَ » یعنی: همانا خداوند فرشتگاني دارد كه در زمين به سیاحت مشغول اند، سلام هاي امت را به من مي رسانند.[[83]](#footnote-83)

در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از عمار بن یاسر س روایت شده که رسول خدا ص فرمود: «واقعاً خداوند متعال فرشته ای دارد که به او چنان قدرتی داده که صدای بندگان را بشنود، و هر کس بر من درود بفرستد، به من می رسد، و من از خداوند درخواست کرده ام در مقابل هر درودی که بر من فرستاده می شود ده برابرش بر آنها درود بفرست».

 16- مؤمنان را بشارت مي دهند

فرشتگان به ابراهيم مژده دادند كه بزودي خداوند به او فرزندي صالح عطا
می کند، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﭼ ]ذاریات:24-28[

يعني: آيا خبر مهمانهاي بزرگوار ابراهيم به تو رسيده است‌؟ آن زماني كه بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برايم) مردمان ناآشنا و ناشناسي هستيد. به دنبال آن، پنهاني به سوي خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌اي را (كه بريان كرده بودند، براي ايشان) آورد. و آن را نزديك ايشان گذارد. (ولي با تعجب ديد دست به سوي غذا نمي‌برند و از آن چيزي نمي‌خورند !) گفت: آيا نمي‌خوريد؟! (هنگامي كه ديد دست به سوي غذا نمي‌برند) در دل از ايشان احساس ترس و وحشت كرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسري دانا و آگاه مژده دادند.

همچنین فرشتگان به زكريا فرزندي بنام يحيي مژده دادند،خداوند مي فرمايد:

 ﭽﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭼ ]آل عمران:39[

یعنی: پس (خداوند دعاي او را پذيرفت و) در حالي كه در عبادتگاه به نيايش ايستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند كه خداوند تو را به يحيي مژده مي‌دهد، و او تصديق كننده كلمه خدا (يعني عيسي، چون با كلمه «كُن» پديد آمده است) و پيشوا و مبرا از هوسهاي سركش، و پيغمبري از (تبار) صالحان خواهد بود.

فرشتگان تنها به پيامبران مژده نمی دهند، بلكه گاهي به مؤمنان نيز مژده داده اند. از ابوهريره روايت است: شخصي برادر ديني اش را در روستایی ديگر ملاقات كرد. خداوند فرشته­اي را بر مسیر راه او فرستاد. وقتي آن شخص رسيد، فرشته از وي پرسيد: قصد كجا داري؟ گفت: در فلان روستا برادر مسلماني دارم و به ديدارش
مي روم. فرشته گفت: آیا به تو نیکی كرده است؟ پاسخ داد: خير. بلكه بخاطر خدا او را دوست دارم. فرشته گفت: پس بدان كه من فرستاده­ي خداوند بسوي تو هستم، و خداوند مي­فرمايد: همانطور كه تو برادر مسلمانت را دوست داري، من نيز تو را دوست دارم.[[84]](#footnote-84)

ابوهريره می­گوید: رسول خدا ص فرمود: جبرئيل نزد من آمد و گفت: اي پيامبر خدا! اين خديجه است، مي خواهد نزد تو با ظرفي بيايد. كه در آن آب يا غذا وجود دارد. هرگاه نزد تو رسيد، از جانب خداوند و من (جبرئيل) به او سلام برسان و او را به خانه اي از مرواريد و ياقوت در بهشت مژده بده.[[85]](#footnote-85)

17- فرشتگان در حالت خواب و رؤیا هم مژده می دهند

عبدالله بن عمر م نقل مي كند كه: در زمان رسول خدا ص هر كس خوابي مي ديد، آن را براي ایشان بيان مي كرد. من نيز آرزو داشتم كه خوابي ببينم و آن را به عرض رسول خدا ص برسانم. در آن دوران من جوان بودم و در مسجد مي­خوابيدم، در خواب دو فرشته را ديدم كه مرا گرفته و بسوي دوزخ بردند. دوزخ را همچون حفره و چاه دیدم، و در آن افرادي بودند كه آنان را مي شناختم. بلافاصله گفتم: «اَعوذ بالله من النار» یعنی: از آتش دوزخ به خدا پناه می برم. فرشته اي ديگر آمد و به من گفت: نترس.[[86]](#footnote-86)

از حضرت عايشه ب روايت شده كه رسول خدا ص خطاب به او فرمود: «در خواب تو را در حالي دیدم كه پارچه ابريشمي بر تن داشتی و فرشته اي تو را نزد من آورد و گفت: اين همسر توست، و من پارچه را از صورت تو برداشتم و ديدم كه تو عایشه هستي. گفتم: اگر اين خواب از جانب خداوند باشد، قطعاً خداوند به آن جامه عمل خواهد پوشاند.[[87]](#footnote-87)

 18- همراه با مؤمنان در جهاد شركت كرده و از آنها حمايت مي­كنند

خداوند متعال مؤمنان را بوسيله­ي تعداد زيادي از فرشتگان در غزوه­ي بدر ياري كرد، همانگونه که می­فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭼ ]انفال:9[

 یعنی: زماني را كه (در ميدان كارزار بدر از شدّت ناراحتي) از پروردگار خود درخواست كمك و ياري مي‌نموديد و او درخواست شما را پذيرفت (و گفت:) من شما را با يك‌هزار فرشته كمك و ياري مي‌دهم كه اين گروه هزار نفري گروههاي متعدّد ديگري را پشت سر دارند.

و مي فرمايد:

ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﭼ ]آل عمران: 123-125[

یعنی: خداوند شما را در بدر پيروز گردانيد و حال آن كه (نسبت به كافران) ناچيز (و از ساز و برگ اندكي برخوردار) بوديد، پس از خدا بترسيد تا شكر (نعمت او را بتوانيد) به جاي آوريد. بدان گاه كه تو به مؤمنان مي‌گفتي: آيا شما را بسنده نيست كه پروردگارتان با سه هزار از فرشتگانِ فرستاده (از سوي خويش براي آرامش خاطرتان) ياريتان كرد ؟ آري! (شما را بسنده است. و علاوه از آن) اگر بردباري (در كارزار) داشته باشيد و پرهيزگاري كنيد (از معصيت خدا و مخالفت با پيغمبر )، و آنان (يعني دشمنان مشرك) هم اينك بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بيفزايد و) با پنج هزار فرشته يورشگر و نشانگذار، شما را ياري كند.

ابن عباس م می گوید: رسول خدا ص در روز غزوه­ي بدر فرمود: «اين جبرئيل است که با اسبش اسلحه جنگي حمل كرده است، حضور دارد».[[88]](#footnote-88)

خداوند متعال حكمت و هدف از اين كمك و ياري دادن را تقويت و ثابت كردن مؤمنان، و همراه بودن در جنگ، به قتل رساندن دشمنان خدا، و كشتن و گردن زدن و بریدن دستهايشان بیان نموده و مي­فرمايد:

 ﭽ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭼ ]انفال:10[

یعنی: خداوند اين (امداد با فرشتگان) را تنها براي مژده‌ دادن (پيروزي) به شما و آرامش پيدا كردن دل شما به آن كرد، وگرنه پيروزي جز از سوي خدا نيست (و اراده و مشيّت او بالاتر از همه اين اسباب ظاهري و باطني است). بيگمان خداوند (بر هر كاري) توانا (و كارهايش) از روي حكمت است.

و می فرماید:

ﭽ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﭼ ]انفال:12[

یعنی: (اي مؤمنان! به ياد آوريد) زماني را كه پروردگار تو به فرشتگان وحي كرد كه من با شمايم (و كمك و ياريتان مي‌نمايم. شما با الهام پيروزي و بهروزي) مؤمنان را تقويت و ثابت‌قدم بداريد، (و من هم) به دلهاي كافران خوف و هراس خواهم انداخت. (به مؤمنان الهام كنيد) سرهاي آنان را بزنيد (و از هم بشكافيد كه بر گردنهاي ناپاكشان سنگيني مي‌كند) و دستهاي ايشان را ببريد.

 در سوره ی آل عمران مي­فرمايد:

ﭽ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﭼ

یعنی: و خداوند آن (ياري با فرشتگان) را جز مژده‌اي براي (پيروزي) شما نساخت، و براي آن بود كه دلهاي شما بدان آرام گيرد، و پيروزي جز از جانب خداوند تواناي دانا نيست. (هدف از ياريتان توسّط فرشتگان آن است كه) تا گروهي از بزرگان كافران را نابود كند و يا آنان را سركوب و خوار نمايد و با شكست و ننگ خشمگينشان سازد و نااميد برگردند.

رسول خدا ص در روز جنگ بدر فرشتگان مشاهده نمود. و در صحیح بخاری روایت شده که رسول خدا ص همراه با ابوبکر صدیق در یک سایبان مستقر بودند، و هر دو دعا می کردند، آنگاه چشمان رسول خدا ص به خواب رفت، سپس با تبسّم بیدار شد و فرمود: «أبشر یا أبابکر، هذا جبریل علی ثنایا النقع» یعنی: ای ابوبکر! مژده باد، این جبرئیل است که روی ثنایا النقع است.

همچنین يكي از مجاهدان صداي ضربه­ي فرشته ای كه كافري را زد؛ و صداي راندن اسبش را شنيد. ابن عباس م می­گوید: یکی از مسلمانان مشركي را تعقيب كرده و به دنبالش مي دويد، ناگهان صدايي از بالا، و صداي ضربه­ شلاقي را شنید که مي­گفت: اي حيزوم! – اسم اسب آن فرشته بود- جلو برو آن مرد مجاهد بطرف مشرك نگاه كرد و ديد مشرك پشت بر زمين افتاده و بيني و صورتش زخمي است. آن انصاری رسول خدا ص را از ماجرا باخبر نمود، رسول الله ص فرمود: تو راست مي گويي، اين امدادگر از آسمان سوم آمده است.[[89]](#footnote-89)

فرشتگان در جاهای ديگر نيز جنگيده اند، مانند جنگ خندق که خداوند فرشتگانش را جهت امداد و نصرت مسلمانان فرستاد، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﭼ ]احزاب:9[

یعنی: اي مؤمنان! به ياد آوريد نعمت خداي را در حق خودتان، بدان گاه كه لشكرها به سراغ شما آمدند. ولي ما تندباد (سخت سردي) را بر آنان گماشتيم و لشكرهایي (از فرشتگان) را به سويشان روانه كرديم كه شما آنان را نمي‌ديديد. خداوند مي‌ديد كارهایي را كه انجام می دادید.

منظور از لشكري كه شما آن را نديديد، فرشتگان هستند. چون در احادیث صحيح آمده است: جبرئيل پس از بازگشت رسول خدا ص از غزوه­ي خندق، نزد رسول خدا ص آمد كه اسلحه اش را گذاشته و غسل كرده بود. ولي جبرئيل گرد و خاك را از موهاي سرش مي نشاند، و به رسول خدا ص گفت: شما اسلحه را گذاشته ايد؟ ولي ما هنوز آن را نگذاشته ايم. بطرف كفار بیرون شو، رسول خدا ص فرمود: كجا برويم؟ جبرئيل بسوي بني­قريظه اشاره كرد.[[90]](#footnote-90)

از انس روايت است كه رسول خدا ص فرمود: «گویا گرد و غبار سواری جبرئيل را مي بينم كه از كوچه هاي بني غنم بلند مي شوند، و این زماني بود كه رسول خدا ص براي جهاد به غزوه­ي بني قريظه می رفت.[[91]](#footnote-91)

19- حمايت و پشتیبانی از رسول خدا ص

ابوهريره می گوید: «ابوجهل گفت: آيا محمّد صورتش را خاك آلود مي كند؟ (سجده مي كند) گفته شد: آري. ابوجهل گفت: سوگند به لات و عزي، هرگاه او را ببينم كه چنين مي­كند پايم را بر روي گردنش مي گذارم تا ببينم چگونه سجده مي كند.

رسول خدا ص مشغول نماز بود که ابوجهل آمد و مي خواست پایش را بر گردن رسول خدا ص بگذارد، ولي هنوز به او نزديك نشده بود كه به عقب برگشت و دست خود را سپر كرده مثل اينكه خود را از چيزي نجات مي داد. از وي پرسیده شد: تو را چه شده است؟ گفت: ميان من و او چاله اي پر از آتش مهيب و پرهاي عجيب و غريبي بود. رسول خدا ص فرمود: «اگر ابوجهل به من نزديك مي شد، فرشتگان اعضاء بدن او را تكه تكه مي بردند». [[92]](#footnote-92)

این روایت در کتاب التفسیر صحیح بخاری از روایت مسلم مختصرتر ذکر شده است.

20- بندگان نیکوکار را ياري نموده و غم و اندوه را از آنها مي زدايند

گاهي خداوند متعال فرشتگان را براي حمايت از برخي بندگان صالح جز پیامبران
مي فرستد. از جمله اين موارد داستانی است كه ابن كثير آن را در تفسير اين آیه آورده است كه:

ﭽ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﭼ ]نمل:62[

حافظ ابن عساكر به روايت ابوبكر محمد بن داوود دينوري معروف به دقی صوفی، در شرح حال مردي چنین مي گويد: در مسیر دمشق زبداني قاطر كرايه کشی می­کردم. مردي همراهم سوار شد و در مسيرهاي ناشناخته مي­رفتيم. سپس به من گفت: از همين مسير برويم که نزديك­تر است. گفتم: در اين مسير براي من خيري وجود ندارد. گفت: اين نزديك­تر است، روانه شديم. به جاي بسيار صعب العبوري و وادي بسيار عميقي كه كشته هاي زيادي در آنجا بود، رسيديم. گفت: قاطرت را نگاه دار تا من پياده شوم. پايين شد و آستين را بالا زد و لباسهايش را جمع و جور كرد و چاقویی را برداشت و به من روي آورد. من فرار كردم و او دنبالم كرد. او را به خدا قسم دادم و گفتم: اين قاطر را با بارش بردار، ولي مرا رها كن. گفت: قاطر و بار مال من است، ولي مي خواهم تو را نيز به قتل برسانم. هر چند او را از خداوند و عذابش ترساندم، نپذیرفت.

ناچار تسليم شدم. و از وي خواستم به من اجازه بدهد تا دو ركعت نماز بخوانم. گفت: زود باش، بلند شدم تا نماز بخوانم. زبانم دچار لكنت شد، هرچه سعي كردم حتي يك كلمه از قرآن را نتوانستم بر زبان بياورم. سرگردان و پريشان ايستادم، و آن مرد مرا با تندي صدا كرد و گفت: بس كن. ناگهان خداوند اين آيه را بر زبانم جاری کرد: ﭽ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﭼ مردي را دیدم که از پايين رودخانه سوار بر اسبي و در حالي كه نيزه اي در دست دارد رسيد. نيزه را بر قلب آن مرد زد و او فوراً بر زمين افتاد. خود را به دامن اين اسب سوار آويزان كرده و عرض كردم: چه كسي هستي؟ گفت: من فرستاده كسي هستم كه به داد ستمديدگان مي رسد، و آفت زدگان را ياري مي كند، و ستمديدگان او را مي­خوانند و از وي كمك
مي­جويند. اين مرد مي گويد: قاطرم را با محموله اش برداشته و به سلامت برگشتم.

از جمله اين موارد اين که خداوند جبرئيل را براي كمك مادر حضرت اسماعيل در مكه مكرمه فرستاد. از ابن عباس م روايت شده است: مادر حضرت اسماعيل هفت بار ميان صفا و مروه براي جستجوي آب رفت و آمد كرد. وقتي نزديك مروه رسيد، صدايي به گوشش رسيد. به خود گفت: ساكت باش، سپس صدایی شنید، گفت: آيا مي توانيد به من کمکی بكنيد. ناگاه چشمش به فرشته اي در محل زمزم افتاد. آن فرشته با بالهاي خود آب را بيرون آورد. فرشته به مادر اسماعيل گفت: هيچ خطري شما را تهديد نمي كند، اينجا خانه ی خداست که اين پسر و پدر آن را خواهند ساخت. خداوند ساكنان اين محل را ضايع نمي كند.[[93]](#footnote-93)

در سنن نسایی آمده است که آن فرشته كه نزد مادر اسماعيل آمد، جبرئيل بود. مي­گوید: وقتي كه جبرئيل محل زمزم را با پاي خود حفر كرد، هاجر مادر اسماعیل شن ها را جمع كرد. (تا جلوي جريان آب را بگيرد) رسول خدا ص فرمود: خداوند مادر اسماعيل را مورد مرحمت قرار دهد، اگر جلوي جريان آب زمزم را نمي گرفت، بصورت چشمه جاري مي شد.[[94]](#footnote-94)

 21- در تشييع جنازه­ي بندگان نیکوکار شرکت می کنند

رسول خدا ص درباره ی سعد بن معاذ فرمود:

«**هذا الّذی تحرك له العرش، وفتحت له أبواب السماء، وشهده سبعون ألفا من الملائكة، لم يهبطوا إلى الأرض قبل ذلك، ولقد ضُمّ ضمة، ثم أفرج عنه**».

 یعنی: او كسي است كه عرش خداوند بخاطر درگذشت او به لرزه درآمد، و درهاي آسمان به روي او گشوده شدند، و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه اش شركت كردند. ولي با این وجود در قبر فشرده شد و سپس عذاب قبر از وي برداشته شد.[[95]](#footnote-95) (نسائي از ابن عمر روايت كرده است).

22- شهیدان را زير سايه ی بالشان قرار مي دهند

جابر می­گوید: وقتي پدرم شهيد شد روپوش را از چهره­اش برداشتم و گریه
می کردم و خويشاوندانم مرا دلداری می دادند و از گریه کردن منع می کردند، ولی رسول خدا ص مرا منع نمی­کرد، عمه ام «فاطمه» شروع به گریه و زاری کرد. رسول خدا ص فرمود: چرا گريه می­كنيد یا فرمود: گريه نكنيد، فرشتگان همواره بر او با بالهاي خود سايه انداختند.

امام بخاری این حدیث را عنوان یک باب کتاب خود قرار داده به نام: « باب سایه ی ملائکه بر شهید».[[96]](#footnote-96)

23- فرشتگاني كه تابوت (صندوق) را آوردند

خداوند متعال مي­فرمايد:

ﭽ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﭼ ]بقره:248[

یعنی: و پيغمبرشان به آنان گفت: نشانه ی حكومت او اين است كه صندوق (عهد) به سوي شما خواهد آمد، (همان صندوق عهدي كه دلگرمي و) آرامشي از سوي پروردگارتان و يادگارهاي خاندان موسي و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل مي‌كنند. بيگمان در اين كار نشانه‌اي براي شماست (و چنين رهنمودي شما را بر آن مي‌دارد كه) اگر مؤمن هستيد.

در اين آیه خداوند به ما خبر داده كه فرشتگان در آن فاصله­ي زماني صندوقي را برای بنی اسرائیل آوردند تا قلبشان بر این آرامش و اطمینان یابد كه طالوت برگزيده ی خداوند است، پس از وي اطاعت و پیروی كنند و به فرمان او عمل كنند.

24- دفاع از مكه و مدينه در برابر دجّال

دجال به تمام شهرها و سرزمینها جز مكّه و مدينه وارد مي شود. مكه و مدينه بدليل جلوگیری فرشتگان از ورود دجال و رسيدن او به اين دو شهر، محفوظ مي­ماند. در صحيح مسلم و سنن ابي داود و ترمذی از حديث فاطمه بنت قيس، در قصه­ي تميم داري آمده است كه دجال مي گويد: «من مسيح دجال هستم و به زودي اجازه ی خروج به من داده مي شود. بعد از خروج در زمین به سير و سياحت مي پردازم، و هيچ شهري را رها نمي­كنم، و در مدت چهل روز به تمام شهرهاي دنيا خواهم رفت جز مكه و طيبه (مدينه)، اين دو شهر از ورود من محفوظ و من از ورود به آنها محروم هستم. هرگاه بخواهم به يكي از اين دو شهر وارد شوم، فرشته اي با شمشير از نیام کشیده و مانع ورود من به این دو شهر مي شود. دروازه ی ورودي اين دو شهر فرشتگاني گماشته شده كه از آن حفاظت مي كنند. رسول خدا ص با چوب­دستي كوچكي كه در دست داشت بر منبر زد و با اشاره به سوی مدينه ی منوره فرمود: اين طيبه است، اين طيبه است، اين طيبه است.[[97]](#footnote-97)

ابي بكره روايت مي كند که رسول خدا ص فرمود: «رُعب و وحشت مسيح دجال به مدينه نمي رود. مدينه در آن روزگار هفت درب ورودي خواهد داشت که بر هر يك دو فرشته گماشته خواهد شد».[[98]](#footnote-98)

ابوهريره می گوید: رسول خدا ص فرمود: «بر راه هاي مدينه فرشته هايي گماشته شده اند، و طاعون و دجال نمي توانند وارد مدينه شوند»[[99]](#footnote-99)، و نيز فرمود: «هیچ شهر و دیاری باقی نمی ماند که دجال وارد آن نشود، جز مکه و مدینه، که بر دروازه های ورودی هر یک از آنان فرشتگان با صف ایستاده و از آن محافظت می کنند. سپس مدینه سه مرتبه به لرزه می آید، آنگاه خداوند تمام کافران و منافقان را از آن بیرون می کند.

 25- فرود آمدن عيسي همراه دو فرشته

نواس بن سمعان می گوید: رسول الله ص پيرامون حديث دجال چنين فرمود: «در همين اثنا حضرت عيسي بن مريم بر مناره سفید جانب شرقي دمشق با لباس رنگ شده با ورس و زعفران در حالی فرود مي آيد. كه دو دستش را بر روي بالهاي دو فرشته گذاشته است».[[100]](#footnote-100)

26- فرشتگان بالهایشان را بر سرزمین شام گسترانیده­اند

زيد بن ثابت انصاري می­گوید: از رسول خدا ص شنيدم، که فرمود: (خوشا اي شام، خوشا اي شام)! پرسیده شد: اي پيامبر خدا! چرا چنين است؟ فرمود: آنها فرشتگان خدا هستند كه بالهايشان را بر فضاي شام (سوريه) گسترانیده اند.

(شيخ ناصرالدین آلبانی در تخریج و بررسی احادیث فضایل شام که از ربعی روایت شده اند می گوید: این حدیث صحیح است که ترمذی، و حاکم در المستدرک و احمد در المسند روایت کرده اند، و حاکم گفته: بر شرط شیخین صحیح است، و ذهبی موافقت کرده، و همین طور است، همانگونه که منذری در الترغیب و الترهیب می گوید: ابن حبان و طبرانی آن را با سند صحیح روایت کرده اند).

27- هماهنگی با فرشتگان موجب پاداش است

رسول خدا ص فرمود: «هر گاه امام آمين گويد، شما نيز آمين بگویيد، هر كس آمين گفتنش با آمين فرشتگان هماهنگ باشد، گناهان گذشته­اش بخشیده خواهند شد».[[101]](#footnote-101)

در صحيح بخاري آمده است: «هرگاه آمين گفتن شما و فرشتگان آسمان هماهنگ شد، گناهان گذشته ی شما بخشیده خواهند شد».[[102]](#footnote-102)

در حديثي ديگر رسول خدا ص فرمود: هرگاه امام گفت: «سمع الله لمن حمده»، شما «اللّهم ربّنا لك الحمد» بگویيد، زیرا هر كس سخنش با سخن فرشتگان هماهنگ شود، گناهان گذشته­اش بخشوده خواهند شد». [[103]](#footnote-103)

### وظيفه‌ي مؤمن در قبال فرشتگان

فرشتگان بندگان برگزيده­ي خدا هستند و نزد پروردگارشان از جایگاه ویژه­ای برخوردارند، و مسلماني كه خدا را عبادت كند و در صدد خشنودي خداوند است، چاره ای جز دوستي و تعظيم و طرفداری از فرشتگان ندارد. و مؤمن باید از هر عملي كه موجب ناخشنودي و اذيت و آزار فرشته مي­شود خودداری كند. در اين بخش توضيحاتي در اين زمینه تقديم مي گردد.

1- اذیّت نکردن فرشتگان

علماي اسلام به شدت ناسزاگویی و عيب گویی فرشتگان را محكوم كردند. علامه سيوطي رحمه الله به نقل از قاضی عياض، و او از سحنون مي گويد: هر كس فرشته اي را دشنام دهد، بايد كشته شود. اين حكم درباره­ي تمام فرشتگان يا آن فرشته هایی است كه فرشته بودن آنان براي ما آشکار باشد. يعني فرشته بودن آنان از قرآن و يا از حديث متواتر و مشهور و متفق عليه ثابت شده باشد، مانند جبرئيل، نگهبان بهشت، مالك و زبانيه مأمور جهنم، حاملان عرش، عزرائيل، ‌اسرافيل، رضوان، نگهبانان و نویسندگان اعمال انسان و منكر و نكير. اما این حکم شامل آنهایی كه حدیث، دلیل و اجماعی بر فرشته بودنشان نباشد، مانند هاروت و ماروت اين حكم مذكور شامل حالشان نمي­شود. سيوطي به نقل از قرافي مالكي مي­گويد: بر هر انسان مكلفي احترام پیامبران و فرشتگان ضروری است. هر كس با صراحت، كنايه و يا تعريض و اشاره، درباره ی حيثيت فرشتگان سخن بگويد، كافر مي شود. مثلاَ هر كس بگويد: فلاني از فرشته نگهبان دوزخ سنگ دل تراست، يا فلاني از منكر و نكير وحشتناك تر است، اگر اين سخن را بخاطر اثبات عيب و نقصِ وحشت و سنگدلي بگويد، كافر مي گردد.[[104]](#footnote-104)

2- پرهیز از گناه و نافرمانی خدا

آنچه که بیش از هر چیز موجب اذیت و آزار فرشته می شود، گناه، کفر و شرک است، از این رو بزرگترین هدیه به فرشتگان که آنها را خشنود و راضی می­کند این است که دین انسان خالصانه برای پروردگار باشد، و از هر آن چه که موجب خشم خداست بپرهیزد. از این رو فرشتگان به منزلی که گناه و نافرمانی خدا در آن باشد، یا چیزی در آن خانه باشد که خداوند نسبت به آن نفرت و خشم داشته باشد، مثل بُت، مجسمه و تصاویر ذی روح وارد نمی شوند. همچنین فرشتگان به کسانی که نافرمانی خدا را می کنند، مانند انسانهای مست نزدیک نمی شوند.

ابن کثیر گفته: «در حدیث صحیح که در کتابهای صحاح، مسانید و سنن تعدادی از صحابه روایت کرده اند آمده است که رسول خدا ص فرمود: «**لاَ تَدْخُلُ الْمَلاَئِكَةُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ وَلاَ جُنُبٌ وَلاَ كَلْبٌ**» یعنی: فرشتگان به خانه ای که تصویر، سگ و انسان جنب و ناپاک در آن باشد وارد نمی شوند.

در روايتي ديگر از حضرت علي كلمه ی «بول» نيز در حدیث اضافه شده است. يعني ادرار نيز مانع ورود فرشتگان است. در حديث مرفوعی رافع از ابوسعيد چنين روایت می کند: «**لاَ تَدْخُلُ الْمَلائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ ، وَلا صُورَةُ تَمَاثِيلَ**» یعنی: فرشتگان به خانه اي كه در آن سگ و مجسمه باشد، وارد نمي شوند. در روايتي ديگر از ابوهريره چنين نقل شده است: « **لاَ تَصْحَبُ الْمَلاَئِكَةُ رُفْقَةً** معهم **جَرَسٌ أَوْ كَلْبٌ** »[[105]](#footnote-105)

يعني: فرشتگان كارواني را كه سگ و زنگوله داشته باشند، همراهي نمي كنند.

بريده می گوید: رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان سه نفر نزديك نمي­شوند: كسي كه مست باشد، مردي كه با زعفران لباسهايش را رنگ كرده است، و شخص جنب و ناپاک.[[106]](#footnote-106)

از عمار ياسر م روايت است، که رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان به اين سه چيز نزديك نمي شوند: جسد كافر، كسي كه خلوق (نوعي عطر) را به لباسهايش زده باشد، مگر اينكه وضو بگیرد.[[107]](#footnote-107)

3- آنچه موجب اذیت و آزار انسانهاست فرشتگان را نيز اذیت مي­كند

از احاديث صحيح ثابت است كه آنچه انسانها را اذيت می كند، موجب اذيّت و آزار فرشتگان نيز مي­شود. از این رو فرشتگان از بوي بد، پلیدی ها و گندگي اذيت
مي شوند.

جابر بن عبدالله م می گوید: كه رسول خدا ص فرمود: «هر كس پياز، سير و تره بخورد به مساجد ما نيايد؛ زيرا از آنچه انسانها ناراحت و اذیت مي شوند، فرشتگان نیز احساس ناراحتي مي كنند».[[108]](#footnote-108)

تا جايي كه رسول خدا ص به شخصي كه به مسجد آمد و از او بوي سير يا پياز به مشام می­رسید دستور داد تا از مسجد بیرون شده و به بقیع برود.[[109]](#footnote-109)

4- منع از انداختن آب دهان به سمت راست در نماز

رسول خدا ص از انداختن آب دهان به سمت راست در حالت نماز نهي كرده؛ زيرا وقتي نماز­گزار براي اقامه­ي نماز بلند مي شود، فرشته ا­ي سمت راست او مي ايستد. ابوهريره روايت می کند كه پیامبر ص فرمود: «وقتی یکی از شما به نماز مي ايستد، آب دهانتان را به جلوي خود نيندازد؛ زيرا تا وقتی كه در حالت نماز هست، با خداوند مناجات و راز و نياز دارد، و به سمت راست خود نيز نیندازد، زيرا در سمت راست هر نماز­گزاري فرشته اي وجود دارد، اگر لازم باشد آب دهان را به سمت چپ يا زیر پا بيندازد، و بعد آن را دفن كند.[[110]](#footnote-110)

5- دوستي و محبت با تمام فرشتگان

بر هر مسلماناني لازم است با همه ی فرشتگان دوستی و محبت داشته باشد، و ميان آنان تبعیض و برتری قائل نباشد؛ زيرا همه آنان بندگان مطيع و فرمانبر خداوند هستند، و هرگز با هم اختلاف و تفرّقی ندارند و دستورهای خدا را به بهترین روش انجام
می دهند. يهوديان مدعي بودند كه ميان فرشتگان دوستان و دشمناني دارند. آنان جبرئیل را دشمن و ميكائيل را دوست خود مي دانستند. بنابراين خداوند متعال این ادعایشان را تكذيب كرد و فرمود كه فرشتگان با هم اختلاف ندارند آنجا که فرمود:

ﭽ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﭼ ]بقره:97-98[

یعنی: بگو: كسي كه دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن خداوند است) زيرا او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل كرده است (نه اين كه خودسرانه دست به چنين امري زده باشد). قرآني كه كتابهاي آسماني پيشين را تصديق مي‌كند، و هدايت و بشارت براي مؤمنان است. كسي كه دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئيل و ميكائيل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن كافران است.

خداوند در اين آيه و آيه هاي ديگر خبر داده كه فرشتگان منسجم و یکی هستند. هر كس با يكي از آنان دشمني بورزد، او در واقع با خداوند و همه ی فرشتگانش دشمن است. اما دوستي با بعضي از فرشتگان و دشمني با برخي ديگر، خرافه اي است كه جز انديشه ی منحرف يهودي كسي دیگر بدان قائل نيست. و اين كه قرآن از يهود نقل مي كند عذر و بهانه­اي واهي بيش نيست كه كفر و بي­ايماني خود را بدان توجيه نموده، و ادعا می­کردند كه جبرئيل دشمن آنان است، چون مایه ی جنگ و تخريب است و اگر ميكائيل نزد محمّد مي­آمد، سخنانش را مي پذيرفتيم.

### مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان

در مباحث گذشته پیرامون رابطه­ی فرشتگان با مؤمنان بحث شد، و تا حدودی موضع آنان در مقابل كفار روشن گرديد. بنابراين قطعاً فرشتگان كافران ستمكار و مجرم را دوست ندارند، بلكه نسبت به آنان عداوت و دشمني داشته و با آنها مي­جنگند، و دلهايشان را به لرزه در مي آورند، همانطور كه در جنگ بدر و احزاب اين حادثه اتفاق افتاد. اکنون به زوایای ديگري خواهيم پرداخت كه تاكنون بيان نشده، و توضيحات بيشتري درباره­ي موضع فرشتگان در قبال كفار بيان خواهد شد.

 1- آوردن عذاب بر كفّار

وقتي كه پیامبران الهي از جانب مردم تكذيب مي شدند، و قومشان بر تكذيب اصرار مي ورزیدند، اغلب اوقات خداوند بر آنها عذاب نازل می کرد، و بیشتر اوقات این عذاب را فرشتگان می آوردند.

2- نابود کردن قوم لوط

فرشتگاني كه مأموریت نابود كردن قوم لوط را بر عهده داشتند به شکل نوجوانانی زيبا آمدند و حضرت لوط ميزبان آنان بود. قوم لوط ابتدا از آمدن آنها خبر نداشتند، تا اینکه همسر لوط آنها را از آمدن فرشتگان مهمان با خبر كرد. بنابراین بلافاصله بعد از اين خبر به قصد عمل زشت، راهي خانه­ي حضرت لوط شدند، و حضرت لوط در صدد دفع آنها بر آمد، و با آنها به بحث و مجادله پرداخت، ولی نپذیرفتند. آنگاه جبرئیل با بالهایش آنها را زد و بینایی چشمانشان را از بین برد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁﰂ ﭼ ]هود:77-81[

یعنی: هنگامي كه فرستادگان ما (به صورت جواناني) پيش لوط درآمدند، لوط از آمدن آنان بسيار ناراحت گرديد و دانست كه قدرت دفاع از ايشان (در برابر قوم تباهكار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسيار سخت و دردناكي است. قوم لوط (از ورود اين جوانان زيبا روی آگاه شدند و) شتابان به سوي لوط آمدند. قومي كه (آلوده به گناه بودند و) پيش از آن (هم) اعمال زشت (لِواط) انجام مي‌دادند. لوط بديشان گفت: اي قوم من! (شرمتان باد! بر مهمانان من ببخشایيد و) اينها دختران من هستند و براي شما (از آميزش با ذكور) پاكيزه‌ترند (من حاضرم آنان را به عقد شما درآورم) پس از خدا بترسيد و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا مكنيد (و بديشان تعدّي و تجاوز ننمائيد). آيا در ميان شما مرد راهياب و راهنمائي، يافته نمي‌شود؟ گفتند: تو كه مي‌داني ما را به دختران تو نيازي نيست، و مي‌داني كه چه چيز مي‌خواهيم. فرشتگان بعد از اطّلاع از پريشاني لوط و اصرار بزهكاران، به لوط) گفتند: اي لوط! ما فرستادگان پروردگارت هستيم، (اين زشتكاران) دستشان به تو نمي‌رسد (و نمي‌توانند كوچكترين بلا و كمترين زياني به تو برسانند). اهل و عيال خود را در پاسي از شب بكوچان، و كسي از شما پشت سر خود را ننگرد (تا هول و هراس عذاب را نبيند و دچار شر و مصيبتي نشود) مگر همسر تو كه او مي‌ماند و به همان بلایي كه آنان بدان گرفتار مي‌گردند گرفتار مي‌شود. موعد (هلاك) ايشان صبح است. آيا صبح نزديك نيست‌؟.

ابن كثير مي گويد: آورده اند كه جبرئيل نزد آنان (قوم لوط) رفت و با پرهاي خود بر چهره و صورت آنان سيلي زد. چشم هاي آنان فرو رفتند بطوری که اثري از چشم ها باقي نماند....[[111]](#footnote-111)

 خداوند متعال هم مي­فرمايد:

ﭽ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﭼ ]قمر:37[

یعنی: و با لوط درباره مهمانانش سخن گفتند (و از او خواستند آنان را در اختيار ايشان براي انجام كار منافي عفت بگذارد ). ما چشمانشان را كور كرديم، (و بديشان گفتيم:) بچشيد عذاب و عقاب مرا، و بيم دادنها و بر حذر داشتنهاي مرا.

و در ابتدای صبح خداوند آنها را نابود کرد، همانگونه که می­فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭼ ]هود:82-83[

یعنی: هنگامي كه فرمان ما (مبني بر هلاك قوم لوط) فرا رسيد، آن (شهر و ديار) را زير و رو نموديم و آنجا را با گِلهاي متحجّر و پياپي سنگباران كرديم. سنگهایي كه از سوي پروردگار تو نشاندار (به نشان عذاب و بدون بازدارنده قرار داده شده) بودند. اين چنين سنگهایي از ستمكاران (ديگر هم) به دور نيست.

ابن کثیر در تفسیر این آیه به نقل از مجاهد می گوید: «جبرئیل قوم لوط را با زمین و خانه و گله ی حیوانات و هر چه داشتند بر روی بال سمت راستش حمل کرد، و آنقدر آنها را بالا برد که ساکنان آسمان­ صدای سگهایشان را می شنیدند، سپس همه شان را واژگون کرد». همچنین اقوالی نزدیک به همین معنی را ذکر کرده اند ولی در این زمینه حدیث صحیحی وجود ندارد.

3- نفرین كردن كفار

خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﭼ ]آل عمران:86-87[

یعنی: چگونه خداوند گروهي را رهنمون مي‌كند كه بعد از ايمانشان و پس از آن كه گواهي دادند به اين كه پيغمبر بر حق است و معجزات و دلایل روشني براي آنان (بر حقّانيّت محمّد) بيامد، كافر شدند؟ و خدا گروه ستمكاران را هدايت نخواهد كرد. اين چنين كساني، كيفرشان اين است كه نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همه، بر آنان باشد.

همچنین فرموده: ﭽ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ]بقره:161[

یعنی: كساني كه كفر ورزيدند و در حالي كه كافر بودند مردند (و با استمرار كفر و بدون توبه و پشيماني، از دنيا رفتند) نفرين خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود.

فرشتگان تنها كفار را نفرین نمي­كنند، بلكه كساني را كه مرتكب گناهان ویژه ای
مي شوند، نيز نفرين مي كنند.

جز کافران افرادی که مورد نفرین فرشتگان هستند:

1- زنی که از شوهرش اطاعت نكند

از ابوهريره روايت است، که رسول خدا ص فرمود: «هرگاه شوهر از زنش درخواست همبستري نمود و زن نافرماني كند، فرشتگان تا صبح آن زن را نفرين
مي­كنند». در روايتي ديگر آمده است: تا وقتی که به رختخوابش بر مي­گردد.[[112]](#footnote-112)

2- كسي كه در قبال برادرش چاقو بكشد

ابوهريره می گوید: ابو القاسم پيامبر ص فرمود: «هر كس با ابزار تيز و برنده (مانند كارد و چاقو به منظور تهديد) به برادرش اشاره كند فرشتگان او را نفرین
مي­كنند، حتّی اگر برادر پدری و مادری یکدیگر باشند.[[113]](#footnote-113)

 نفرين نمودن فرشته بیانگر حرام بودن اين کار است؛ زیرا موجب رُعب و وحشت برادرش می­گردد، و گاهی شیطان او را به طغیان واداشته که او را به قتل می رساند، بویژه اگر از اسلحه های مدرن جدید باشد که ممکن است با کمترین اشتباه و خطا خطرهای جبران ناپذیری به بار آورد، و موارد زیادی از این حوادث رخ داده اند.

3- كساني كه به یاران رسول خدا ص و ناسزا می گویند

در معجم طبراني از ابن عباس با سند حسن روايت شده که رسول خدا ص فرمود: «هر كس به اصحاب و ياران من ناسزا بگوید، نفرین خدا و فرشتگان و تمام انسانها بر او باد».

جای بسی شگفتی است که امروزه قوم هایی هستند كه ناسزاگویی اصحاب بزرگوار رسول الله ص را دین و عبادت می­دانند، و چنين مي­پندارند كه اين عمل (زشت) موجب نزدیک شدن به خداست، امّا پاداش آنان همان گفتار پیامبر ص است كه پاداش وحشتناكی است.

4- كساني كه مانع اجراي شريعت خداوند مي شوند

از ابن عباس روايت است كه رسول خدا ص فرمود: «هر كس مرتكب قتل عمد شد، بعنوان قصاص كشته مي شود، و هر كس مانع اجراي قصاص شود، نفرین خدا، فرشتگان و تمام انسانها بر وي باد». [[114]](#footnote-114)

بنابر این هر كس مانع اجراي حكم خداوند در مورد قصاص بوسيله ی مال، و توسل به مقام و قدرت باشد اين نفرین او را شامل مي شود. از این رو حال کسانی چطور خواهد بود که نه تنها مانع قصاص، بلکه مانع تمام احکام شریعت می شوند؟!

5- هر كس اهل بدعتي را پناه دهد

از جمله كساني كه مورد نفرین خدا هستند، بدعتگزارانی هستند که در دین خدا نوآوري بوجود می آورند. يعني از احكام و شريعت خدا تجاوز مي­كنند، یا بدعتگزاران را پناه داده، و از آنان حمايت و پشتیبانی می کنند. در حديث صحيح آمده است: «فَمَنْ أَحْدَثَ حَدَثًا أَوْ آوَى مُحْدِثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلاَئِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».[[115]](#footnote-115)

یعنی هر کس در دین بدعت و نوآوری بوجود آورد، یا بدعت­گذاری را پناه دهد، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد.

بدعت و نوآوری در مدينه عبارت است از ارتكاب جرم و جنايت. از علي بن ابي طالب روايت است كه رسول خدا ص فرمود: مدينه از فاصله ی عير تا ثور (عير و ثور دو كوه هستند كه مدينه در فاصله ی میان آنها قرار دارد) حرم است. هر كس در آن مرتكب جرم شود، يا اهل بدعتی را حمايت كند، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد، و خداوند در روز قيامت طاعت و فدیه ی او را نمي پذيرد.[[116]](#footnote-116)

دیدن فرشته

در میان انسانها جز رسول خدا ص کسی نمی­تواند فرشتگان را به شکل اصلی و حقیقی شان ببیند؛ زیرا خداوند چنین قدرتی را به دیگران نداده است. رسول خدا ص دو مرتبه جبرئیل را به شکل واقعی مشاهده کرده، همانگونه که بحث آن قبلاً گذشت، و انسان فرشته را زمانی می تواند ببیند که تغییر شکل داده باشد.

 كافران خواستار مشاهده و رؤیت فرشتگان شدند

كافران در راستاي بحث و جدال و شبهه پراکنی در مورد نبوّت رسول خدا ص خواستار رؤيت فرشتگان شدند. ولي خداوند خبر داد كه روزي فرشتگان را مي­بينند كه براي آنان روز نحسي خواهد بود؛ زيرا كافران زماني فرشتگان را مي­بينند كه عذاب را براي آنان مي آورند، يا زمانی که مرگ به سراغشان می آید، و پرده ها برداشته
مي شوند و حقيقت كشف مي­گردد، همانگونه که خداوند فرموده :

 ﭽ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭼ ]فرقان:21-22[

يعني: آنان كه اميدي به ملاقات ما (در روز رستاخيز نداشته و قيامت را قبول) ندارند مي‌گويند: چرا فرشتگان به پيش ما نمي‌آيند (تا بر راستی رسالت تو گواهي دهند؟) يا چرا پروردگار خود را نمي‌بينيم (تا خودش در برابرمان ظاهر و به ما بگويد كه او تو را فرستاده است‌؟) واقعاً آنان خويشتن را بزرگ پنداشته‌اند (و از حدّ خود بسي پا را فراتر) و در ظلم و طغيان سخت سركشي نموده‌اند. روزي فرشتگان را مي‌بينند که در آن روز مژده و نويدي براي بزهكاران در ميان نخواهد بود (و بلكه روزي است كه از ترس فرياد برمي‌آورند و) مي‌گويند: پناه! امان!

چرا پیامبران را از میان فرشتگان انتخاب نکرد

بدین جهت خداوند متعال پیامبران را از میان فرشتگان برنگزید که سرشت فرشتگان مخالف با سرشت انسانهاست، بنابراین ارتباط برقرار کردن انسان با فرشتگان کار آسانی نیست، از این رو هنگامی که فرشته­ی وحی به شکل واقعی خود نزد رسول خدا ص
می رفت، برای پیامبر ص بسیار سخت و مشقت بار بود، همانگونه که بحث آن قبلاً گذشت، و چون جبرئیل را دید وحشت زده شد و نزد همسرش برگشت و فرمود: جامه را بر سرم بکشید، جامه را بر سرم بکشید. پس اراده ی خداوند بر این بود که از جنس و نوع خودشان پیام آورشان را انتخاب کند، و در صورتی که ساکنان زمین فرشته بودند، قطعاً فرشتگان را به پیامبری بر می­گزید:

ﭽ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽﭼ ]اسراء:95[

یعنی: بگو: اگر در زمين (به جاي انسانها) فرشتگاني مستقرّ و در آن راه مي‌رفتند، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته‌اي را به عنوان پيغمبر به سويشان مي‌فرستاديم.

و به فرض اینکه فرشتگان را برای انسانها می فرستاد، آنها را به صورت خودشان
نمی فرستاد، بلکه به شکل و قیافه­ی انسان در می آورد، و همان لباسی بر آنها می پوشانید که انسان ها می پوشند، تا بتوانند از آنها برنامه ی خدا را فرا گیرند:

ﭽ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭼ ]انعام:8-9[

یعنی: مي‌گويند: چه مي‌شد اگر فرشته‌اي به پيش او بيايد (و در حضور ما بر نبوّت و راستی گفتارش گواهي دهد تا بدو ايمان بياوريم‌؟ بگو:) اگر فرشته‌اي به پيش او بفرستيم، كار از كار مي‌گذرد (و فرمان نابودی ايشان صادر مي‌گردد) و ديگر مهلت بديشان داده نمي‌شود.

خداوند متعال خبر داد که درخواست کافران مبنی بر دیدن فرشتگان از روی لجبازی و بهانه است، و خواهان هدایت نیستند، و حتی اگر خواسته ی آنها هم بر آورده شود ایمان نمی آورند، همانگونه که فرمود:

ﭽ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭼ ]انعام:111[

یعنی: اگر ما فرشتگاني را به پيش ايشان مي‌فرستاديم و مردگاني (را زنده مي‌كرديم و در برابر ديدگانشان سر از گورها بدر مي‌آوردند و درباره راستگویی محمّد) با ايشان سخن مي‌گفتند، و همه‌ چيز را آشكارا در برابر آنان گرد مي‌آورديم آنان ايمان نمي‌آوردند مگر اين كه خدا مي‌خواست ولي بيشتر آنان نمی دانند.

## فصل چهارم:فرشتگان و ساير مخلوقات

### سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی

در فصل گذشته رابطه ی فرشتگان با انسانها مورد بررسی قرار گرفت. تمام وظايف موکول شده به فرشتگان موارد مذکور نیستند؛ زيرا فرشتگان در امور گوناگون جهان هستی انجام وظیفه می کنند كه برخي از آنها را مي بينيم و برخي ديگر را نمي بينيم.

اینک به ذکر برخي از اين وظايف در پرتو آیات و روایات، اشاره مي شود:

1- فرشتگان حامل عرش

عرش بزرگترين مخلوق خداوند است كه آسمانها را احاطه کرده و بالاتر از همه قرار دارد. خداوند بر روي عرش قرار دارد، و هشت نفر از فرشتگان حاملان عرش هستند: ﭽ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﭼ ]الحاقه:17[

یعنی: و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر مي‌دارند.

 2- فرشته­ي موكّل به امور كوه ها

تعدادی از فرشتگان مأمور كوهها هستند. خداوند فرشته­ي كوه­ها را به منظور نظر خواهي از رسول خدا ص پیرامون نابودی ساکنان مكه نزد ایشان فرستاد.

عائشه ب می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! آیا روزی سخت­تر از روز اُحد بر تو گذشته است؟ فرمود:

 «**لَقَدْ لَقِيتُ مِنْ قَوْمِكِ وَكَانَ أَشَدَّ مَا لَقِيتُ مِنْهُمْ يَوْمَ الْعَقَبَةِ إِذْ عَرَضْتُ نَفْسِى عَلَى ابْنِ عَبْدِ يَالِيلَ بْنِ عَبْدِ كُلاَلٍ فَلَمْ يُجِبْنِى إِلَى مَا أَرَدْتُ فَانْطَلَقْتُ وَأَنَا مَهْمُومٌ عَلَى وَجْهِى فَلَمْ أَسْتَفِقْ إِلاَّ بِقَرْنِ الثَّعَالِبِ فَرَفَعْتُ رَأْسِى فَإِذَا أَنَا بِسَحَابَةٍ قَدْ أَظَلَّتْنِى فَنَظَرْتُ فَإِذَا فِيهَا جِبْرِيلُ فَنَادَانِى فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَمَا رَدُّوا عَلَيْكَ وَقَدْ بَعَثَ إِلَيْكَ مَلَكَ الْجِبَالِ لِتَأْمُرَهُ بِمَا شِئْتَ فِيهِمْ قَالَ فَنَادَانِى مَلَكُ الْجِبَالِ وَسَلَّمَ عَلَىَّ. ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَأَنَا مَلَكُ الْجِبَالِ وَقَدْ بَعَثَنِى رَبُّكَ إِلَيْكَ لِتَأْمُرَنِى بِأَمْرِكَ فَمَا شِئْتَ إِنْ شِئْتَ أَنْ أُطْبِقَ عَلَيْهِمُ الأَخْشَبَيْنِ[[117]](#footnote-117)». فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « بَلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَصْلاَبِهِمْ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ لاَ يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا».**[[118]](#footnote-118)

یعنی: ای عایشه! آزار و شکنجه­ی زيادي از قوم تو به من رسيده كه سخت­ترين آنها روز عقبه (جايي در منی) بود. روزي كه نزد ابن عبد ياليل بن عبد كلال رفتم و
در خواست پناهندگی کردم، ولي به خواسته ام پاسخ مثبت نداد. غمگین و پریشان به راهم ادامه دادم، و زمانی متوجه شدم که در «قرن ثعالب»[[119]](#footnote-119) رسیدم. سر بلند كردم. ابري دیدم که بر من سايه افکنده است. نگاه كردم جبرئيل را در آن دیدم. جبرئيل مرا صدا كرد و گفت: خداوند پاسخ قوم تو را شنيد، و اكنون فرشته­ي كوه ها را فرستاده است تا هرطور می خواهی در مورد آن قوم درخواست عذاب و انتقام از خدا کنی. سپس فرشته­ي كوه­ها مرا صدا كرد و به من سلام گفت، سپس اظهار داشت: اي محمد! خداوند پاسخ قوم تو را شنيد و من فرشته­ي كوه­ها هستم. خداوند مرا فرستاده تا اگر بخواهی این دو کوه مکه را بر سرشان فرو ریزم. رسول خدا ص فرمود: خواهان نابودی آنان نیستم، بلكه اميدوارم خداوند از پشت آنان فرزنداني بدنیا آورد که بدون شریک قرار دادن برای خدا تنها او را عبادت كنند.

3- فرشتگان موكَّل به باران، گياهان و ارزاق

ابن كثير مي گويد: ميكائيل مأمور باران و گياهاني است كه روزی اين دنيا از آنها تامين مي­شود، و دستیار و کارگزارانی دارد که از دستور وي اطاعت مي­كنند و بادها و ابرها را به هر سو كه خداوند بخواهد مي­گردانند و تغییر مسیر می دهند.[[120]](#footnote-120)

اين را هم روايت كرده ایم که هر قطره بارانی از آسمان فرود می آید فرشته ای همراه دارد که آن را در محلش بر زمین مستقر می­گرداند.

بعضي از فرشتگان مأمور ابرها هستند. از ابن عباس روايت شده است كه رسول خدا ص فرمود: «**الرعد ملكٌ من الملائكةِ وُكِلَ بالسَّحابِ معهُ مخَارِيق من نَارِ يسُوقُ بِهَا السَّحابَ حيثُ شَاء اللهُ**» یعنی رعد فرشته اي است كه امور ابرها را بر عهده دارد و پارچه ای از آتش با اوست که ابرها را هر جا كه خداوند بخواهد سوق می دهد.[[121]](#footnote-121)

بنابر این گاهی سرزمینی یا شهری را آبیاری می کند و در کنار آن سرزمین دیگری خشک و بی آب باقی مي­ماند.

گاهي اين فرشته مأموريت مي يابد كه از ميان زمين های گوناگون تنها به یک زمین آب بدهد. همانگونه كه در حديثی از ابوهريره روايت شده است كه رسول خدا ص فرمود: شخصي در بيابان، از ميان ابر صدايي شنيد كه گفت: «باغ و زمين فلاني را آبياري كن». آن شخص ديد كه بلافاصله ابر از جاي خود تكان خورد و آبش را در يك ميدان ريخت و جويباري آب را به زمين و مزرعه شخصي كه نامش را در صدای غيبي شنيده شده بود، برد، و تمام اين آب در آن جويبار بسوي مزرعه­ي مورد نظر سرازير شد. اين شخص آب را دنبال كرد، و چون به مزرعه رسيد مردي را مشاهده کرد که مشغول آبياري است. از او پرسيد: اي بنده­ي خدا! اسم تو چيست؟ مرد كشاورز همان اسمي را كه او از ابرها شنیده بود، نام برد. گفت: اسم تو را شنيده بودم و صداي غيبي مي گفت: مزرعه­ ­ي فلاني را آبياري كن. باران باريد و اين همان آبی است كه مزرعه­ات را با آن آبياري مي كني. تو با محصول اين مزرعه چه مي كني؟ مرد كشاورز گفت: اكنون كه تو اين را گفتي ناچارم تو را پاسخ دهم. من يك سوم محصول را صدقه
مي­دهم، و يك سومش را براي خود و خانواده ام خرج می­کنم، و يك سوم ديگر را در خود مزرعه و زمين هزينه مي­كنم.[[122]](#footnote-122)

بهر حال فرشتگان مأمور امور زمين و آسمانها هستند، و هر حركتي كه در جهان هستي بوجود آید، منشأ آن فرشتگان هستند. همانطور كه خداوند مي فرمايد:

ﭽ ﮮ ﮯ ﭼ ]نازعات:4-5[

يعني: و سوگند به همه چيزهایي كه (با ويژگيهائي كه بدانها داده شده است) به اداره امور مي‌پردازند! و فرمود: ﭽ ﯭ ﯮ ﭼ یعنی: و سوگند به فرشتگاني كه كارها را (ميان خود برابر فرمان يزدان) تقسيم كرده‌اند!.

تكذیب کنندگان نبوت و منكران خالق هستي مي­گويند: همه ی اين امور توسط ستارگان انجام مي گيرند. ولي مدير و گرداننده ی همه ی اين امور خداوند است که آن را توسط فرشتگان اجرا مي كند. همانطور كه در قرآن مي فرمايد:

ﭽ ﮑ ﮒ ﮔ ﮕ ﮗ ﮘ ﮚ ﮛ ﮝ ﮞ ﭼ ]مرسلات:1-5[

و مي­فرمايد: ﭽ ﮢ ﮣ ﮥ ﮦ ﮨ ﮩ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﭼ ]نازعات:1-5[

و مي­فرمايد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭔ ﭕ ﭗ ﭘ ﭼ]صافّات:1-3[

تمام اين آيه هاي قرآن در مورد گردانندگان امور زمين و آسمانها توسط فرشتگان، سخن مي گويند.

## فصل پنجم:مفاضله و برتري ميان فرشته و انسان

### اختلاف نظر در اين موضوع ديرينه است

ابن كثير مي­گويد: مردم در مورد برتری فرشتگان بر انسانها اختلاف نظر دارند، و ديدگاه­هاي گوناگونی در این باره نقل شده است، و بیشترین مسئله در کتابهای متکلمان مطرح شده، و اختلاف نظر با معتزله و پیروان آنهاست[[123]](#footnote-123).

قديمي­ترين ديدگاه در اين موضوع، آن است كه حافظ ابن عساكر در تاريخ خود در شرح زندگانی عمرو بن سعيد بن عاص نقل كرده، آنجا كه مي­گوید: عمرو بن سعيد بن عاص در مجلس عمر بن عبدالعزيز حاضر شد در حالی که تعدادی از مردم حضور داشتند. عمر بن عبدالعزيز گفت: هيچ انسانی نزد خداوند گرامي­تر از انسان مؤمن و نیکوکار نیست و از اين آیه استدلال نمود كه مي فرمايد: ﭽ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﭼ ]بينا:7[

یعنی: همانا كساني كه مؤمن اند و كارهاي شايسته انجام می دهند، بهترین انسانها هستند.

امیّه بن عمرو بن سعید نیز با نظریه ی عمر بن عبدالعزیز موافق بود، عراك بن مالك مي گويد: هيچ كسي نزد خداوند از فرشتگان گرامي­تر نيست. فرشتگان خادمان هر دو جهان و پيام آوران پروردگار بسوی پیامبران هستند. و ایشان براي ادعاي خود به اين آيه استدلال نمود: ﭽ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﭼ ]اعراف:20[

يعني: ابليس گفت: پروردگارتان شما را از اين درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر كه (اگر از اين درخت بخوريد) دو فرشته مي‌شويد، و يا اين كه (جاودانه مي‌گرديد و) از زمره ی ساکنان همیشگی بهشت خواهيد شد.

عمر بن عبدالعزيز به محمد بن كعب قرظی گفت: اي ابا حمزه! نظر تو چیست؟ گفت: خداوند آدم را گرامي داشته است، و با دست خود او را آفريده، و از روح خود در آن دميده، و به فرشتگان را دستور داده تا او را سجده كنند، و از فرزندان او پيامبران را برگزيده است. و از ميان انسانها كساني هستند كه فرشتگان به زيارت آنان مي روند.

 محمد بن کعب با عمر بن عبدالعزيز در این موضوع موافق و به دلایل دیگری غیر از دلایل او استناد كرد.

آنچه كه ابن كثير از عمر بن عبدالعزيز و جلساتش پیرامون این موضوع بيان نموده است، بیانگر خطا و اشتباه تاج الدين فرازي است که مي­گويد: اين موضوع (برتری آدم بر فرشتگان) از بدعتهای علم كلام است که علماي صدر اول اسلام و بعد از آن در اين باره سخني نگفته اند.[[124]](#footnote-124)

اين ديدگاه فرازي درست نیست؛ زيرا در صدر اول اسلام، حتي در دوران صحابه نيز در اين باره سخن به میان آمده است. عبدالله بن سلام مي گويد: خداوند هيچ كس و هيچ مخلوقي را گرامي­تر از محمّد ص نيافريده است. پرسیده شد: حتي جبرئيل و ميكائيل؟ در پاسخ خطاب به سؤال کننده فرمود: «أتدري ما جبرئيل و ميكائيل؟» آيا جبرئيل و ميكائيل چه كساني هستند؟ آنها از جمله مخلوقاتي هستند كه مانند خورشید و ماه مسخرند، و خداوند هيچ مخلوقي را گرامي­تر از محمّد نيافريده است. [[125]](#footnote-125)

### ديدگاه‌هاي مختلف در خصوص مساله مذكور

شارح عقيده ی طحاويه مي گويد: عقيده اهل سنّت اين است كه تنها انسانهاي نیکوکار و پیامبران بر فرشتگان برتراند. معتزله فرشتگان را برتر از انسان مي­دانند، و اشعری ها دو ديدگاه متفاوت دارند: بعضي پیامبران و اوليا را برتر از فرشتگان مي­دانند، و برخي ديگر سکوت و توقف نموده و نظریه قطعي ارائه نمي دهند. البته از برخي برتر بودن فرشتگان نقل شده است، و همين نظریه از برخي ديگر از اهل سنّت و صوفيه نقل شده است.

شيعه مي گويد: تمام امامان از همه ی فرشتگان برترند.

هيچ یک از كساني كه گفتارشان معتبر است، اظهار نظر نکرده اند که فرشتگان بر برخی از پیامبران برتری دارند. گفته شده كه امام ابوحنيفه در اين موضوع توقف نموده، و شارح عقيده طحاويه اين نظریه را ترجيح داده است.[[126]](#footnote-126)

سفاريني نقل کرده که امام احمد رحمه الله گفته است: كسی که فرشتگان را برتري داده، مرتكب خطا و اشتباه شده، و هر مؤمني برتر از فرشته است.[[127]](#footnote-127)

### سرچشمه‌ی اختلاف

در بحث برتري انسان بر فرشته، منظور كفار و منافقان نیستند. زيرا آنان بطور یقین از چهارپایان گمراه تر هستند، آنجا که می فرماید:

ﭽ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭﭮ ﭼ ]اعراف:179[

همچنین منظور برتري حقيقت انسان بر حقيقت فرشتگان نيست، بلكه مقايسه ميان برتري انسانهاي پاك با فرشتگان است. اگر چه بعضي گفته اند: فرشتگان از ساير مؤمنان برترند، ولی مورد اختلاف برتري ميان پیامبران و ميان فرشتگان است.

### دلايل كساني كه معتقدند انسانهاي نیکوکار برتر از فرشتگان هستند

پس از آنكه اختلاف مورد نظر را مشخص نموديم، اكنون دلیل كساني را بيان مي­كنيم كه انسانهاي پاك و شايسته را بر فرشتگان برتري مي­دهند.

1ـ خداوند به فرشتگان دستور داد تا آدم را سجده كنند. اگر خداوند آدم را برتر نمی نمود، به فرشتگان دستور نمی داد تا آدم را سجده کنند.

آنجا كه فرمود:

ﭽ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﭼ ]بقره:34[

یعنی: و هنگامي (را يادآوري كن) كه به فرشتگان گفتيم: آدم را سجده کنید همگي سجده بردند جز ابليس كه سر باز زد و تكبّر ورزيد.

برخی هم در ردّ اين دليل مي­گويند: سجده­ي فرشتگان براي خداوند بود، و آدم تنها قبله­ي فرشتگان بود. ولي اين استدلال اشتباه است؛ زيرا اگر چنين مي بود، می گفت: «اُسجدوا الي آدم» یعنی: بسوي آدم سجده کنید و نمي فرمود: (ﮩ ﮪ ).

اگر منظور از ذكر آدم فقط قبله می بود، شيطان از سجده كردن خودداري نمي كرد و گمان نمی برد که از آدم بهتر است. زيرا قبله از سنگ است، و سنگ را قبله قرار دادن، به معناي برتري آن بر سجده كنندگان نيست.

البته سجده­ي فرشتگان براي آدم، در واقع عبادت و فرمانبرداری از خدا، و موجب نزدیکی بسوي او بود، همچنین بیان عظمت و كرامت آدم بود.

در هيچ روایتی نیامده كه آدم فرشتگان را سجده كرده باشد، بلكه به آدم و فرزندانش دستور داده شده تا فقط خداوند را سجده کنید؛ زيرا خدا می­داند که آنان شرافتمندترین مخلوقات بودند و نیکوترین فرزندان آدم هستند و جز پروردگار كسي ديگر برتر از فرزندان آدم نيست كه سجده شود.

2ـ در قرآن مجید به نقل از ابليس آمده است:

 ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﭼ ]اسراء:62[

یعنی: شيطان گفت: به من بگو آيا اين همان كسي است كه او را بر من گرامي داشته‌اي؟!

اين آيه به صراحت حكايت از برتري آدم بر ابليس دارد.

3ـ خداوند آدم را با دست خود ، و فرشتگان را با حكمش آفرید.

4ـ خداوند خطاب به فرشتگان فرمود: ]بقره:30[

يعني: من در زمين جانشيني بيافرينم. از این رو جانشين بر كسي كه خليفه نيست برتري دارد، و فرشتگان متقاضي شدند كه خلافت در میان آنان و خليفه از آنان باشد. زيرا مي گفتند:

 ﭽ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭼ یعنی: آيا در زمين كسي را به وجود مي‌آوري كه فساد و تباهی مي‌كند و خونها خواهد ريخت، و حال آن كه ما (پيوسته) به حمد و ستايش و طاعت و عبادت تو مشغوليم؟.

بنابراین اگر خلافت رتبه ي والاتر از رتبه­ي فرشتگان نمي بود، آنان هرگز متقاضي آن نشده و به مقام و منزلت آدم رشک نمي بردند.

5ـ برتري انسان بر فرشتگان بوسيله ی علم است، وقتي كه خداوند نام اشياء را از فرشتگان پرسید و جواب ندادند، بلكه اعتراف كردند كه خوب نمي دانند، سپس آدم نامها را به فرشتگان خبر داد.

خداوند مي فرمايد:

 ﭽ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺﯻ ﭼ ]زمر:9[

آيا كساني كه مي‌دانند، با كساني كه نمي‌دانند، برابر و يكسانند؟!

6 ـ یکی از دلایل برتري آدم بر فرشتگان اين است كه اطاعت نمودن انسان بسیار مشكل­تر است از اطاعتي كه فرشتگان براي خداوند انجام مي دهند؛ زيرا سرشت بشر همواره توأم با غرايزي همچون شهوت، حرص و آز، خشم و هوسهاي نفساني آفريده شده است، ولي فرشتگان از چنين غرايزي پاك هستند.

7ـ علمای سلف احادیثی که بیانگر برتري آدم بر فرشتگان هستند را در مجامع و محافل عمومی بيان كرده اند، و اگر برتري آدم موضوع ناپسند و منكری مي بود، آن را رد مي­كردند، و این رد نکردن دلالت بر اعتقاد آنان است.

8 ـ مباهات خداوند به وجود بندگان در حضور فرشتگانش. آري، هرگاه بندگان انجام وظيفه مي كنند، و نمازهای واجب را برپا می دارند، خداوند به وجود آنان در برابر فرشتگان مباهات مي كند. در مسند امام احمد و سنن ابن ماجه از عبدالله بن عمرو روايت شده است، که پیامبر خدا ص فرمود:

«**أَبْشِرُوا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ هَذَا رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَتَحَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَدَّوْا فَرِيضَةً وَهُمْ يَنْتَظِرُونَ أُخْرَى**»[[128]](#footnote-128) یعنی: اي جماعت مسلمانان! مژده باد، اين پروردگار است كه دري از درهاي آسمان را گشوده و به وجود شما در برابر فرشتگان مباهات مي كند و مي فرمايد: اي فرشتگان! به بندگان من نگاه كنيد، آنان يك فرض را انجام داده و منتظر فرض ديگري هستند.

ابوهريره می­گوید: رسول خدا ص فرمود: خداوند به وجود زائران ميدان عرفات (روز عرفه) در مقابل ساکنان آسمانها فخر ورزیده و خطاب به آنان مي فرمايد: به اين بندگانم بنگرید، آنها ژولیده­مو و خاك آلود به پیشگاه من آمده اند.[[129]](#footnote-129)

### دلايل كساني كه معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند

1ـ به اين حديث قدسی استدلال کرده اند: «**فَإِنْ ذَكَرَنِى فِى نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِى نَفْسِى وَفی ذَكَرَنِى فِى مَلإٍ ذَكَرْتُهُ فِى مَلإٍ خَيْرٍ مِنْه**» يعني: هركس مرا نزد خود یاد کند، من هم او را نزد خود یاد می­کنم، و هرکس مرا در جمع یاد کند، من در میان جمع بهتری از او یاد
می­کنم.

2ـ استدلال دوم آنان این است که در سرشت انسان نقص و کوتاهی و لغزش و بيهوده­گویي وجود دارد، در حالی که فرشتگان از این امور پاك هستند.

3ـ خداوند مي­فرمايد: ﭽ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﭼ ]انعام:50[

یعنی: من به شما نمي‌گويم كه من فرشته‌ام.

اين آيه بیانگر برتري فرشتگان بر انسانهاست.

### تحقيق و بررسی

بهترین دیدگاه در اين موضوع، نظریه علامه ابن تيميه رحمه الله است که
می گوید: «بندگان نیکوکار از نظر سرانجام و عاقبت خوب، برتر هستند، و اين زماني است كه بندگان صالح وارد بهشت شوند و به قُرب و جايگاه والایی نائل گردند؛ و در بالاترین منازل بهشت سكونت يابند، و خداوند به آنان سلام و خوش آمد گفته، و آنها را بیشتر به خود نزدیک نماید، و از ديدار سيماي با عظمت و زيباي خداوند لذت ببرند، و فرشتگان به فرمان خداوند در خدمت آنان باشند.

ولي از نظر آنان فرشتگان بر انسانها برتری دارند؛ زيرا فرشتگان اكنون در آسمانها هستند، و از آلودگي­هايي كه انسانها بدان مبتلا هستند پاك و منزه اند، و همواره به عبادت پروردگار مشغولند، و اين احوال فرشتگان اكنون از حالتهای انسان كامل تر و برتر است.

ابن قيم جوزي رحمه الله مي گويد: راز برتري با اين تفاصيل آشکار مي گردد، و دلایل هر دو گروه صحیح است و هر دو گروه با دلایلی که دارند بر حق هستند.[[130]](#footnote-130) (والله اعلم بالصواب) و خداوند به حقیقت و درستی داناتراست.

## فهرست منابع

1. ابن قیم، اغاثة اللهفان.
2. ابن کثیر، البدایة و النهایة.
3. فیروز آبادی، بصائر ذوی التمییز.
4. آلبانی، ناصرالدین، تخریج أحادیث فضائل الشام.
5. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر.
6. ولی الله دهلوی، حجة الله البالغة.
7. شرح العقیدة الطحاویة.
8. آلبانی، ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الصحیحة.
9. آلبانی، ناصر الدین، صحیح الجامع الصغیر.
10. اشقر، عمر سلیمان، العقیدة فی الله.
11. السفارینی، لوامع الانوار البهیة (عقیدة السفارینی).
12. ابن تیمیة، مجموعه فتاوی. (جمع آوری ابن قاسم).
13. شیخ حافظ الحکمی، معارج القبول.
1. - صحيح مسلم (4/2294). برخی عالم نماها این حدیث و امثال آن را به بهانه­ی اینکه با حدیث آحاد عقیده ثابت نمی شود، مردود می دانند ولی این موضوع را در رساله­ی (أصل الاعتقاد) به این شبهه پاسخ داده ام. [↑](#footnote-ref-1)
2. - به سلسلة الأحاديث الصحيحة (1/197) مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-2)
3. 1- الحجة الله البالغة ص (33) [↑](#footnote-ref-3)
4. - (البدایة و النهایة 1/47) [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحيح مسلم(1/159). و شماره حديث(177) [↑](#footnote-ref-5)
6. - سنن ابي داود (3/895). شماره (9353) [↑](#footnote-ref-6)
7. - مشكاة المصابيح (3/121). سلسله احاديث الصحيحة. شماره (151) [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحيح الجامع الصغير، چاپ سوم (1/208) به شماره (853) [↑](#footnote-ref-8)
9. - صحيح مسلم (1/153) شماره (167) [↑](#footnote-ref-9)
10. - بخاري (7/312) شماره (3992) [↑](#footnote-ref-10)
11. - از این رو لازم است که فرد مسلمان از گفتن هر مقوله ای بدون علم و آگاهی بر حذر باشد، و به کسانی که ادعا می کنند که اصل انسان میمون یا چیز دیگری بوده همین سخن گفته می شود: أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ: آيا ايشان به هنگام آفرينش حضور داشته‌اند و خِلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟ [↑](#footnote-ref-11)
12. - الحبائك في أخبار الملائك (ص 264) [↑](#footnote-ref-12)
13. - بخاري (6/103) شماره (2207). مسلم (1/146) شماره (162) [↑](#footnote-ref-13)
14. - مسلم (4/84) شماره (2842) [↑](#footnote-ref-14)
15. - البداية النهاية (1/53) [↑](#footnote-ref-15)
16. - البدايه و النهايه (1/50) [↑](#footnote-ref-16)
17. - بخاري (ش.4937) [↑](#footnote-ref-17)
18. - مسلم(4/1866) شماره (2401) [↑](#footnote-ref-18)
19. - البداية النهاية (1/43) [↑](#footnote-ref-19)
20. - مسلم (1/37) شماره (8) [↑](#footnote-ref-20)
21. - احمد در مسند ابن سعد در طبقات. [↑](#footnote-ref-21)
22. - الحبائك في أخبار الملائك (ص :261) [↑](#footnote-ref-22)
23. - آنچه كه گناهان را از بين مي برد. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مسلم (2/322) شماره (430) [↑](#footnote-ref-24)
25. - مسلم (1/188) شماره (197) [↑](#footnote-ref-25)
26. - لوامع انوار البهيه (2/409) [↑](#footnote-ref-26)
27. - صحیح مسلم (4/2093) شماره (2731) [↑](#footnote-ref-27)
28. - مسلم (1/322) شماره(430) [↑](#footnote-ref-28)
29. - آلباني این حدیث را بنا بر شرط صحت نزد امام مسلم صحیح دانسته. (سلسله صحیحه، شماره 852) [↑](#footnote-ref-29)
30. - بخاري (6/103) شماره (2207) مسلم (1/146) شماره(162) [↑](#footnote-ref-30)
31. - ابن حجر: فتح الباري(6/308) [↑](#footnote-ref-31)
32. - لجامع(5/206) [↑](#footnote-ref-32)
33. - (ابن جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم روایت کرده اند، و این لفظ ابن ابی حاتم است). [↑](#footnote-ref-33)
34. - (صحیح الجامع:5/206). [↑](#footnote-ref-34)
35. - بخاري (11/3) شماره (6227) مسلم (4/2184) شماره (2841) [↑](#footnote-ref-35)
36. - صحيح الجامع (5/48) [↑](#footnote-ref-36)
37. - بيهقي و حاكم. [↑](#footnote-ref-37)
38. - صحيح مسلم (4/2037 شماره (2645) [↑](#footnote-ref-38)
39. - بخاري (6/303) شماره (3208) مسلم (4/3036) شماره (2643) [↑](#footnote-ref-39)
40. - بخاري (11/477) شماره (6595) و صحيح مسلم (4/2038) شماره(2646) [↑](#footnote-ref-40)
41. - البدايه و النهايه (1/54) [↑](#footnote-ref-41)
42. - صحیح مسلم (1/554) شماره (806) [↑](#footnote-ref-42)
43. - صحيح الجامع(1/80) [↑](#footnote-ref-43)
44. - مسند احمد (5/391) و صحيح سنن نسائي (3/266) شماره (2975) [↑](#footnote-ref-44)
45. - چیزی که ما در اینجا گفتیم مبنی بر اینکه فرشتگان سفیران خدا بسوی مردم، و حامل سروش به پیامبرانند، از معنای لغوی واژه ی ملک روشن است؛ چون اصل ملک ألَک و مالکه است، و مألک بمعنی رسالت است، و ملائک از آن اشتقاق یافته اند، چون پیامبر خدا هستند، بعضی هم گفته اند: (ل أ ک) اشتقاق یافته و ملأکه رسالت است، و ملأک هم همان ملک هست؛ چون فرمان خداوند را ابلاغ می کند، و هرکدام از فرشتگان که متولی اموری سیاسی باشد مَلَک نامیده می شود، و از میان بشر مَلِک نامیده می شود. (بصائر ذوی التمیز 4/524) [↑](#footnote-ref-45)
46. - صحیح بخاری (1/18) شماره(2) [↑](#footnote-ref-46)
47. - بخاري(1/27) شماره(4) [↑](#footnote-ref-47)
48. - بخاري(1/30) شماره (6) [↑](#footnote-ref-48)
49. - بخاری (6/305) شماره (3221) نسایی (1/108) شماره (480) [↑](#footnote-ref-49)
50. - صحيح سنن ابي داود (1/79) شماره (337) [↑](#footnote-ref-50)
51. - مسلم (4/1718) شماره (2186) [↑](#footnote-ref-51)
52. - صحیح مسلم (4/2168) شماره (2814) [↑](#footnote-ref-52)
53. - محقّق کتاب «الوابل الصیّب» در تعلیقش بر این حدیث گفته: «ابن حبّان این روایت را با معنی نقل کرده، به شماره 2362 موارد» امام حاکم آن را در «1/548» روایت کرده، و آن را صحیح دانسته، و امام ذهبی با او موافق است، و رجال آن ثقه است. همچنین هیثمی در مجمع الزوائد (10/120) آن را نقل کرده، و گفته: ابویعلی آن را روایت کرده، و رجال آن رجال صحیح است جز ابراهیم شامی که ثقه است.

 (من (نویسنده) هم می گویم: نام این راوی ابراهیم بن حجّاج شامی با سین بی نقطه درست است نه شامی. [↑](#footnote-ref-53)
54. - ترمذی ، نسایی و ابن ماجه روایت کرده و ترمذی گفته: حسن و صحیح است. [↑](#footnote-ref-54)
55. - بخاري (11/380) شماره (6478). [↑](#footnote-ref-55)
56. - مسلم(1/117) شماره(128) [↑](#footnote-ref-56)
57. - مسلم(1/117) شماره (129) و بخاري (13/465) شماره ( 7501) [↑](#footnote-ref-57)
58. - بخاري (3/304) شماره (1442). مسلم (7002) شماره (1010) [↑](#footnote-ref-58)
59. - بخاري (6/500) شماره (3464). مسلم (4/2275) شماره (2964) [↑](#footnote-ref-59)
60. - صحیح بخاری (6/303) شماره (3209)، صحیح مسلم (4/2030) شماره (2637) [↑](#footnote-ref-60)
61. - بخاري (9/339) شماره (5224) [↑](#footnote-ref-61)
62. - صحيح بخاري (6/304) [↑](#footnote-ref-62)
63. - ترمذي (2/343) شماره (2161). و صحيح الجامع (2/133) [↑](#footnote-ref-63)
64. - مسلم (1/459) شماره (649). [↑](#footnote-ref-64)
65. - سنن ابي داود (1/130) شماره (618). [↑](#footnote-ref-65)
66. - صحیح الجامع (6/21) [↑](#footnote-ref-66)
67. - سنن ابن ماجه (1/164) شماره (814) [↑](#footnote-ref-67)
68. - صحیح الجامع (2/135) [↑](#footnote-ref-68)
69. - صحيح الجامع (5/174) [↑](#footnote-ref-69)
70. - ابي داود (2/598) شماره (2645). صحيح الجامع (5/159) [↑](#footnote-ref-70)
71. - صحيح مسلم (4/2094) شماره (2733.) و سنن ابن ماجه (2/149) شماره (2340) [↑](#footnote-ref-71)
72. - مسلم (2/634) شماره (920) [↑](#footnote-ref-72)
73. - بخاري (11/208) شماره (6408) و مسلم (4/2069) شماره (2689). [↑](#footnote-ref-73)
74. - صحیح مسلم (4/2074) شماره (2699) [↑](#footnote-ref-74)
75. - ترمذی (2/342) شماره (2159) [↑](#footnote-ref-75)
76. - صحيح مسلم (4/2106) شماره (2750. صحیح الجامع :5/59 [↑](#footnote-ref-76)
77. - صحیح الجامع (5/60) [↑](#footnote-ref-77)
78. - مشكاة المصابيح (1/436) شماره (1384) [↑](#footnote-ref-78)
79. - بخاري (6/306) شماره (3223). مسلم (1/439) شماره (632) [↑](#footnote-ref-79)
80. - صحیح مسلم (1/162) شماره (179) [↑](#footnote-ref-80)
81. - صحیح بخاری (9/63) شماره (5018)، صحیح مسلم (1/548) شماره (796) [↑](#footnote-ref-81)
82. - صحيح مسلم (1/548) شماره (796) [↑](#footnote-ref-82)
83. - مشكوة المصابيح (1/291) شماره (924) [↑](#footnote-ref-83)
84. - صحيح مسلم (4/1988) شماره (2567) [↑](#footnote-ref-84)
85. - بخاري (7/133) شماره (3820). مسلم (1/1887) شماره (232) [↑](#footnote-ref-85)
86. - بخاري (3/6) شماره (1121). و مسلم (1927) شماره (2479) [↑](#footnote-ref-86)
87. - بخاري (9/180) شماره (1525) [↑](#footnote-ref-87)
88. - صحيح بخاري (7/312) شماره (3995) [↑](#footnote-ref-88)
89. - صحيح مسلم (3/1384) شماره (1763) [↑](#footnote-ref-89)
90. - بخاري (7/407) شماره (4117). مسلم (3/1389) شماره (1769) [↑](#footnote-ref-90)
91. - بخاری (7/407) شماره (4118) [↑](#footnote-ref-91)
92. - صحيح مسلم )4/2154( شماره )2797(. [↑](#footnote-ref-92)
93. - بخاري (6/397) شماره (3364) [↑](#footnote-ref-93)
94. - صحيح الجامع (2/197) [↑](#footnote-ref-94)
95. - بخاري (7/122) شماره (3802) صحيح الجامع (6/72) [↑](#footnote-ref-95)
96. - صحیح بخاری (6/32) شماره (2816) [↑](#footnote-ref-96)
97. - مسلم (4/2263) شماره (2942) [↑](#footnote-ref-97)
98. - بخاري (13/90) شماره (7125) [↑](#footnote-ref-98)
99. - بخاری (13/101) شماره (7123) [↑](#footnote-ref-99)
100. - سنن ترمذي (2/249) شماره (1825) [↑](#footnote-ref-100)
101. - بخاری (2/262) شماره (780)، مسلم (1/307) شماره (410) [↑](#footnote-ref-101)
102. - صحيح بخاري (2/266) شماره (781) [↑](#footnote-ref-102)
103. - بخاري (2/283) شماره (796) [↑](#footnote-ref-103)
104. - الحبانك في اخبار الملائک للسيوطي (2551) [↑](#footnote-ref-104)
105. - البداية و النهاية (1/55) [↑](#footnote-ref-105)
106. - صحيح الجامع (3/70) [↑](#footnote-ref-106)
107. - صحیح سنن ابی داود (2/872) [↑](#footnote-ref-107)
108. - مسلم (1/394) شماره (567) [↑](#footnote-ref-108)
109. - صحيح مسلم (1/396) شماره (567) [↑](#footnote-ref-109)
110. - صحيح بخاري )1/512( شماره )416( [↑](#footnote-ref-110)
111. - البدایة و النهایة (1/197) [↑](#footnote-ref-111)
112. - صحیح بخاری (9/293) شماره (5193) [↑](#footnote-ref-112)
113. - صحيح مسلم (4/2020) شماره (2616) [↑](#footnote-ref-113)
114. - صحيح سنن نسایي (3/492) شماره (4456) [↑](#footnote-ref-114)
115. - ابو داود و نسائی و حاکم روایت کرده اند. صحیح الجامع (6/8) [↑](#footnote-ref-115)
116. - بخاري (4/81) شماره (1870). مسلم (2/994) شماره (1370) [↑](#footnote-ref-116)
117. - اخشبین نام دو کوه در مکه است. [↑](#footnote-ref-117)
118. - مسلم (3/1420) شماره (1795) [↑](#footnote-ref-118)
119. - نام جايي است ميان مكه و طائف. [↑](#footnote-ref-119)
120. - البدایة و النهایة )1/50) [↑](#footnote-ref-120)
121. - سنن ترمذي (3/64) شماره (2492) و صحيح الجامع (3/188) [↑](#footnote-ref-121)
122. - صحيح مسلم (4/2288) شماره (2984) [↑](#footnote-ref-122)
123. - (البدایة و النهایة 1/58) [↑](#footnote-ref-123)
124. - شرح عقیده طحاویه (339) [↑](#footnote-ref-124)
125. - (حاكم في المستدرك نقل كرده، و با ذهبي آن را صحيح دانسته اند) [↑](#footnote-ref-125)
126. - شرح عقيده الطحاويه (338) [↑](#footnote-ref-126)
127. - لوامع انوار البهيه (2/398) [↑](#footnote-ref-127)
128. - صحیح الجامع (1/67) [↑](#footnote-ref-128)
129. - صحیح الجامع (2/141) [↑](#footnote-ref-129)
130. - بمنظور كسب اطلاعات بيشتر در اين زمینه به منابع زير مراجعه نمایید: (مجموع الفتاوي: 11/350) و (لوامع انوار البهية: 2/368) و (شرح عقيدة الطحاوية: 338) [↑](#footnote-ref-130)